

# منظور از . . .

در شرح معضلات و مبهمات آثار و الواح مبارکه

جلد دوم

تالیف حمید الله حسامی

زمستان ۱۳۹۴

فهرست

شماره صفحه	شرح	شماره ترتیب
۱	منظور از کتاب الفهرست	۵۱
۴	منظور از کتاب مبارک جدید	۵۲
۲۴	منظور از کتاب پنج شان	۵۳
۳۹	منظور از صحیفه باقریه	۵۴
۴۳	منظور از حدیث کمیل	۵۵
۵۱	منظور از ماء الحقیقه	۵۶
۵۲	منظور از انا انزلناه	۵۷
۵۷	منظور از حدیث ابا لیید مخزومی	۵۸
۶۸	منظور از توفیق شعائر سبعه	۵۹
۸۰	منظور از کتاب موسویه	۶۰
۹۳	منظور از رساله بین الحرمین	۶۱
۹۴	منظور از رساله جفریه	۶۲
۱۰۸	منظور از توفیق حروفات	۶۳
۱۰۹	منظور از کتاب الاحدیه	۶۴

۱۲۳	منظور از تفسیر هاء	۶۵
۱۲۷	منظور از کتاب چهار شان	۶۶
۱۳۶	منظور از الواح عربیه	۶۷
۱۴۵	منظور از صحیفه فاطمیه	۶۸
۱۵۵	منظور از کتاب الجزا	۶۹
۱۵۸	منظور از لوح تایمز	۷۰
۱۶۲	منظور از صحیفه حمرا	۷۱
۱۶۳	منظور از اکبر الواح	۷۲
۱۶۴	منظور از اعظم کتب	۷۳
۱۶۵	منظور از سوره السلطان	۷۴
۱۶۶	منظور از لوح شیر مرد	۷۵
۱۶۸	منظور از لوح بشارات	۷۶
۱۷۰	منظور از لوح روح الحیوان	۷۷
۱۷۱	منظور از لوح سبحانک یا هو	۷۸
۱۷۲	منظور از لوح محفوظ	۷۹
۱۷۳	منظور از لوح رئیس	۸۰
۱۷۴	منظور از لوح هودج	۸۱
۱۷۶	منظور از الواح زبر جدی	۸۲

۱۷۷	منظور از رساله سلوک	۸۳
۱۸۰	منظور از سوره البصر	۸۴
۱۸۵	منظور از کتابی که به اسم خال	۸۵
۱۸۶	منظور از الواح پارسیه	۸۶
۱۹۲	منظور از رساله خالویه	۸۷
۱۹۳	منظور از توفیق مکتب من ینظهره الله	۸۸
۱۹۷	منظور از صحیفه رضویه	۸۹
۲۰۵	منظور از لوح صیحه	۹۰
۲۲۵	منظور از کتاب جاودانی نبیل	۹۱
۲۳۳	منظور از ت - ظ ح در اسرار الاثار	۹۲
۲۶۴	منظور از توفیق قرن احبای غرب	۹۳
۲۸۵	منظور از توفیق قهریه	۹۴
۲۸۷	منظور از صحیفه حمرا	۹۵
۲۸۸	منظور از کتاب تدوین	۹۶
۲۸۹	منظور از کتاب تکوین	۹۷
۲۹۰	منظور از ورقه مبارکه	۹۸
۲۹۱	منظور از لوح حبیب	۹۹
۲۹۲	منظور از قیوم الکتب	۱۰۰

## مقدمه

دومین جلد از سری کتب منظور از اختصاص به معرفی کتب الواح مبارکه دارد و سعی شده در حد مقدور و موجز الواح و آثاری که به نام دیگری نیز معروف هستند معرفی شوند و صد البته در اهمیت و مقام آن الواح مبارکه که میدانی وسیع و فارسی دلیر می خواهد زکری نشده و آن را به عهده علمای فی البهائم و دانشمندان و محققان جامعه امری گذاشتیم تا حق مطلب را ادا نمایند و این وجیزه در حد بضاعت مزجاه تهیه و تقدیم گردید .

حبیب الله حسامی

کرمان

زمستان ۱۳۹۴

۵۱- منظور از کتاب الفهرست مجموعه  
فهرستی از آثار نازله سالهای ۱۲۶۰ و  
۱۲۶۱ می باشد

جناب ابو القاسم افنان در معرفي این اثر مبارك در  
کتاب نفیس عهد اعلي چنین می نویسد:

کتاب الفهرست با شهادت به حقانیت و مظهریت  
رسول اکرم و ائمه اطهار و عظمت مقام حضرت  
فاطمه زهرا علیها التحیه و الثناء و نیز به حقیقت  
ابواب ظاهریه در مذهب شیعه مثل شیخ احمد  
احسائی و سید کاظم رشتی آغاز می گردد و پس از  
اینکه به روز تولد مبارك و اسامی والدین و اجداد  
خویش اشاره می فرماید فهرستی از آثار منزله را که  
از تاریخ پنجم جمادی الاول سال ۱۲۶۰ هجری قمری  
الی پنجم جمادی الثاني ۱۲۶۱ نازل گردیده ارائه می  
نمایند.

موضوع قابل توجه دیگر در این کتاب این است که  
دستور می فرماید کتاب الفهرست در اول هر یک از  
آثار مبارك گذاشته شود و چون بعدا کاتبین آن را به

آغاز رساله بين الحرمين اضافه کرده اند ، بعضي به شبهه افتاده و تصور نموده اند که کتاب الفهرست جزئي از رساله مذکور است.

متن اصلي کتاب الفهرست هشت صفحه رقعي کوچک است که با دو صفحه جدولي که شامل فهرست آثار است بالغ بر ده صفحه مي شود.

اسامي آثاري که در جدول ضميمه کتاب از آنها نام برده شده به قرار ذيل است:

۱- تفسير سوره يوسف در ۱۱۱ سوره به تعداد آیاتي که در سوره يوسف در قرآن مجيد نازل و هر کدام از اين سور که به نام خاصي ناميده شده شامل ۴۲ آيه است.

۲. صحائف مشتمل بر چهارده دعا با اسامي مختلف.

۳. الواح منزله به نام نفوس مختلفه مشتمل بر بيست و دو فقره.

۱. صحف مشتمل بر چهارده صحيفه به اسامي مختلف.

۵. خطب مشتمل بر ۸ خطبه که به نام محلي که در آن نازل شده است نامگذاري گرديده است.

۱. تفسیر بسم الله که شامل ۱۰۷۰ باب است.
۲. تفسیر بقره که شامل ۳۷۳۰ باب می باشد.
۳. کتاب روح شامل ۷۰۰ سوره است.
۴. رساله بین الحرمین شامل ۷ باب ، تعداد ابیات ۱۱۷۰ نوشته شده است.
۵. صورت آثار مسروقه مشتمل بر نه اثر.



## ۵۲- منظور از کتاب مبارک جدید بیان فارسی

است

این کتاب مستطاب که در شرح و تبیین احکام و آثار نازلہ در بیان عربی است از آثار نازلہ در ماکو بسال سوم ظهور یعنی سنہ ۱۲۶۳ میباشد در الواح مبارکہ حضرت بهاء الله از ان به کتاب مبارکہ مجید تعبیر فرموده اند زیرا کلمه بیان بجمیع آیات و کتب نازلہ از قلم حضرت اعلي اطلاق میشود و برای تمیز کتاب بیان فارسی از سایر آثار از ان به کتاب مجید تعبیر فرموده اند.

در معرفی این اثر مبارک که ام الكتاب دور بیان و مشتمل بر احکام و اوامر و سنن الهی است که از اسمان مشیت رحمانی نازل گشته و با نزول ان شرایع قبلیه منسوخ گردید الحق باید کتابی حجیم و در خور ارزش ان تا لیف و تدوین گردد ولی چون این مهم از عهده این حقیر بر نمی آید رشته کلام را بدست علمای فی البهاء داده از زبان و قلم انها در حد میسور و امکان به معرفی این اثر ارزشمند و

کتاب اسمائي مي پردازيم قبل از ان که اظهار نظر فضلاي امر را جمع به اين کتاب مبارك بدانيم از يراعه مقدسه حضرت ولي عزيز امرالله استمداد جسته و معرفي اين سفر عظيم که باعث حدوث انقلابي بزرگ در عالم انساني گرديد از قلم معجز شيم حضرتش را مفتاح اين مقال قرار ميدهيم.

حضرت ولي عزيز امرالله در تعريف و تمجيد از اين کتاب مجيد چنين ميفرمايند (اين مصحف اسمائي را بايد في الحقيقه گنجينه اي از وعود و بشارات و شرح اوصاف و نعوت موعود دانست نه سنن و احکامي که دستور دايم و نظام مستمر جامعه بشريه را تشکيل داده و يا براي دلالت نسلهاي اتيه انساني در قرون و اعصار متمادی مقرر شده باشد).

اين کتاب مبارك که حدود و فرايض مسطوره در قران کریم از قبيل صوم و صلوه و نکاح و طلاق و ارث و غيره را نسخ و در عين حال رسالت حضرت سيد المرسلين را تثبيت و مقام ان حضرت را تکریم و تعظيم مي نمايد.

بعلاوه در این کتاب مقدس بسیاری از آیات و کلمات مذکور ه در صحف قبلیه مانند جنت و نار و موت و قیامت و حشر و رجعت و میزان و ساعت و جزا و امثال ذلك به نهایت قدرت و بلاغت تبیین و معانی حقیقیه انها تشریح گردیده است.

این منشور الهی متضمن اصول و قواعد و احکام و فرائض است که متعمدا بنحو شدید و غلیظ تشریح گردیده و منظور از ان انهدام تاسیسات عتیقه بالیه و ایقاز روسای دین و انتباه غافلین از رقد غفلت و خمودت و ایجاد انقلاب و تحول جدید در قلوب نفوس و تمهید سبیل برای ظهور دور بدیع بوده است)

دکتر محمد حسینی در کتاب نفیس حضرت باب کتاب بیان فارسی را مفصل و مشروح در حدود ۱۷۰ صفحه معرفی نموده و بعد از معرفی این کتاب مستطاب تمامی ابواب انرا مستقلا معرفی و محتوای انها را شرح و توضیح داده اند که الحق بسیار جالب و جامع و خواندنی است و ما در این قسمت فقط از مقدمه ای که در معرفی این کتاب مستطاب نوشته اند چند سطری را نقل نموده و طالبین را به مطالعه این

اثر نفیس از صفحہ ۸۷۰ الی صفحہ ۹۴۲ کتاب  
حضرت باب شرح حیات و آثار مبارکہ کہ از  
طرف موسسہ معارف بہایی کانادا بسال ۱۵۲ بدیع  
طبع و نشر شدہ ارجاع میدہیم .

ایشان می نویسند حضرت باب کتاب بیان فارسی را  
بہ ۳۶۱ باب ( نوزدہ واحد و ہر واحد نوزدہ باب )  
یا باصطلاح عددکوشنی بخش فرمودہ اند اما در عمل  
بیان فارسی اتمام نیافتہ و تا آخر باب دہم از واحد  
نہم نازل گشتہ است .

بیان فارسی بزرگترین اثر تشریحی حضرت باب  
است ایات این کتاب اشتمال بر تعالیم فلسفی و اخلاقی  
و اجتماعی شرع بیان دارد . در کتاب بیان فارسی  
از عظمت و جلال حضرت الوہیت و امتناع عرفان  
ذات ربوبیت و مقام ولایت مشیت اولیہ در ہرظہور و  
استمرار ابدی نزول وحی الہی در ادوار مختلف قائمیت  
ومظہریت ومبشریت حضرت باب معنای مصطلحاتی  
چون قیامت ، رجعت ، صراط ، میزان ، معاد ، نار ،  
ساعت ، موت ، حیات ، و اصول عالیہ اخلاقی و  
قواعد عبادتی و حقوقی سخن رفته است .

در حقیقت مراد اصلي از نزول احکام در عهد اعلي و دور بیان ایجاد تحول و انقلاب فکري در مردم عصر و آماده نمودن آنان براي پذیرش ظهور حضرت بهاء الله بوده است زیرا طبع برخي از احکام بیان فارسي کاملاً نشان میدهد که براي اجراء در عصر طولاني نازل نشده است .

جناب شيخ حسن زنوزي که در اوقات نزول کتاب بیان فارسي در ماکو بوده بعد ها براي نبيل زرندي نقل نموده که در حين نزول آیات لحن زیبایی حضرت باب در دامنه کوه بگوش ميرسيد و صدای ان بزرگوار منعکس ميگرديد چه نغمه زیبایی بود و چه لحن موثر روح افزائي در اعماق قلب اثر ميکرد و موجب اهتزاز روح ميشد .

دکتر محمد حسيني در ادامه این بحث ادامه میدهد که نسخه هاي خطي متعددي از بیان فارسي نزد افراد و در برخي از کتابخانه هاي معروف عالم موجود است اما نسخه بسيار مهم و مورد اعتماد بخط جناب سيد حسين يزدي کاتب وحی است که

اینک در دار الآثار بین المللی در مرکز جهانی  
بهایی نگاهداری میشود.

فاضل فقید ارجمند و استاد محبوب دانشمند حضرت  
اشراق خاوری در معانی مختلف کلمه بیان در جلد  
دوم قاموس لوح شیخ صفحه ۷۶۶ بیانات مبسوطی  
فرموده اند که مطالعه آن خالی از لطف نبوده و  
مزید معلومات میگردد. از جمله در صفحه ۳۸۲  
جلد اول کتاب مزبور بمعرفی مختصر بیان پرداخته  
میفرمایند سراسر کتاب بیان در باره بشارت ظهور  
من یظهره الله و عظمت مقام و جلالت شاعن  
حضرت نباء عظیم است. در بیان مسئله وصایت  
بعد از خود را نفی فرموده اند چنانکه در باب رابع  
عشر واحد سادس فرموده اند قوله تعالی، چون که  
ذکر نبی و وصی در این کورنمی گردد بمومنین  
اطلاق میشود. در بیان ذکر مقامات عالیه و شئون  
الهیة من یظهره الله صریحا نازل شده و جمالتقدم در  
لوح خواجه کمال الدین نراقی میفرمایند قوله تعالی .  
(قل انه لهو الذي به منزل الی بیان و قوله الحق انه لم  
یزل و لایزال ینطق انی انا الله لا اله الا انا ان یا

## خلقى اياي فاعبدون .)

جناب ابوالقاسم افغان در كتاب عهد اعلي در باره كتاب بيان مي نويسند . كتاب بيان همه بر نهج فطرت و بصورت وحي نازل گرديده است يعني بدون فكر قبلي آنچه بر قلب مبارك الهام ميشده بر روي صفحه كاغذ مي امده است . در تحرير اين كتاب موضوعي كه مطمع نظر منزل ان قر ار گرفته است و در هيچ يك از كتب تشريعي اديان و مذاهب ديگر بچشم نمي خورد موضوع نظم و ترتيب است كه در تقسيم بندي ان داده شده به اين معني كه كتاب به ۱۹ واحد و هر واحد به ۱۹ باب تقسيم شده و حاصلضرب اين دو رقم مساوي عدد ۳۶۱ است كه ارزش عددي ان معادل عبارت كلشني ميباشد در بيان فارسي در آغاز هر واحد و هر باب جوهر مطالبه كه در ان واحد يا باب مي آيد بنحو ايجاز به زبان عربي نازل شده و لي توضيح و تفسير به زبان فارسي است .

کتاب بیان فارسی بوسیله ازلی ها در ۳۲۸ صفحه و با ملحقاتی در ۱۶ صفحه به قطع ۲۴×۱۷ در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ شمسی در ایران بچاپ رسیده. محقق ارجمند دکتر محمد افنان در کتاب خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶ صفحه ۴۵ می نویسد در سوره رحمن میفرماید (الرحمن-علم القرآن - خلق الانسان - علمه البیان) لفظ بیان مرادف و بعد از قرآن ذکر شده است اگر این دو لفظ قرآن و بیان صرفا به مفهوم مصدری منظور گردد نوعی تناقض منطقی در مطلب بوجود می آید زیرا تعلیم قرآن قبل از خلق انسان آمده و این خلاف نظام فکری و نظم کلام الهی است و اگر قرآن به مفهوم اسم خاص بر کتاب الهی گرفته شود بیان را نیز میتوان به همین مفهوم دانست و اسم کتاب تنزیل در دوره بعد شمرده علی الخصوص که ترتیب مطلب در این صورت ظرافت و اصالت مخصوص خواهد داشت چه که حاکی است که خداوند رحمن قرآن را تعلیم فرمود و وسیله هدایت قرار داد و به ان خلق صفات انسانی فرمود و دیگر بار بیان را تعلیم فرمود



تا تجدید هدایت فرماید ، مخصوصا با توجه باینکه آیات بعدی سوره مزبور نیز کلا حکایت تجدید ایام رستاخیز روحانی دارد . در کتاب مستطاب بیان فارسی بعد از خطبه ابتدائیه کتاب که مشتمل بر توحید الهی و وجوب عرفان مظهر ظهور بیان است در ابواب مختلف از واحد های اول و دوم از معرفت و شناسائی خدا که همان عرفان مظهر ظهور است در باره رجعت روحانی طلعات مقدسه قبل و در باره اینکه خداوند معمولا دو حجت بالغه الهیه بر خلق مبعوث میفرماید که یکی مظهر ظهور و دیگری آیات است و فرق بین مومن و غیر مومن و منظور از قیامت که عبارت از قیامت هر دینی در ظهور بعد است . در معنی موت و قبر و ملائکه و میزان صراط و روز حساب و در بیان حقیقت بهشت و تشریح جهنم که منظور عدم عرفان بحق است سخن رفته و مقام منیع من یظهوره الله توصیف و عرفان و ایمان به او تاکید شده است .

در تفسیر صافی در ذیل سوره الرحمن حدیثی از ایام جعفر صادق نقل نموده باین مضمون که امام صادق فرموده است بیان بزرگترین اسم خدا است و ان بشما همه چیز را تعلیم میدهد در سوره قیامت اشارهای تلویحی ابلغ از تصریح به این موضوع شده زیرا در آیه ۱۷ سوره مزبور میفرماید (لا تحرك به لسانك لتعجل به) و در آیه ۱۸ و ۱۹ میفرماید (ان علینا جمعه و قرآنه بفازا قرآنا فاتبع قرآنه ثم ان علینا بیا نه) لذا طبق نص آیات فوق شرح معنی قیامت بر عهده حضرت الوهیت است که با نزول کتاب مستطاب ایقان تحقق پذیرفت زیرا در ابواب مختلفه واحدهای متنوع بیان معانی و منظور از حشر و نشر و قیامت و صراط و جهنم و بهشت تفسیر و تشریح و تبیین گشته است موضوعی که از مطالعه و مرور بر کتاب بیان فارسی کاملاً مشهور میشود اینست که اساس این کتاب مسطاب بر تربیت روحانی و بلوغ فکری مومنین به ان نهاده شده تا در یوم ظهور موعود بیان که من یظهر الله باشد و معرفت به او ثمره اصلی کل بیان است محروم نمانند.

ابواب واحد سوم . همه مدل بر عظمت الهي و خواست و اراده او و اهميت كتاب بيان و بالجمله تبين مقام الهي و مظهریت کلیه من يظهره الله موعود است که در ضمن تمام ابواب بيان بصراحت اشاره شده است .

ابواب واحد چهارم کلیه راجع باصول و مبادی ایمانی دیانت بای و حدود کلی بیان است که همواره بذکر من يظهره الله مزین است .

قسمت عمده ابواب بیان از واحد پنجم الي اخر كتاب بيان مبارك احكام و حدود دینی است و گاهگاهی نیز مطالبی از اصول روحانی دیانت بای مذکور گردیده که عالیا بشخص موعود بیان صریحا راجع است و جالب توجه آنکه بای از بیان نیست که در ان بمناسبتی از من يظهر ذکری نشده باشد و در حقیقت سراسر بیان ذکر اوست و بشارت بظهور او و تمام احكام و اصول طائف قول و اراده او .

تقسیمات بیان مشتمل بر نوزده واحد بوده که هر واحد شامل نوزده باب است ولی بایستی توجه داشت که بیان مبارك فارسی را هیکل اطهر بتمامه نازل

نفرموده اند و فقط یگصد و شصت و دو باب یعنی تا  
 باب دهم از واحد نهم را مرقوم داشته اند گر چه بیان  
 مبارك عربي تا آخر واحد یازدهم نازل شده ولي  
 ظاهرا نظر بقرب ظهور من یظهره الله هیکل مبارك  
 هر دو را نا تمام گذاشته اند و نفس عدم تکمیل دلالت  
 بر این مینماید که ظهور موعود بیان نزدیک است و  
 گرنه از عدل الهي بعید است که شریعتی نازل فرماید  
 و احکامی مقرر دارد ولي فرائض و حدود را کاملا  
 مکملا تعیین ننماید و احتیاجات را پیش بینی ننماید و  
 بصورت ظاهر کتاب اسمانی خود را ناقص گذارد  
 مگر اینکه معتقد شویم که تکمیل کتاب را بعهدہ  
 مظهر بعد گذاشته اند که با نزول کتاب ایقان این  
 وعده مبارك تحقق یافت و رموز کتب اسمانی قبل  
 اشکار گشت .

کتب مقدسه قبل هیچ یک باراده و نظر صاحب ان  
 منظم نشده و حتی توراه و انجیل هر دو مجموعه  
 یادداشتها و اطلاعاتی است که تعدادی از مومنین و  
 حواریون و علما جمع اوری کرده اند و ضمنا شامل  
 تعلیمات و نظریات شارعین عظیم انها میباشد .

کتاب قران کریم گر چه وحی الهی و بیان شخص پیغمبر علیه بهاء الله و سلامه است ولی معذالك نحوه تقسیم بندی و ترتیب بسیاری از سور بعدا توسط مومنین و حفاظ قران صورت گرفته است که ظاهرا قبل از ان پیش بینی نشده بود در صورتیکه اثار مقدسه این امر عموما و کتاب مقدس بیان که مورد بحث است خصوصا توسط منزلین ان تقسیم شده و ترتیب یافته است.

دکتر افنان می نویسد: (یکی از اختصاصات کتاب بیان اینست که ذیل هر مسئله و حکمی از اصول و احکام شریعت بابی حکمت نزول و صدور حکم نیز نازل گشته و هیکل مبارک همه جا پس از مقدمه عربی که در صدر هر باب نازل شده در توضیح و تبیین فارسی علت موضوع را بیان میفرمایند و مهمتر آنکه همه این علل و حکمتها در حقیقت بمن یظهره الله راجع است تا همواره مومنین باو و ظهورا و ناظر و متذکر باشند تا در هنگام ظهور او از ایمان باو محروم نما نند. روش و سیاق آیات و عبارات بیان مهیمن و مستدل است و ضمن اینکه با کمال عظمت

و جلال که بسیار خواننده را ذر قبال قدرت معنوي منزل ان متاثر میدارد سرا پا استدلال و بیان براهیني است که بسیار روان و موثر است و همواره هر قلب سلیمي را نقاب میسازد طرز ترکیب کلمات و جملات بدیع و مستقل است هیچ يك از نویسندگان و ادباء باین روش قبلا ننوشته اند و بعدا نیز کسی توفیق تقلید نیافته است. حضرت رب اعلي عموم اثار خود را بیان نامیده اند تا اشاره صریحي باشد به اینکه یوم قیامت واقع شد و بیان قران طیق وعده الهی تحقق یافت و بهمین دلیل است که بیشتر اثار حضرت اعلي حالت توضیحي و تفضیلي دارد مثلا در قران اسماء الهی ذکر شده ولی توضیحي درباره معانی ان در نفس قران داده نشده ولی در اثار حضرت اعلي اسا می بیشتری ذکر شده ثانیاً در توفیعات و کتب و تفاسیر ان اسماء توضیح و تشریح و تعریف شده است.) کتاب مقدس بیان در ایام توقف حضرت رب اعلي در سجن ماکو در خلال ماههای سنه ۱۲۶۳ و ۱۲۶۴ عز صدور یافته و بطوریکه میدانیم مدت توقف حضرتش در ماکو ۹ ماه بوده که از شعبان ۱۲۶۳

تا جمادي الاولی ۱۲۶۴ طول کشیده و کتاب بیان در این فاصله زمانی نازل گشته است . هیکل اطهر باین موضوع در خطبه ابتدائیه بیان اشاره فرموده و میفرمایند ( و در انوقت که عود کل خلق قران شد و بدء خلق کلتی در بیان شد مقر نقطه که مظهر ربوبیت بوده بر ارض اسم باسط بود و چنانکه میدانیم منظور از باسط در اثار مبارکه ماکو است که هر دو از نظر حروف ابجد مساوی ۷۲ میباشد البته در صورتیکه ماکو را به اسم اصلی او که ماه کو میباشد بخوانیم .

$$م + ۱ + ۵ + ک + و = \text{ماه کو}$$

$$۷۲ = ۶ + ۲۰ + ۵ + ۱ + ۴۰$$

$$۷۲ = ۹ + ۶۰ + ۱ + ۲$$

$$ب + ا + س + ط = \text{باسط}$$

در مطالعه کتاب بیان بارها به کلمه کلتی بر خورد کرده ایم مخصوصا که در همان ابتدای کتاب بیان

حضرت اعلي ميفرمايند : بعين يقين نظر كن كه ابواب دين بيان مترتب گشته بعدد كلشئي... اگر كلمه كلشئي را با حروف ابجد محاسبه نماييم مساوي عدد ۳۶۱ ميشود .  $ك+ل+ش+ء+ي=كلشئي$  .  
 $۱۰+۱+۳۰۰+۳۰+۲۰=۳۶۱$  . كه عدد ۳۶۱ مضرب  $۱۹ \times ۱۹$  ميباشد و ميدانيم كه تعداد حروف بسم الله الرحمن الرحيم ۱۹ حرف است كه معادل با واحد است كه خود واخذ نيز بحساب ابجد ۱۹ ميشود .

$$و+ا+ح+د=واحد$$

$$۱۹=۶+۱+۸+۴$$

و كلشئي كه معرف همه اشياء و عوالم وجود است در حقيقت در ظل حروف بسم الله الرحمن الرحيم يعني واحد اول است كه منظور از واحد اول نفس مبارك حضرت اعلي و هجده نفر حروف حي هستند كه جمع ايشان مساوي ۱۹ است .

در ملحقات كتاب اقدس در مورد كتاب بيان مرقوم شده . كتاب بيان ام الكتاب دور بابي است و حضرت



اعلي کتاب احکام خویش را به این عنوان تسمیه  
فرموده اند .

کتاب بیان فارسي مخزن عمده عقاید ديني و احکام  
دور بابي است .

چون کتاب بیان بصورت ظاهر ناتمام بود ازل بخیال  
خود متممي بر ان نوشت که ازلیها انرا به اخر کتاب  
بیان خود که بسال منتشرشد اضافه نموده اند

این متمم که مانند سایر اثار ازل بي محتوا و نارسا  
است بزبان عربي و فارسي تواما نوشته شده است .

بیان فارسي که شرح و تبیین مضامین بیان عربي است  
بعد از کتاب بیان عربي نائل شده و تقریبا بالغ بر  
هشت هزار بیت است .

بیان فارسي به زبانهای مختلف دنیا از حمله فرانسه  
و انگلیسي ترجمه شده ترجمه بیان فارسي توسط  
نیکولا انجام شد که بسال ۱۹۱۱ میلادي انرا در ۴  
جلد منتشر نمود . ولي ترجمه انگلیسي قسمتي از  
ان توسط ادوارد براون مستشرق انگلیسي و صاحب  
کتاب یکسال در میان ایرانیان ترجمه گردید که در ان  
اشکالات و اشتباهات عدیده مشاهده میشود از جمله

اینکه جناب ملاحسین بشروئی اول من امن را رجعت  
حسینی میداند در حالیکه میدانیم مقصود از رجعت  
حسینی ظهور حضرت بهاء الله میباشد. ترجمه این  
کتاب جدیداً توسط دکتر موژان مومن چاپ گردیده  
است

در مورد اینکه چرا کتاب بیان طبع و نشر نمیشود .  
حضرت عبدالبهاء در لوحی منیع میفرمایند.

ای منادیان میثاق در خصوص ترجمه و طبع کتاب  
بیان احکامی در بیان موجود که به نص کتاب اقدس  
نسخ گردیده و بهائیان را تکلیف نصوص قاطعه کتاب  
اقدس است حال اگر کتاب بیان نشر شود و یا ترجمه  
گردد ملل اجنبیه حتی اهل ایران گمان نمایند که  
اساس دین بهائیان ان احکام شدید در کتاب بیان  
است و حال آنکه بنص قاطع کتاب اقدس ان احکام  
بیان منسوخ و مفسوخ است پس باید کتاب بیان را  
بعد از انتشار کتاب اقدس در جمیع جهات ارض و  
اقلیم عالم نشر داد تا خواننده بدانند که ان احکام  
شدیده منسوخ و مفسوخ است و پیش از انتشار کتاب  
اقدس و ترجمه اش و شهرت احکامش شر کتاب بیان

جائز نه و عليكم التحيته و الثناء ع ع

مانده ۲ صفحه ۹۲

و همچنين مي فرمايند اما كتاب بيان بكتاب اقدس  
منسوخ است و احكامش غير معمول مگر احكاميكه  
در كتاب اقدس تكرر بيان و تاكيد شده و مادون ان  
احكام مو كده در كتاب اقدس به اهل بيان تعلق دارد  
بما تعلقي ندارد ما مكلف به احكام كتاب اقدس  
هستيم  
مكانيب جلد ۴ صفحه ۳۱

براي كسب اطلاعات بيشتر در باره اين كتاب مقدس  
بمنابع ذيل مراجعه شود

بيان فارسي

قاموس لوح شيخ جلد ۱ صفحه ۳۸۲ - ۷۶۳

پيام بهائي شماره ۱۷۶ - صفحه ۲۹

رحيق مختوم جلد ۲ صفحه ۹۱۶ - ۹۵۰ عهد اعلي  
صفحه ۴۴۲

عهد اعلي صفحه ۴۴۲

باب تالیف محمد حسینی صفحه های ۱۵۹-۸۷۰ -  
۱۶۲

اهنگ بدیع سال ۱۸ شماره ۲ صفحه ۵۴

محاضرات جلد ۱ صفحه ۳۹

قاموس ایقان جلد ۱ صفحه ۱۹۸

مکاتیب جلد ۴ صفحه ۳۱

مانده اسمانی جلد ۲ صفحه ۱۶

قرن بدیع جلد ۱ صفحه ۱۵۰

اسرار ربانی جلد ۲ صفحه ۱۳۳

مطالع الانوار صفحه ۲۳۴

بهجت الصدور صفحه های ۵۸-۵۹-۶۰-۶۲-۶۳

اهنگ بدیع سال ۳۲ شماره ۳۴۳ صفحه ۱۷۸

پیام بهائی شماره ۱۳۹ صفحه ۱۳

پیام بهائی شماره ۲۲۴ صفحه ۲۵

۵۳- منظور از کتاب پنج شان مجموعه ای از

توقیعات برای اصحاب اولیه می باشد .

این کتاب مبارك از اثار نازله در چهریق است که متاسفانه تاکنون اصل ان بدست نیامده و از سرنوشت ان اطلاعی در دست نیست و تقریبا از اخرین اثار هیکل مبارك است لحن نازله در این کتاب بر اساس تعریفی است که از شئون خمسہ ایات ذکر شده شان ایات - مناجات - خطب و تفاسیر و شان پنجم جزء شئون فارسیه می باشد که بفارسی نگاشته شده است این کتاب در اصل به نوزده واحد تقسیم شده و هر يك از واحد ها به یکی از اسماء الله آغاز می شود مانند بسم الله الاله الا له- بسم الله الاو حد الاو حد - بسم الله الاحد الا حد . . . . .

دوازده و احد این کتاب به عربی و فارسی در دو قسمت توسط ازلی ها طبع و نشر شده است در معرفی رساله مبارکه پنج شان در مجله پیام بهائی شماره ۱۷۵ چنین مینویسد .

این کتاب مجید مجموعه ای است از الواح و توقیعات مبارکه که بر ای عده ای از اصحاب نازل گردیده و هر توقیع مبارکه در پنج شان و لحن نزول یافته. لحن آیات لحن مناجات لحن خطابه لحن تفسیر لحن کلمات فارسی بفرموده حضرت ولی امرالله در قرن بدیع این کتاب از آثار اخیر ه مبارک محسوب می گردد جناب اشراق خاوری در قاموس ایقان نزول آن را در سال ۱۲۶۶ و در اواخر ایام اقامت مبارک در قلعه چهریق دانسته اند. اما جناب نقبائی مرقوم فرموده اند ( رساله پنج شان ۰۰۰ نزول آن در جبل ماکو بوده و در متن کتاب به آن اشاره شده است )

رساله مبارکه پنج شان که شامل توقیعاتی به اصحاب و مومنان است به زبان فارسی نازل گشته و متضمن مطالب عرفانی و عرفان مطلع امر الهی است که در آن جناب عظیم را به بشارت قرب ظهور طلعت رحمان که مکمل دور بیان است مطمئن و امیدوار فرمودند در این لوح بشارت صریحه به ظهور حضرت بهاء الله و قرب شهادت خویش داده اند.

در این کتاب مستطاب می فرمایند قوله عز و جل •  
خداوند هیچ چیز را در هیچ ظهور مثل اختلاف نهی  
نفرموده •

دکتر محمد حسینی در کتاب نفیس خود شرح حال و  
معرفی آثار حضرت باب این کتاب را چنین معرفی  
می نمایند •

این کتاب مجموعه ایست از شئون پنجگانه آثار  
حضرت باب شان آیات مناجات خطب تفاسیر و  
کلمات فارسیه ( احتمالاً کل محتویات این اثر جلیل  
در سال آخر حیات مبارک نازل گشته است

اما بی تردید بخش اعظم آن متعلق بدین ایام از حیات  
حضرتشان است شاید محتویات آن بامر حضرت  
باب وسیله جناب سید حسین کاتب جمع اوری و تحت  
همین نام ضبط شده باشد • بهر حال در چند موضع  
از کتاب به محل نزول آن بخش مخصوص ( چهریق  
) اشاره شده است • همچنین به سی و یکمین سال  
زندگی مبارک و نیز ششمین نوروز پس  
از اظهار امر حضرتشان که مصادف با پنجم جمادی  
الاولی بوده بعنوان آخرین نوروز حیات عنصری

خویش اشاره فرموده اند . نسخه ای از این کتاب  
وسیله ازلیان ( در حدود چهار صد و پنجاه صفحه )  
چند دهه پیش انتشار یافته است . شیوه نزول  
محتویات این کتاب به سبک صدور محتوای کتاب ا  
لاسماء نزدیک است هر بخش از کتاب با عباراتی  
چون ( بسم الله الاوحد الاوحد ) یا بسم الله الاعظم  
الاعظم ) آغاز شده و خود به پنج جزء تقسیم و هر  
جزء بشان خاصی نازل گشته است در این کتاب  
مبارک گاه اشتقاقیات متعدده از يك لفظ زیارت می  
گردد و این نکته را بذهن متبادر می سازد که  
حضرت باب برای اثبات حاکمیت و استقلال  
حضرتشان عمدا از شیوه های معمول نزد علماء و  
ادباء زمان عدول فرموده اند در بخش ( بسم الله  
الاجمل الاجمل ) خطاب به جناب عظیم او را به  
ثمرات ظاهره از امر بدیع در سنه واو ( سال ششم  
از ظهور مبارک ) توجه می دهند که آخرین سال  
حیات مبارک و اوج نزول آثار باهره بر قلب ظاهر  
حضرتشان است سپس او را متوجه به وعده ای می  
فرمایند که از قبل داده اند و آن ظهور سنه تسع



( سال اظهار امر خفي جمال اقدس ابهي ) است .  
در همین بخش عظیم را با خطاب ( ان يا اسم العظیم  
و ذکر الله الکریم ) مورد تجلیل قرار می دهند به  
برخی از دیگر اکابر اصحاب چون طاهره وحید  
میرزا احمد کاتب خلیل تبریزی خال اعظم و دیان  
نیز خطابات و اشاراتی می فرمایند . ذیل بخش ( بسم  
الله الاجمل الا لاجمل ) جناب قدوس را ( اسم الله  
الآخر ) می نامند و لکن برای آنکه این عنوان در اذهان  
برخی از مومنان ایجاد شبهه ننماید تصریح می فرمایند  
که خداوند ( در هر ظهور عرش حقیقت را منفرد در  
ظهور فرموده تا آنکه دلیل بر فردانیت ذات مقدس  
خود گردد ) ذیل بخش ( بسم الله الواحد الاحد ) در  
خطاب به جناب دیان او را حرف ثالث مومن به من  
یظهره الله فرموده امر می نمایند پس از آنکه من  
یظهره الله ظهور خویش را به او اعلام می فرمایند  
یقین نماید و خداوند را سپاس گوید . در همین بخش  
بتفصیل از جناب ملا حسین تجلیل فرموده و به  
مقامات عالیله او اشاره نموده اند . در خطاب به  
جناب خلیل تبریزی در بخش ( بسم الله الاقدم الاقدم )

مي فرمايند . ( ان يا خليل في الصحف ۰۰۰ ) كه  
حاكي از نهايت مرحمت به وي و تجليل از مرتبت  
نامبرده است ذيل ( بسم الله الاقرب الاقرب ) جناب  
حجت زنجاني را تحت عنوان ( عالم ارض اعلي )  
مورد مكرمت و تجليل قرار داده اند در مواضع  
متعدد از كتاب به وحدت مظاهر الهيه ا اشارت  
فرموده اند

از جمله در بخش ( بسم الله الاوحد الاوحد ) مي  
فرمايند ( و ممتنع بوده و هست كه اين عرش متعدد  
گردد مثل ان را مثل شمس سماء فرض نموده كه اگر  
ما لا نهايه طلوع نمايد يك شمس زياده نبوده و نيست  
و اگر مالانهايه غروب نمايد يك شمس زياده نبوده و  
نخواهد بود زيرا كه اگر ظاهر در اعراض متعدد گردد  
چگونه دليل بر وحدانيت كنه خود خواهد شد ) در  
موضعي به ظهورات پيش از ادم اشاره مي نمايند و  
در مواضع متعدده تصريح براستمرار ظهورات  
مي فرمايند . در چند موضع از جمله در بخش ( بسم  
الله الاعلم الاعلم ) به داود پيش از حضرت موسي و  
زبور پيش از تورات اشاره فرموده اند . البته نام

حضرت داود بن یسا ( ازا نبیاء پس از حضرت موسی ) نیز در چند موضع از پنج شان آمده است .  
در چند موضع از کتاب تصریح می فرماید که چهار سال در لباس باییت امر را به عموم ابلاغ نموده و پس از حصول استعداد در ناس و وصول بمرحله کمال قمیص باییت را به خلعت قائمیت مبدل فرموده اند .  
در این کتاب همچنین تصریح فرموده اند که قبول هر دین باید با دلیل و برهان و ایقان باشد و تحمیل دین بر نفوس جائز نیست در مواضع متعدده به ظهور من یظهره الله به عنوان ظهور آیات اخری اشاره فرموده اند . ظهور موعود بیان را به سلیمان و استقلال همگان در ظل خاتم او تشبیه فرموده اند و .  
تصریح می فرماید که ظهور من یظهره الله موجب اشتها و عظمت ظهور نقطه بیان می شود در بخش ( بسم الله الاجل الاجل ) می فرماید ( خداوند مقدر فرموده در قیامت بعد از این قیامت در ایام طلوع من یظهره الله استرفاع این اسم و استمناع این ذکر را بر من یظهره الله بوده که آنچه در این ظهور مشاهده نموده مرتفع فرماید و آنچه مستحق کینونیت خود ان

بوده باو عطاء فرماید ) در بخش ( بسم الله الواحد  
الواحد ) می فرمایند که خداوند آن حضرت را صرفاً  
بخط زهر من یظهرها الله خلق کرده است در  
بخش ( بسم الله الابهي الابهي ) که در حقیقت  
اشارت به بهاء من یظهره الله دارد ضمن بحث در  
باب تاریخ اظهار امر مظاهر پیشین امکان اطلاع از  
تاریخ ظهور موعود بیان را موقوف به استخراج  
مخصوص از علم حروف فرموده اند اشارات لطیفه  
ایست به بحث عددی مندرج در باب مستغاث از  
کتاب بیان فارسی و جوهر آن را سال واحد از ظهور  
من یظهره الله فرموده اند در آخرین صفحه کتاب پنج  
شان نیز بتلویح از اسم و لفظ مستغاث را همان سنه  
واحد از ظهور فرموده اند .

جناب اشراق خاوری در کتاب قاموس ایقان جلد یک

مینویسند

مقصود از پنج شان الحان خمسسه است که عبارت از  
لحن ایات و مناجات و خطابه و تفسیر و کلمات  
فارسیه است حضرت اعلی جل ذکره باعزاز عده ای  
از مومنین الواحی بر پنج شان صادر فرموده و برای

هر يك ارسال فرموده اند و بعدا اين الواح را در كتابي مجتمع ساخته و بنام پنج شان موسوم شده است مانند الاوحد الاوحد باسم ديان و ديکري باسم وحيد و ديکري باسم ملا عبد الکریم قزوینی که عنواناتش القوم الاقوم است و ديکري بنام حضرت طاهره و ديکري بنام خال اعظم سيد علي و ديکري بنام شيخ علي عظيم و ديکري بنام ملا ابراهيم و ديکري بنام حسين و بر اين قياس باقي الواح مندرجه در ان کتاب هر يك بنام شخصي معين است و هر اسم را که در اول ذکر فرموده اند پنج شان آيات و مناجات و خطابه و تفسير و کلمات فارسيه شرح و تفصيل داده اند شيوه بيان همان رويه کتاب الاسما است جز اينکه شئون کتاب الاسماء شئون اربعه آيات و مناجات و تفسير و خطابه است و شان کلمات فارسيه را ندارد و اين الواح مندرجه در پنج شان داراي تاريخ نزول است واحد ان سال ۱۲۶۶ ه ق است که ماه نزول ان هم با قيد روز ضبط شده است مانند هفتم شهر البهاء و ۰ و ۰ و ۰ يك نسخه خطي از اين کتاب در کتابخانه بدیع مشهد خراسان موجود است و

علمي نیز شمول دارد بفرموده هیکل اقدسش در کتاب بیان فارسي تفسیر سوره بقره جزء صور علمیه محسوب است . در بعضي از آثار مبارکه فضلا للعباد شئون فارسیه را نیز اضافه فرموده اند .

شئون فارسیه سابقه اي در اسلام نداشته ولي همانطور که در صحیفه عدلیه توضیح میفرمایند نظربه دشواری شئون دیگر که همه اساسا به عربي است برای مردم عادي ایران فضل الهي به ان تعلق گرفت که هیکل مبارکش به شان بدیعی که به فارسي است ولي اینه اي از شئون دیگر است به نزول آیات پردازند . این امر باز به نحو لطیف و ضمنی استقلال ظهور مبارکش بالنسبه به اسلام و در واقع اتساع و ارتقاء ظهور حقایق روحانی در دور مبارکش را باز گو می کند .

سبک فارسي آثار حضرت رب اعلي با هیچ سبکی که قبلا معمول و معروف بوده شباهت ندارد . آوردن مجاز از مشخصات بارز آثار حضرت باب است رساله بیان استفهامات قران

بدوا باید دانستکه اثار مبارکه حضرت اعلي را باید  
بدو دسته تقسیم نمود

اول اثاري که نزول ان در عالم غيب الهي يعني  
فواد مظهر ظهور مقدر بوده و اساس امرالله بر ان  
بنیاد شده است مانند قیوم الاسماء - بیان - کتاب  
الروح تفسیر سوره بقره و خطابات به محمد شاه و  
عبد الحمید سلطان عثمانی و حاجی میرزا اقاسی و  
عده ای از علما که بعضی برای تاسیس امر و  
شریعت است و بعضی برای ابلاغ کلمه و اتمام حجت  
می باشد .

دوم اثاري که در جواب طالبان نازل گردیده و  
متضمن جواب تقاضا های سائل بوده است که از  
جمله می توان از این نمونه تفسیر سوره کوثر و ا  
لعصر و رساله نبوت خاصه .

تفسیر حدیث جاریه یا حدیث کل یوم عاشورا و  
روایت کمیل بن زیاد نخعی و دعای صباح را نام  
برد که رساله اخیر از این دسته می باشد و از  
استفهامات قران پرسش رفته و رساله ای مختصر  
ولی پر محتوا و مفید در پاسخ به این سئوال نازل

اخيرا هم با بيان ان را چاپ کرده اند و الواحي بنام يحيي ازل بان افزوده اند.

بطوریکه قبلا ذکر شد اثار حضرت رب اعلي به پنج شان يا نهج که تقریبا مترادف کلمه سبک فعلی رایج در عرصه ادبیات باشد تقسیم شده است .

۱- آیات

۲- مناجات

۳- خطب

۴- تفاسیر

۵- صور علمیه

آیات از قدرت و عظمت و جلال الهي حکایت دارد و شائنی است که در ان خداوند مستقیما سخن می گوید و بعنوان حق تکلم می نماید .

این شان اصل همه شئون دیگر است و بهمین جهت است که دیگر آیات نیز در عین حال که به سبک آیات نیستند باز آیات خوانده می شوند .

در بیان فارسی در توصیف شان آیات میفرمایند اسم بیان در حقیقت اولیه بر آیات وحده اطلاق می گردد ( باب اول از واحد ۶ )



احکام چه او را مر با شد و چه نوا هي جزء ايات  
محسوبند و خود کتاب بيان فارسي نمونه جامع و  
کاملی از شان ايات است .

شان مناجات در حقيقت شان عبوديت و بندگي است  
• ميتوان گفت شان مناجات در اصل شان پيغمبر  
اکرم است که نه بعنوان توحيد بلکه بعنوان تحديد  
بر اساس مقام عبوديت سخن مي گوید و به عبارت  
ديگر مناجات شان و لحن تقاضاي خلق از حق است .  
شان تفاسير و خطب که شان ائمه مي باشد (تعبير و  
ستایش ايات الهي است و حاوي تجليل و تسبيح و  
بيان يکانگي ذات حق و توصيف مقام مظهر ظهور  
است و نمونه بارز ان خطبه هاي توحيد است که در  
کتاب شئون خمسہ مندرج است . شان تفسير روشن  
کردن مفاهيم ايات قراني و احاديث است تفسير سوره  
کوثر نمونه اي از ان است .

صور علميه را که مي توان شان ابواب و ارکان  
يعني جانشينان امام دانست شان استدلال عقلي و  
فلسفي و سياست است زيرا صور علميه اصولا مر  
بوط بمسائل استدلالی است و بمسائل فلسفي و

گشته است متاسفانه در متون کتب مختلفه امري که بمعرفي اثار مبارکه پرداخته از قبيل کتاب حضرت باب و عهد اعلي مطالبي در شرح اين رساله ملاحظه نشد در کتاب حضرت باب و مجله پيام بهائي شماره ۱۷۷ نام اين اثر ذکر شده فقط دکتر محمد افنان در خوشه هائي از خرمن ادب و هنر شماره ۶ انرا بنحو اختصار معرفي نموده اند که ذیلا انرا نقل مي کنيم .

حضرت نقطه اين توقييع را در جواب شخصي که او را با عنوان احد من الطلاب) معرفي نموده صادر فرموده اند . در بعضي متون مخاطب به نام سيد احمد اصفهائي ذکر شده که هويت او محتاج تحقيق است ( فهرست لجنه محفظه اثار ) از نمونه استفهامات يعني ايات سنوالي قران به دو مورد اشاره فرموده اند . نخست ايه ( ما تلك بيمينك يا موسي ) ( سوره طه ) ايه ۱۷۰ ) و ديگر ( الست بربكم ) ( اعراف ايه ۱۷۲ ) و مورد نخستين را در مراتب مختلف بيان . معاني . ابواب . اما مت . ارکان - نقباء و نجباء که سلسله طوليه عالم وجود

است تفسیر و توضیح فرموده اند این اثر از آثار  
عرفانی و مراتب ظهور را حاکی و متضمن است .  
ابتدای آن با خطبه غرایی آغاز می شود ( بسم الله ا  
لرحمن الرحیم الحمد لله الذی ابدع جوهریات ذوات  
اهل الانشاء لا من شئی بامرہ لیعرفه کل من فی  
ملکوت الارض و السموات بما تجلی لهم بهم) و با  
این ایه خاتمه می یابد ( وما اسئل الله العفو فی کل  
شان فانه هو الولی فی المبدء و الایات و سبحان الله  
رب العرش عما یصفون و سلام علی المرسلین و  
الحمد لله رب العالمین ) . مجموع آن ۶ صفحه ۱۶  
سطری و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است . این اثر  
مبارک در کتاب شماره ۵۳ مجموعه محفظه آثار  
صفحه ۴۰۸ مندرج است .

## ۵۴- منظور از صحیفه باقریه تفسیر بسم الله

است

این تفسیر مبارك که به نام صحیفه باقریه نیز معروف است از آثار نازله در شیراز می باشد و توضیحی است بر حروف جمله بسم الله الرحمن الرحیم . و دارای ۱۴ باب و حجمی در حدود ۵۰ صفحه دارد . محتوای این تفسیر تطبیق ظهور حضرتش و ایمان مؤمنین اولیه با حروف عبارت آیه مزبور می باشد.

دکتر محمد حسینی در کتاب حضرت باب در معرفی این تفسیر شریف چنین می نویسد:

حضرت باب در این تفسیر مقدس ضمن توضیحات مفصله ای که فهم آن صرفاً برای مؤمنین از سابقین اولین میسر بوده است به ظهور مبارك حضرتشان اشاره فرموده و خود را مصداق حرف با از عبارت بسمله شمرده اند . سپس با توضیح حدیث قدسی کنت کنزاً مخفياً خود را مظهر و مصداق کنز مخفی فرموده و عالم خلقت را به اول من آمن تفسیر نموده اند . با اشاره به مقام حضرت امام حسین و عظمت

شهادت آن حضرت اول من امن را صاحب این اسم  
عظیم و مظهر حرف سین و رجعت حقیقت محمدیه  
فرموده اند . پس از ذکر حضرت حسین می فرمایند: “  
و هو اول من امن بالنقطه قبل الحروف ” . و پس از  
توضیح حدیث کنت کنز قول مبارك رسول اکرم را  
نقل می فرمایند که در ارتباط با حدیث مذکور فرمود:  
“ انا اول من اجاب في الذر ” .

موضوع رجعت محمدی جناب باب الباب حدود دو  
سال بعد از جمله در کتاب بیان فارسی بتصریح بیان  
گشته است ( باب دوم از واحد نخست ) . پس از  
توضیح حرف با و حرف سین حرف میم را “ حقیقه  
العلویه ” فرموده اند. با توجه به محتوای بیان فارسی  
( باب سوم از واحد نخست ) مراد از حرف میم جناب  
ملا علی بسطامی حرف ثانی مؤمن به حضرت باب  
است.

دیگر بخشهای تفسیر مبارك نیز بهمین شیوه حروف  
عبارت “ بسم الله الرحمن الرحيم ” را با دیگر اولیا  
الهی در این عصر تطبیق می نماید.

روش تفسیر حروف در چهار زتبه بیان - معانی -  
ابواب و امامت است و از حرف ب مقصود خود  
هیکل مبارک است . حرف سین ملا حسین بشروئی و  
حرف میم ملا علی بسطامی منظور است. که با توجه  
به آثار مبارکه نازل در بیان مستفاد می گردد.

این تفسیر با این آیه شروع می شود (بسم الله الرحمن  
الرحیم الحمد لله الذی جعل طراز المشیه جلال ازلیه  
الذی علت و رفعت بعد ما اخترعت قبل ما بدعت ...  
) و خاتمه آن با این آیه است ( الذی نطقت فی حق  
منشئها بطراز الابداع کلها لا اله الا انت . سبحانک انی  
کنت من الظالمین و الحمد لله رب العالمین )

حدیثی از حضرت علی ع نقل شده که فرموده است  
( کلها فی العالم فی القرآن و کلها فی القرآن فی الحمد  
و کلها فی الحمد فی البسمله و کلها فی البسمله فی الباء  
و کلها فی الباء فی نقطه و انا النقطه تحت الباء )  
که مضمون فارسی آن چنین است:

هر چه در عالم است در قرآن است و هر چه در قرآن  
است در سوره حمد است و هر چه در سوره حمد  
است در بسم الله است و هر چه در بسم الله است در با

است و هر چه در با است در نقطه است و من نقطه  
زیر با هستم

حضرت اعلي در این تفسیر در یاهای هفت گانه  
مذکور در سوره لقمان قران کریم را مراتب سبعة  
مذکور در احادیث اسلامي دانسته اند که عبارتست از  
قضا قدر - اراده - مشیت - کتاب - اجل و اذن

این حدیث مستند مورد قبول و اعتماد جمیع علما و  
فقها می باشد زیرا محمد بن یعقوب کلینی که مورد  
ثقه و اعتماد عموم علما است . آنرا در کتاب اصول  
کافی نقل نموده

و فضلا و فلاسفه ای مانند ملا صدرا و ملا محسن  
فیض کاشانی که بر اصول کافی شرح و تفسیر  
نوشته اند صحت آنرا تائید نموده اند و از همه مهمتر  
دلایلی بر اصالت این حدیث آنکه حضرت اعلي به آن  
استناد فرموده و آنرا در آثار مبارکه نقل نموده اند.

## ۵۵- منظور از تفسیر حدیث کمیل تفسیر ما الحقیقه است .

تفسیر ما الحقیقه که به تفسیر حدیث کمیل نیز معروف است از آثار نازله در شیراز است و تاریخ نزول آن حدود سالهای ۱۲۶۱ یا ۱۲۶۲ هجری قمری و قبل از حرکت حضرتشان از شیراز باصفهان می باشد . متأسفانه از مخاطب آن اطلاعی در دست نیست این تفسیر در حدود ۶ صفحه ۱۶ سطری است و نسخه های معدودی از آن موجود است و در مجموعه محفظه آثار شماره ۶۷ نیز درج شده است

کمیل بن زیاد نخعی که این حدیث از او نقل شده است یکی از اصحاب و یاران و یاوران حضرت امیر المومنین علی علیه السلام بود که متأسفانه از شرح حالش اطلاع چندانی در دست نیست همینقدر میدانیم که شخصی امین و مورد اعتماد حضرت علی بوده تا جائیکه او را به حکومت یکی از بلاد نیز منصوب نمودند از او احادیثی معدود نقل شده و همان تعداد قلیل نیز مورد اطمینان فرقه های مختلفه اسلامی



می باشد و برای شخصیت والای او احترام قائلند تا جائیکه او را در ردیف سلمان فارسی و اویس قرنی و با یزید بسطامی میدانند .

دعای معروف کمیل نیز که در لیالی جمعه در مساجد بر پا می شود توسط حضرت علی بایشان تعلیم داده و قرائت آن ثواب بسیار دارد و در آثار مبارکه نیز بعضی از فقرات آن ذکر شده و یا تفسیر گشته است . در معرفی این تفسیر جناب ابو القاسم افغان در کتاب عهد اعلی می نویسد

تفسیر حدیث کمیل یا تفسیر حدیث ما الحقیقه حدیثی است از امیرالمومنین علی بن ابیطالب در جواب کمیل ابن زیاد نخعی در باره توحید که حضرت باب آن را تفسیر فرموده اند .

در کتاب خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶ در این باره مینویسد . این حدیث به نام حدیث الحقیقه نیز معروف است مفهوم کلی آن بیان و توضیح مراتب و مدارج دریافت حق و حقیقت است و حضرت نقطه در این تفسیر آن را به مراتب شناسائی کمیل از نفس حضرت علی امیر مومنان تاویل نموده اند و

ناتوانی او را از این مقصد تصریح فرموده اند ) با توجه به مطلب فوق می توان دریافت که مقصود حضرتش تصور عام از شناسائی مظاهر حق است . در آثار دیگر حضرت نقطه نیز به این حدیث اشاره شده و مخصوصا در دلائل سبعة مراتب مختلفه ان را با پنج سنه اول ظهور خود تطبیق فرموده و در تاویل ان به شهادت و حود مبارك اشاره فرموده اند

ابتدای ان تفسیر حدیث کمیل فی سنوال ما الحقیقه و هو ان کمیل بن زیاد النخعی اردقه علی علیه السلام یوما علی ناقته . فاعلم ان کلامه علیه السلام محیط لکل شیئ و جار فی کل العوالم . ( شروع و انتهای ان ) فا عرف قدرک و اکتماها الا عن اهلها فاننا لله و انا الیه راجعون ) . خاتمه می پذیرد

حجم ان متجاوز از ۶ صفحه ۱۶ سطری و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است

این حدیث شریف توسط بسیاری از علما و فقها مورد تفسیر قرار گرفته و شروحي بر ان مرقوم داشته اند از جمله مشهورترین انان همام شیرازی (با همام تبریزی اشتباه نشود ) که در قرن دهم می زیسته و عارف

مشهور عز الدين محمود كاشي و همچنين مقيم كاشاني  
شاعر متاخر و تفسير شاه نعمت الله ولي عارف  
مشهور و معروف كه باني و سر سلسله فقراي شاه  
نعمت الهي است و قبرش در ماهان كرمان زياتگاه  
اهل دل است و ديکري شاعري محمدتقي نام ملقب به  
مظفر عيشاه معرفي و در شرح اين حديث مي گوید  
مرتضي ان پادشاه پاك ذيل

ريخته فيض حقيقت بر كميل

گفت با او ان كميل پاك دين

ما الحقيقه يا امير المومنين

خوش از اين ذره به جانم راه كن

از حقيقت خویش مرا آگاه كن

همچنين عرفائي چون ملا هادي شيرازي و كمال  
الدين عبد الرزاق كاشاني و سيد حيدر املي و شيخ  
احمد احسائي و چند نفر ديگر كه نامشان در ضمن  
معرفي اين اثر در سفينه عرفان جلد ۶ آمده است  
شروحي بر اين حديث نوشته اند.

اين حديث گذشته از آنكه توسط حضرت رب اعلي  
شرح و تفسير شده توسط يکي از احبائي الهي كه خود

را ذوالفقار بن میرزای خمسی معرفی می نماید در سنه ۱۳۳۱ هجری قمری بنا بخواهش برخی از ابناء نیز تفسیری بر آن نگاشته که در کتابخانه امری تبریز دیده شده است و نسبتاً مفصل و حدود سی صفحه می باشد .

در شان نزول این حدیث روایات بسیار و متفاوت ذکر شده که از همه مشهورتر آنستکه روزی حضرت علی کمیل را بر پشت سر خود بر شتر سوار نموده کمیل از حضرتش سؤال کرد یا علی حقیقت چیست حضرت علی فرمود ترا با حقیقت چه کار است کمیل گفت مگر من از راز داران تو نیستم و خلاصه با اصرار زیاد ایشان حضرت علی ضمن جملاتی مقطع و کوتاه ولی پر مغز و پر معنا حقیقت را تعریف می نماید کمیل مجدد میپرسد زدنی بیانا که ترجمه شده زیاد ه گردان بیان را ولی اگر بخواهیم به زبان ساده تر بیان کنیم ترجمه جمله کمیل آنستکه بیشتر بگو و یا باز هم بگو .

حضرت علی علیه السلام در جواب کمیل حقیقت را پنج وجه تعریف می فرمایند و حضرت اعلی در

تفسیر آن میفرمایند که حقیقت واحد است ولی تعریف آن بصورمختلفه انجام شده تا بهترتفہیم گردد و جوابہای حضرت علی بہ ہمین سبب است نہ اینکہ حقایق متفاوت باشند و در ابتدای اثر میفرمایند کہ کلام حضرت علی محیط بر کل شئی است . در اواخر این تفسیر شریف میفرمایند حقیقت شناخت مظهر ظهور است در ہر دوری و پای بند بودن بہ عہد و میثاق است در این حدیث شریف در تعریف حقیقت دو جملہ میفرمایند کہ نزد اہل بہا مشہور و معروف بودہ و ہر کدام تداعی موضوعی است

اول آنکہ میفرمایند حقیقت نوری است کہ از صبح ازل ساطع می شود بر ہیاکل واحد کہ منظور از شمس ازل حضرت محمد و صبح ازل حضرت علی است کہ جانشین و وصی و ولی بر حق آن حضرت بودہ .

دوم اینکہ میفرمایند حقیقت محو الموهوم و صحو المعلوم است کہ جریان مسافرت حضرت بہاء اللہ را بہ امل و اینکہ یکی از علما نوشتہ ای کہ احتمالاً تفسیر ہمین حدیث باشد را نزد یکی از مومنان می بیند

و لب به استهزا مي گشايد كه ميزان سواد سيد باب معلوم شد كسي كه سهورا با صاد بنويسد ببسواد و نادان است كه حضرت بهاء الله اشتباه اورا بر طرف نموده ميفرمايند اين كلام حضرت اميرالمومنين در جواب كميل بن زياد نخعي است و شما سهو نموديد كه شرح انرا در تاريخ خوانده ايم .

حضرت اعلي اين حديث را بمراتب ظهور خويش در شش سنه تاويل فرموده و هر يك از معاني پنج كانه حقيقت را در حديث به يك سنه از سنوات ظهور خويش تفسير نموده اند و ميفرمايند ( يقين نمائي كه ظهور موعود منتظر همان ظهور حقيقت مسئول عنه هست كه در حديث كميل ديده اي در سنه اول كشف سبحات جلال من غير اشاره مبين و در سنه ثاني محو الموهوم و صحو المعلوم و در ثالث هتك السر لغلبه السر و در رابع جذب الاحديه لصقه ا لتوحيد و در خامس نور اشراق من صبح ازل يلوح علي هياكل ا لتوحيد بيني و نور مشرق از صبح ازل را خواهي ديد اگر تو خود هارب نگردي .

جناب دکتر محمد حسینی در کتاب حضرت باب و  
دکتر ربانی در پیام بهائی نکری از این اثر  
نفرموده اند برای اطلاع بیشتر به مقاله جالب و  
مفصل و مستدل فرید الدین راد مهر در مجله سفینه  
عرفان جلد ۶ صفحه ۱۲۳ مراجعه شود .

۵۶- منظور از تفسیر حدیث الحقیقه تفسیر ما

الحقیقه است .

به صفحه (۴۲) همین کتاب مراجعه شود .



## ۵۷- منظور از تفسیر انا انزلناه تفسیر القدر

است .

این تفسیر که به تفسیر ليله القدر و انا انزلنا نیز معروف است در تفسیر سوره القدر که سوره نود و هفتم قرآنی و دارای ۵ آیه است نازل شده .

اصل سوره القدر چنین است : ( بسم الله الرحمن الرحيم . انا انزلناه في ليله القدر و ما ادريك ما ليله القدر . ليله القدر خير من الف شهر تنزل الملائكه و الروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتي مطلع الفجر )

در کتاب نفیس خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶ ص ۱۰۰ در معرفی این تفسیر می نویسد: این تفسیر نازل در جبال آذربایجان و در جواب تقاضای یکی از اهل ایمان است و چنین آغاز می شود

“ بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ابدع ما في السموات و الارض بامرہ ثم الذين آمنوا بالله و آياته فاولئك هم الي الله يحشرون

و با این آیه به پایان می‌رسد: “ و کفی بفضله علمه  
بذنبی و اعترافی بعصیانی و انه لهو الحي الغني القديم  
و سبحان الله ربي عما يصفون و سلام علي المرسلين  
و الحمد لله رب العالمين . ”

حجم آن در حدود ۸ صفحه ۱۶ سطری ، هر سطر  
۱۲ کلمه می‌باشد.

مطالب آن درباره خاندان پیغمبر مخصوصا قائم  
موعود و حضرت صدیقه فاطمه می‌باشد ، چه که  
طبق روایات ، این سوره درباره رؤیای رسول اکرم  
و “ الف شهر ” مذکور در آن مقصود دوره خلافت  
غاصبانه بنی امیه است.

لیله القدر شب ۲۳ رمضان است و بنا بر بیان مبارک  
“ الروح ” اشاره به قائم موعود و “ الملائکه ” ائمه  
معصومین و “ سلام هی حتی مطلع الفجر ” ناظر به  
حضرت فاطمه زهرا می‌باشد.

این تفسیر جزء تفاسیر شرح هاء نیز ذکر شده در  
کتاب حضرت باب در معرفی این تفسیر چنین مرقوم  
شده:

“ این صحیفه مبارکه در پاسخ پرسش جناب وحید دارابی در خصوص معنای سر قدر نازل گشته است. محل نزول شیرازو زمان آن اوقاتی است که حضرت باب درخانه تحت نظر بوده اند. محتوای اصلی صحیفه در توضیح معانی حرف هاء است. لذا کل صحیفه به صحیفه شرح هاء نیز شهرت دارد. در متن صحیفه به جناب وحید با عناوینی چون ذاکر ذکر بدیع، صاحب حسب شامخ رفیع و شرف باذخ منیع، “ الناظر بالمنظر الاعلی ”، “ الساکن فی افق الکبری ” و “ المعارج الی معراج الحقائق ” خطاب گشته است. در چند موضع تصریح است که بیانات مبارکه در پاسخ پرسش کتبی سائل و مخاطب نازل گردیده است. این صحیفه مبارکه با خطبه های ابتدا می گردد. سپس خطاب به سائل می فرمایند چون مکتوب تو با حرف ها آغاز می شود لذا بتفسیر آن حرف می پردازم. ضمن توضیح تفصیلی حرف ها و معادل آن لفظ باب (۵) در مواضع متعدده صحیفه مبارکه از جمله مراد از آن حرف را مقام رسالت و ظهور نقطه اولیه در هر دور می فرمایند. در یک موضع مراد از حرف ها

را " شجره البها " مي فرمايند. اما در باب قدر مي فرمايند كه حكما از بيان حقيقت آن اظهار عجز كرده اند زيرا بدليل عقل تشبث نموده اند . حال آنكه درك سر قدر تنها از طريق حظ فؤادكه وسيله حقيقي عرفان رب العباد است ميسر است. زيرا قدر سري غامض از اسرار الهي است. بهر حال بفرموده مبارك جوهر قدر اراده خير حق بجهت بشر است. لذا آنچه شر از بشر صادر مي شود از خود اوست و بخود او راجع مي گردد.

مي فرمايند حق يفعل ما يشا است و بدا او فضل و احساني است بجهت مومنين. لذا هر گاه اراده نمايد جريرت را از صحائف اعمال مجرمان پاك مي فرمايد و قدر در مقام قضاء بفضل خدا مشمول بدا مي شود .

در چند موضع از صحيفه مباركه جناب وحيد را به تفسير سوره كوثر ( كه در پاسخ تقاضاي خود او نازل شده ) مجددا ارجاع مي فرمايند . به شوون و الحان چهارگانه آثار مباركه ، آيات ، دعوات و مناجات

، خطب و حقائق العلوم اشاره مي فرمايند و در باب  
هر يك تو ضيحي مي فرمايند.

## ۵۸- منظور از حدیث ابا لبید مخزومی تفسیر حروف مقطعه قرآن است .

این تفسیر که از زبان ابا لبید مخزومی یکی از اصحاب امام محمد باقر نقل شده بنام حدیث ابا لبید مخزومی معروف است و در خوشه های از خرمن ادب و هنر نیز بهمین نام معرفی شده است اصولاً معنا و مفهوم و منظور از حروف مقطعه نازلۀ در اوائل بعضی از سوره های قرآن از همان صدر اسلام مورد بحث و گفتگو بوده و تاکنون هم به یک نتیجۀ قطعی نرسیده اند مترجمین قرآن در ترجمه های خود انرا رازی بین خدا و رسولش میدانند .

در کتاب تفسیر نمونه جلد بیستم می نویسد .  
درباره تفسیر حروف مقطعه قرآن سخن بسیار گفته شده و هر یک از مفسران در این زمینه بحثهای فراوانی دارند و به گفته مفسر بزرگ مرحوم طبرسی یازده تفسیر برای حروف مقطعه قرآن شده است  
عقاید متفاوتی درباره حروف مقطعه گفته شده از جمله اینکه حروف مقطعه برای خاموش ساختن کفار و جلب

توجه مردم به محتوای قرآن بوده زیرا مشرکان لجاج مخصوصاً به یکدیگر توصیه کرده بودند هنگامی که پیغمبر قرآن می خواند کسی گوش به آن فرا ندهد و با ایجاد سرو صدا و غوغا نگذارند صدا ی پیغمبر بگوش مردم برسد لذا خداوند در آغاز ۲۹ سوره های قرآن حروف مقطعه را که مطلب نو ظهوری بوده و جلب توجه می کرده است قرار داده است.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان جلد ۱۸ صفحه ۵ مطلب جدیدی ارائه داده که کاملاً با سایر برداشتها از حروف مقطعه متفاوت است و خود آنرا بعنوان يك احتمال و گمان بیان نموده اند و می گوید

هنگامیکه سوره هائی را که با حروف مقطعه آغاز میشود را مورد دقت قرار می دهیم ملاحظه می شود که سوره هائیکه با یکنوع حروف مقطعه آغاز می شود مطالب مشترکی دارند . في المثل سوره هائی که با ( حم ) شروع می شود بلافاصله بعد از آن جمله تنزیل الكتاب یا چیزی ی که بمعنی آن است قرار گرفته و سوره هائی که با ( الر ) شروع می شود بعد از ان تلك آيات الكتاب و یا شبیه آن است . از اینجا

می توان حدس زد که میان حروف مقطعه و محتوای این سوره ها ارتباط خاصی است . و البته این ارتباط ممکن است بسیار عمیق و دقیق باشد و افهام عادی به آن راه نیابد و اگر ایات سوره ها را کنار هم بچینیم و با هم مقایسه کنیم مطالب تازه ای برای ما در این زمینه کشف شود

جناب اشراق خاوری در کتاب قاموس ایقان جلد ۱ صفحه ۵۷۲ شرح مبسوطی از عقاید مختلف علمای تفسیر را مرقوم داشته اند که اطلاعات زیادی در باره این موضوع بخواننده میدهند مراجعه به آن باعث مزید معلومات می گردد

در کتاب تبیان و برهان جلد اول صفحه ۱۳۰ نیز این حدیث را از قول شخص دیگری بنام جابر بن عبد الله بن رباب بنحو دیگری نقل می نماید ولی مضمون و محتوا همان است که منظور از حروف مقطعه مقدار عددی آنها ست و اگر آنها را با هم جمع کنیم از مجموع آن سنه ظهور حضرت اعلی بدست می آید عین عبارت تبیان و برهان چنین است



در تفسیر علامه محدث ابن جریر الطیزی از جابرین  
عبد الله رباب چنین روایت شده است که گفت  
روزی حضرت رسول صل الله ایه اول سوره بقره  
را تلاوت میفرمودد ابو باسربن ا خطب یهودی که  
ایه مزبور را استماع نمود نزد برادر خود حی بن  
اخطب شتافت و جمعی از یهود نزد او یافت . . . .  
حی بن اخطب گفت شاید مجموع اعداد کلمات  
مذکوره دوران شریعت ان حضرت مقرر شده  
باشد . . . . الی اخر

برای اطلاع از این بحث به کتاب تبیان و برهان جلد  
۱ صفحه ۱۰ الی صفحه ۱۳۸ مراجعه فرمایید .

جناب ابو الفضائل در کتاب فراند می نویسد .  
از جمله احادیث داله بر میعاد ظهور حیث مشهورایی  
لبید مخزونی است که مرحوم فیض در تفسیر صافی  
در تفسیر اول سوره بقره و هم مرحوم مجلسی در  
غیبت بحار الانوار روایت فرموده اند که (و من الحدیث  
ما رواه الیاشی عن ابی لبید مخزونی قال قال ابو  
جعفر علیه السلام یا ابا لبید از تلك من ولد العباس  
اثنی عشر . . . .

و بعد از ذکر این مقدمه بیاناتی میفرمایند که ترجمه  
ان چنین است •

یا ابا لبید مرا در حروف مقطعه قران علم بسیاری  
است خداوند تبارک و تعالی نازل فرموده الم ذلك  
الكتاب را پس قیام فرموده محمد حسن پس فرمود و  
تبیان این نکته در حروف مقطعه قران است اگر  
بشماری آنرا بدون تکرار و بیست حرفی از حروف  
مقطعه قران که بگذرد ایامش مگر اینکه قائمی از  
بنی هاشم نزد انقضای آن قیام خواهد نمود یعنی هر  
یک از حروف مقطعه اوائل سور تاریخی است و  
اشارتی است از برای قیام یکی از بنی هاشم در دوره  
اسلام . . . .

و چون بر وفق فرمان حضرت ابي جعفر حروف  
مقطعه اوائل سوره را از الم ذلك الكتاب تا الر  
بشماری ۲۶۷ می شود و این مطابق است با یوم طلوع  
نیر اعظم از فارس و چون هفت سال حضرت محمد  
قبل از هجرت بمدینه امر بعثت خود را مخفی و مکتوم  
میفرمود چون این عدد را از سنین هجرت کسر

فرمائي با سنه ۱۲۶۰ که سنه ظهور نقطه اولي  
است مطابق گردد

در کتاب درس تبليغ جناب سرهنگ عنايت الله سهراب  
در اين باره چنين مي نويسد.

در قران مجيد دو قسم علائم راجع بظهور مبارك نقل  
شده است يك قسم تاريخ ظهور و قسمت ديگر علائمي  
است که با تفسير ائمه هدي عليه السلام توام است  
نسبت بتاريخ ظهور مبارك در سوره سجده مي فرمايند  
يد بر الامر من السماء الي الارض ثم يعرج اليه في  
يوم كان مقداره الف سنه مما تعدون يعني تدبير  
مي شود امر الهي از اسماں بسوي زمين سپس عروج  
مي نمايد به اسماں در روزيکه مقدار ان هزار سال  
است (تعين دوران ديانت اسلام هزارسال است باضافه  
۲۶۰ سال دوران ائمه اطهار که جمعا ۱۲۶۰ سال مي

شود که حضرت اعلي اطهار امر فرمودند.

و علائم ديگر که راجع به تاريخ ظهور است حروف  
مقطعه اوائل سوره هاي قران مجيد است در کتاب  
اصول کافي از ابي لبيد مخزومي روايت شده که  
حضرت امام محمد باقر فرموده هر يك از اين حروف

مقطعه اشاره بقیام یکی از مشاهیر ائمه و زعمای اسلام  
است .

در کتاب خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶  
در باره این تفسیر جنین مینویسد . ماخذ این حدیث  
تفسیر صافی ذیل الم در سوره بقره است  
بنا بر نظر جناب فاضل مازندرانی این تفسیر به  
خواهش جناب وحید اکبر نازل شده و با توفیق الفین  
ارتباط دارد ( اسرار الاثار ذیل الف )

حضرت نقطه در این توفیق حروف مقطعه را بمانند  
حروف منظمه حاوی همان حقایق و دقائق معرفی  
می فرمایند و ذهن مخاطب را از توقیت ( تعیین وقت  
ظهور قائم و همچنین قیامت ) به عظمت ظهور خود  
معطوف می دارند . اگرچه در این اثر حضرت نقطه  
ادعای استقلال را تصریح نفرموده ولی با اشاره به  
اختلاف علماء و مجتهدین به ضرورت ظهور نفسی  
که اختلافات را بردارد تاکید نموده و این رتبه را  
اظهار و ادعا فرموده اند شواهد اخبار و مخصوصا  
اشاره به قول شیخ احمد که ذکر ( ستعلمن نباء بعد  
حین ) نموده همه در تائید این مطلب است

ابتدای آن ( بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل طراز الالواح و با این بیان خاتمه می یابد ) و السلام عليك و علي من اتبعك في امر الله و الحمد لله رب العالمين )

حجم آن بالغ بر ۱۸ صفحه ۱۹ سطری و هر سطر ۱۰-۱۲ کلمه است.

در باره مخاطب این لوح و محل نزول آن در جایی ذکر نشده جز اینکه فاضل مازندرانی در اسرار الآثار می نویسد این تفسیر بخواهش سید یحیی دارابی ملقب به وحید اکبر نازل شده است در سایر منابع از جمله کتاب باب و عهد اعلی و غیره فقط اسم این اثر بدون هیچ گونه معرفی و شرح و بسطی جز آثار مبارکه آمده است .

ناگفته نماند که در باره حروف مقطعه تفسیری نیز از حضرت بهاء الله موجود است که باعزاز میرزا اقا رکاب ساز شیرازی نازل شده است .

ایشان که از مومنین واقعه مسجد وکیل شیراز می باشند و بحکم علمای سوء در مدینه الله شیراز بدرجه رفیع شهادت فائز شدند دو سؤال از محضر مبارک

نمودند یکی در تفسیرایه نور و دیگری از معانی حروف مقطعه که در جواب هر دو سؤال ایشان لوحی نازل شد که بیشتر به تفسیر ایه نور معروف است و در مائده اسمانی جلد ۴ صفحه ۴۹ مذکور است ولی چون حضرت ولی امرالله ان دو را از هم تفکیک نموده و هر کدام را جداگانه مرقوم فرموده اند لذا این لوح بنام تفسیر حروف مقطعه بصورت مستقل ذکر می شود این لوح مبارک در کتاب گنج شایگان صفحه ۲۱ معرفی شده است.

جناب ادیب طاهر زاده در کتاب نفحات ظهور حضرت بهاء الله جلد ۱ می نویسد

لوح دیگری که بیان اهمیت ان چندان سهل نیست لوح ایه نور یا تفسیر حروفات مقطعه است این لوح مبارک بلسان عربی به اعزاز میرزا آقایی رکاب ساز شیرازی که در سبیل امر حضرت بهاء الله بمرتبته شهادت رسیده نازل گردیده است

میرزا آقایی رکاب ساز تفسیر بعضی از آیات قران و تبیین معانی باطنی حروف مقطعه ان سفر کریم را از حضور حضرت بهاء الله رجا کرده بود حروف

مقطعه حروفی هستند که در مطلع تعدادی از سور قرآن نازل شده و سبب تحیر بسیاری از علمای اسلام و محصلین آن کتاب مقدس گردیده است این نکته شایان توجه است که امام پنجم شیعیان یعنی امام محمد باقر قبلاً تفسیری بر حروف مقطعه قرآن نوشته بوده از جمله این امام بیان نموده که زمان ظهور قائم معادل ارزش عددی بعضی از حروف مقطعه قرآن یعنی ۱۲۶۰ هجری (۱۸۴۴ میلادی) میباشد و این سالی است که حضرت باب رسالت خویش را بعنوان موعود منتظر اسلام اعلام فرمودند.

جمال اقدس ابھی در این لوح مبارک مفصل به هر دو سؤال میرزای آقایی رکاب ساز جواب کافی عنایت فرموده اند هیکل اطهر در تشریح اهمیت این حروف مقطعه حقایق تازه ای را آشکار و بعضی از معانی مکنونه آنها را تبیین فرموده اند و این توضیحات باندازه ای عمیق و وسیع است که انسان را در دریای تفکر و اندیشه غوطه ور می کند گر چه حضرت بهاء الله بعضی از اسرار مخزونه در حروفات مقطعه قرآن را تشریح نموده اند با وجود این بیان این حقایق به

کسانی که با آثار اسلامی و لسان عربی آشنائی کافی  
ندارند امکان پذیر نیست (۰)

بطوریکه ملاحظه می شود ایشان این دو لوح را  
یکی دانسته و می نویسند تفسیر ایه نور یا تفسیر  
حروف مقطعه در حالیکه همانطور که ذکر شد  
حضرت ولی امر الله انرا دو لوح دانسته و تحت دو  
عنوان آنها را معرفی نموده اند و تفسیر حروف  
مقطعه لوحی جداي از تفسیر ایه نور می باشد.



## ۵۹- منظوران لوح شعائر سبعه رساله خصائل

السبعه است .

جناب ابوالقاسم افغان در شرح رساله خصائل السبع

مي نويسند :

حضرت باب در روز بعد از ورود شان به بوشهر

چندين لوح مرقوم فرمودند از جمله رساله خصائل

سبعه به اعزاز ميرزا سيد علي خال اعظم و لوحي به

اعزاز ملا صادق مقدس که به توسط جناب قدوس به

شيراز ارسال نمودند در ان لوح ملا صادق مقدس را

مامور فرمودند که در مسجد جوار بيت مبارك بشارت

ظهور حضرت باب را بگوش قريب و بعيد برساند و

در اقامه اذان بعد از اداء شهادتين بگويد (اشهد ان

عليا قبل نبيل باب بقيه الله) و بعد به معرفي و نقل اين

اثر پرداخته چنين ادامه ميدهند .

لوح خصائل سبعه که به لوح شعائر سبعه نیز معروف

است به اعزاز حاجي ميرزا سيد علي خال اعظم نازل

و در ضمن مکتوبي به خط ملا عبدالکریم قزويني

نوشته شده است

( بسم الله العلي العظيم تعالي ذكره الكريم )  
الامر اول من الشعائر السبعه هو حمل الدائره المنيعه  
المباركه  
و الثاني منها ترك الغليان فانه عمل الخان و نفخ  
الشیطان  
والثالث منها شرب ورق الصین المحبوب عند اهل  
اليقين  
والرابع ذكر اركان المستسرفي الاذان بعد شهاده الولاية  
لخلفاء الرحمن  
والخامس منها المسجده علي التريه الحسينيه علي  
صاحبها الاف الثناء والتحيته بالاتف والجبين والسادس  
قرائه الزياره الجامعه التي انشاها صلي الله عليه بلفظ  
المبارك في كل جمعه و عيد و كل يوم متبرك و ليل  
سعيد  
والسابع منها التختم بخاتم العقيق الابيض المنقوش عليه  
لا اله الا الله محمد رسول الله ص ع علي ولي الله ص  
٢٧٣ تمت و السلام علي من عمل بهذا الامور و يمشي  
بالنور في الليل الاليل الديجور •  
مضمون فارسي •

بنام خداییکه بزرگ و عظیم است و ذکر او عالی و  
کریم است

حکم اول از شعائر هفتگانه حمل دعای حفظ است  
( دعای مخصوصی که حضرت باب نازل فرموده و  
بصورت دایره آن را مرقوم نموده اند )  
حکم دوم ترك استعمال غلیان است که آن را بعنوان  
نفخ الشیطان ذکر کرده اند

حکم سوم نوشیدن ورقه الصین ( چای چین ) است  
حکم چهارم ذکر عبارت ( اشهد ان علیا قبل نبیل باب  
بقیه الله در اذان است

حکم پنجم سجده بر مهر تربت امام حسین علیه السلام  
است

حکم ششم قرائت ( زیارت جامعه ) در روز جمعه و  
لیالی و ایام متبرکه

حکم هفتم پوشیدن انگشتر با نگین عقیق سفید که  
عبارت لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله  
۲۷۳ بر آن نقش شده باشد

جناب اشراق خاوری در کتاب محاضرات جلد ۲  
صفحه ۷۸۵ خصائل سبعة را چنین می نگارد .

۱- تلاوت زیارت جامعه بدیعه با عطر و گلاب و روحانیت و توجه کامل

۲- ادای سجده در نماز بر تربت مقدس حضرت سید الشهدا بطوریکه بینی نماز گذار بر روی تربت قرار گیرد

۳- اضافه کردن جمله اشهد ان علیا قبل نبیل باب بقیه الله در اذان

۴- اویختن هیکل جنه الا سمای بر سینه

۵- انگشتری عقیق بانگشت کردن که جمله لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و عدد ۲۷۳ بر آن نقش باشد که اشاره به جمله علی محمد باب الله می باشد زیرا جمع اعداد مزبور عدد ۲۷۳ می باشد

۶- نوشیدن چای در کمال لطافت و نظافت

۷- پرهیز کردن از شرب دخان

و در قاموس ایقان جلد ۱ نیز می فرمایند شعائره و خصائل سبعه در لوحی که بافتخار اصحاب شیراز از جمله مقدس خراسانی نازل شده مندرج است

جناب محمد علی فیضی در کتاب نقطه اولی صفحه ۱۵۳ می نویسد هفت شعائر مزبور عبارت است از

۱- تلاوت زیارت جامعه کبیره در ایام جمعه و در اعیاد و لیالی متبرکه با غسل و تطهیر بدن و لباس با نهایت توجه و روحانیت

۲- بجا آوردن سجده نماز بر تربیت حضرت امام

حسین بنوعی که بینی مصلی نیز بران قرار گیرد

۳- افزودن جمله اشهد ان علیا قبل محمد عبد بقیه الله

بر اذان که مقصود از علیا قبل محمد حضرت باب

و مقصود از بقیه الله اشاره بحضرت بهاء الله است

۴- هر يك از اصحاب هیكلی بخط ان حضرت که

بنام جنه الاسما نامیده میشود و محتوی بر اسماء الله و

رمزي هائي دیگر از اسماء الهی است بر گردن

محاذی سینه بیاویزند

۵- هر يك از اصحاب انگشتری عقیق سفید بر انگشت

داشته باشند که این جمله بران منقوش باشد لاله الا

الله محمد رسول الله علي ولي الله ۲۷۳ که منظور از

این عدد رمزي از اسم مبارك علي محمد باب الله بوده

است

۶- شرب چای در منتهای درجه لطافت و نظافت

۷- احتراز از کشیدن دخان مانند قلیان و غیره

فاضل ارجمند و محقق دانشمند جناب دکتر محمد حسینی در کتاب نفیس باب می نویسد ( حضرت باب همچنین نسخه ای از توقیع خصائل سابعه را که حاوی شعائر ضروریه امر جدید بود به جناب قدوس سپردند تا به شیراز ببرد .

جناب قدوس توقیع خصائل سابعه را به جناب مقدس داده و در باب اجرائ حدود مندرج در آن سفارش کافی نموده است

حضرت باب در توقیع مذکور امر فرمود بودند که بر اذان عبارت زیرافزوده شود ( اشهد ان علیا قبل محمد باب بقیه الله ) جناب مقدس يك روز پس از انجام مراسم نمازجماعت درمسجد نوعبارات مذکوره را بر اذان افزود جماعت حاضر در مسجد ناگهان بهیجان آمدند و برجناب مقدس شوریدند و شکایت به حکومت بردند بدستور حسین خان حاکم فارس جناب مقدس را باز داشت نمودند و لباس از تن در آوردند و بر بدن وی هزار تازیانه زدند اینکه برخی نوشته اند جناب ملا علی اکبر اردستانی برای نخستین بار بر مناره مسجد نو رفته و عبارات مذکوره را بر اذان افزود

مبنائی ندارد زیرا علاوه بر تاریخ نبیل زرندي (مطالع الانوار صفحات ۳۱-۱۳۰) اثر مبارك حضرت ولي امرالله (گاد پاسنز باي) (صفحات ۱۱-۱۰) تصريح دارد که اقامه اذان بنحو مزبور وسیله جناب مقدس انجام گردیده است از قرائن بر مي آید که جناب مقدس در مسجد جنب بيت مبارك نیز اقامه اذان بنحو جديد کرده باشد زیرا حضرت باب در توقيح نامبرده انجام این امر را از وي خواسته اند اصولاً جناب مقدس در مسجد مذکور که به مسجد خضر و یا مسجد کوچه شمشیر گرها مشهور بوده مدتی بساط امامت و تدریس دائر داشته است .

جناب فاضل مازندراني درمجلد سوم ظهور الحق در خصوص اجراء اذان بنحو جديد وبوسیله جناب مقدس مي نويسد) - ۰۰۰۰۰ و چون حضرت بسفر حج بود در مسجد ذوالفقار بامامت و تدریس مشغول کرديد و جمعی کثیربدو اقتداءواستفاضه کردند و جندين طریق گذاشت تا توقيعی از حضرت رسیده امر شد در اذان نماز فصلي جديد که شهادت بظهورحضرت است بیفزایند لذا بساط امامت و تدریس به مسجدي که در

جنب دار مسکونه حضرت است انتقال داده دستور را بموقع اجراء نهاد و کتاب تفسیر احسن القصص را بر جمع خوانده تبیین نمود و این امور موجب هیجان ملاها و شورش عوام گردید و منتهی باین شد که وی را بدارالحکومه بردند و ققها ء حکم بخروج ازجاده اسلام دادند و اورا عریان نمودند تازیانه بسیار زدند) صفحه (۱۴۸) اگرانوشته جناب فاضل مستفاد شود که حادثه تازیانه خوردن جناب مقدس پس از اقامه اذان بنوع جدید در مسجد جنب بیت مبارک بوده این مطلب با تاریخ نبیل زرندی مغایرت دارد بهر حال پس از اقامه اذان در مسجد نو بلايای شدید بر جناب مقدس بارید علمائی که در صف اول جماعت بودند آغاز فغان نمودند و فریاد بر آوردند که ای مردم بگیریید این شخص کافر را که دشمن خدا و دین است و در ائین الهی بدعت نهاده است اضطراب و هیجان از مسجد فراتر رفت و اندک اندک تمام شهر شیراز را فرا گرفت چون امور پریشان و اسایش مسلوب گشت و دشمنان شکایت به حکومت بردند حسین خان حاکم فارس سبب پرسید و ماموران گزارش نمودند که سید باب اخیرا



از سفر حج به بوشهر مراجعت کرده و بدستور وي ملا صادق مقدس باقامه اذان بنحو جديد مبادرت نموده و برخي از داعيان باب نيز با افكار و اعمال وي همراهي و همكاري کرده و در نتيجه مردم شهر را به هيجان و خشم آورده اند حسين خان كه اصولاً مرد ي فاسد شريير دائم الخمر و خشن و ظاهراً محب علما بود در ان ايام به صاحب اختيار فارس شهرت داشت دستورداد جناب مقدس و همراهان و همكارانش را باز داشت نموده به دارالحكومه اورند و بشرحي كه از پيش امد برتن عريان وي هزار تازيانه زنند همراهان جناب مقدس در اين باز داشت جناب قدوس و جناب ملاعلي اكبر اردستاني بوده اند . جناب سمندر در تاريخ خود از اهميت و اثرات اين رساله مرقوم داشته و مي نويسد ( پس از چندي از حضرت اعلي توقيعي بافتخار مقدس نازل كه قواي عالم از هيبتش متزلزل و از او امر مبارك انكه حضرت ايشان از مسجد ذوالفقار به مسجد شمشير گر ها تشريف بردند و در انجا اسم مبارك را در اذان برده نماز بگزارند ايات احسن القصص را در منبر درس گذارند .

جناب دكتور رباني در مجله پيام بهائي شماره ۱۷۷

در معرفي اين رساله مي نويسند

اين توقيح امنع اكرم كه در بيان شعائر يا خصائل

هفت گانه است در بندر بوشهر بعد از مراجعت از

سفر مكه به اعزاز خال اعظم نازل گرديده كه به

اجراء هفت موضوع براي اهل اهل بيان مطرز است

۱- تلاوت زيارت جامعه در روز هاي جمعه و اعياد

۲- سجده بر تربت حسينييه

۳- افزودن اشهد ان عليا قبل نبيل به اذان

۴- بابي ها چننه الاسماء را به سینه بياويزند

۵- انگشتر عقيق سفيد كه روي ان نوشته است ( لا

اله الا الله محمد رسول الله عليا ولي الله ۲۷۳ و اين

رقم ( علي محمد باب الله است )

۶- نوشيدن چاي

۷- احتراز از شرب دخان

نيز حضرت نقطه اولي جل ذكره الاحلي لوح ديکري

به اعزاز ملا صادق مقدس نازل فرمودند تا عبارت

( اشهد ان عليا قبل محمد عبد بقيه الله را به اذان

بيفزايد جناب قدوس حامل اين لوح مقدس بود كه ان

را در شیراز به ملا صادق داد طبق فرمان مبارک  
نقطه اولی جل جلاله در شیراز بر روی منبر علنا و  
اشکارا امر مبارک را به عموم مردم ابلاغ فرمود و  
جناب ملا علی اکبر اردستانی در بالای گلدسته مسجد  
اذان را با اضافه کردن جمله فوق الذکر ادا نموده به  
انجام رسانید از وقایع غیر منتظره ضوضاء و غوغائی  
برپا شد که بالمال به گرفتاری و تعذیب جنابان قدوس  
و ملا صادق مقدس و ملا علی اکبر منجر گردید و شرح  
ظلم های دلخراش که بر این وجودات مکرمه مقدسه  
وارد آوردند در کتب تاریخ ثبت و ضبط گردیده است  
در کتاب خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶  
در صفحات ۱۶۵ و ۱۷۵ و ۱۸۲ اشاره ای گذرا به  
این رساله نموده و تقریبا مطالب همان مطالب سایر  
منابع می باشد که مذکور گردید.

جناب دکتر محمد حسینی نیز در صفحه ۷۶۵ کتاب  
حضرت باب موارد هفت گانه توفیق خصائل السبع را  
که نقل فرموده اند همان مراتبی است که جناب ا  
بوالقاسم افغان در عهد اعلی ذکر فرموده اند و جناب  
اشراق خاوری در محاضرات جلد ۲ مراتب سبعة را

با جزئی تفاوت در عبارت و تقدم و تاخر مراتب ذکر  
مینمایند جناب محمد علی فیضی نیز در کتاب نقطه  
اولی تقریباً همان مراتب را بدون رعایت سلسله  
مراتب نزول نقل نموده جز اینکه در افزودن جمله  
اشهد ان علیا ... جناب اشراق خاوری می نویسد  
قبل نبیل باب بقیه الله ولی ایشان می نویسند قبل محمد  
عبد بقیه الله با ملاحظه مطالب فوق روشن میشود که  
اختلاف در نقل قول اشهد ان علیا قبل نبیل و علیا قبل  
محمد عبد بقیه الله مربوط به دو توفیق جداگانه است  
که اولی در خصائل السبع و دومی در توفیقی که به  
اعزاز ملا صادق مقدس خراسانی نازل شده می  
باشد .

## ۶۰- منظور از صحیفه موسویه رساله بین الحرمین است .

رساله بین الحرمین که بسال ۱۲۶۱ در مراجعت از سفر حج بین مکه و مدینه خطاب به میرزا محمد حسین کرمانی معروف به محیط کرمانی نازل گشته و وجه تسمیه آن به رساله بین الحرمین اینستکه بین دو حرم بیت الله الحرام و حرم حضرت رسول نازل شده میرزا محیط هفت سؤال از محضر مبارک نموده و هیکل مبارک در هفت باب بسئالات مربوطه جواب فرموده اند که از فحوائی جواب تقریباً نحوه و نوع سؤال واضح می گردد که سؤال اول در باره حجت آیات سؤال دوم در باره طلسمات سؤال سوم در باره اینکه آیا می توان از طریق نجوم دعا کرد . جواب سؤال چهارم را احاله به نسخه ای که قبلاً در مکه برایش ارسال داشته اند می فرمایند . در نتیجه ماهیت سؤال چهارم روشن نیست . سؤال پنجم در باره سلوک و دعوات می باشد . سؤال ششم در خواست ادعیه است و سؤال هفتم و آخر میرزا محیط در باره علم دخول

به حرم حضرت امام حسین ع است. حجم این صحیفه مبارکه حدود ۷۵ صفحه است.

صحیفه بین الحرمین تا کنون طبع و نشر نشده و نسخه های خطی آن در کتابخانه های مهم دنیا از جمله کتابخانه دانشگاه لایدن در هلند و ارض اقدس می باشد جناب وحید بهمردی مقاله مفصل و جالبی در باره معرفی این صحیفه نوشته اند که بسیار خواندنی است و اطلاعات زیادی به ما می دهد این مقاله جالب در کتاب سفینه عرفان جلد ۱ ص ۱۸ درج گشته که ما خلاصه ای از آنرا برای مزید اطلاع دوستان نقل می کنیم: " چنانچه در تاریخ نبیل زرندی آمده روزی در اثنا اجرای مراسم حج که حضرت رب اعلی از حجرالاسود چندان فاصله نداشتند با میرزا محیط کرمانی روبرو شدند. آنحضرت دست او را گرفته به او فرمودند که او خود را یکی از بزرگان شیخیه و مروجان عقائد آن می شمارد و در ضمیر خود را جانشین شیخ احمد و سید کاظم می داند. حال هر دو در بقعه مقدسی قرار دارند و صاحب آن بیت بدون شك بین حق و باطل تفصیل خواهد نمود آنگاه حضرت

رب اعلي به او اعلان فرمودند که در این روز ، چه در شرق و چه در غرب عالم احدي نیست جز ایشان . که باب معرفه الله باشد و دلیل ایشان همان است که دین اسلام بر آن قائم و برپاست یعنی کتاب الله و کلام او از میرزا محیط خواستند هر سئوالی را که بخواهد می تواند بپرسد و في الحين به آیاتی که حجت و دلیل کافی و وافی باشد جواب او را نازل خواهند فرمود . و نیز به او فرمودند که دو راه دارد ، یا قبول و یا انکار اگر منکر شد دست او را ترك نخواهند کرد مگر اینکه علي رؤس الاشهاد انکار خود را اعلان کند تا سبیل حق از سبیل باطل معلوم و متمایز گردد . میرزا محیط در منتهای فروتنی و پریشانی عرض نمود که از زمانیکه در کربلا به حضور مبارك شرفیاب شده بود دانست که به مقصود خود رسیده است و التماس نمود . ملاحظه ضعف واضطراب او را بنمایند . سپس در همانجا برحقانیت حضرت رب اعلي شهادت داد و اذعان نمود . حضرت رب اعلي حضرت قدوس را شاهد گرفتند و به میرزا محیط فرمودند هر سئوالی را که دارد بپرسد تا جواب آن به حول الله نازل گردد

آنگاه میرزا محیط از حضور مبارك مرخص شد از قرائن معلوم می شود میرزا محیط قضیه را با یکی از همراهان خود به نام سید علی کرمانی که شیخی نیز بود در میان گذاشته و هر دو هفت سؤال آماده کرده به حضور مبارك تقدیم نمودند و احتمال می رود که آن سئوالات را فرستاده و شخصا تقدیم حضور نکرده باشند . بی درنگ میرزا محیط کرمانی راهی مدینه شد و پیش از اینکه حضرت رب اعلی به مدینه رسول برسند او رهسپار کربلا شد .

در آن هنگام حضرت رب اعلی بسوی مدینه تشریف بردند و در بین راه نرسیده به مدینه ، صحیفه ای در جواب ۷ سؤال میرزا محیط و سیدعلی نازل فرمودند و خود آن حضرت بمناسبت نزول آن در میان دو حرم - بیت الله الحرام و حرم رسول - آنرا صحیفه بین الحرمین نامیدند .

تاریخ دقیق نزول، از خود متن چنین معلوم می شود که در ساعت اول پس از غروب لیلۀ اول محرم سال ۱۲۶۱ ه.ق ، یعنی در ساعت اول آن سال بوده ، زیرا در خطبه ای که در اوائل صحیفه نازل شده می



فر مايند : “ و اشهد في هذه الليله اول ليله من الشهر الحرام شهر الله ... و اول ساعه من السنه الجديده سنه احدي و ستين بعد المائتين و الالف من الهجره المقدسه ” چنانچه معروف است حضرت رب اعلي چنين توافيق و صحائف را بدون توقف قلم نازل مي فرمودند در اينجا نا گفته نماند كه ليله نزول صحيفه بين الحرمين موافق با ليله تولد حضرت رب اعلي بوده است.

و مدت نزول تمام صحيفه تقريبا حدود يك ساعت به طول انجاميده است . طرف خطاب در صحيفه اگر چه عموما ميرزا محيط كرمانى است ، ولكن در واقع صحيفه در جواب هفت سئوالى كه ميرزا محيط از سوي خود و سيد علي به حضور مبارك تقديم کرده بود نازل گرديد . كه به احتمال قريب به يقين همان سيد علي كرمانى شىخي است كه علت اينكه نگارنده شخص دوم را سيد علي مي داند اينست كه در بعضي نسخه هاي خطي صحيفه اسم او بتصريح درج شده است مثلا در دو نسخه خطي كه عكس آنها نزد نگارنده است فوق بسمله افتتاح اين عبارت مر قوم

شده : “ هذه الصحيفة البديعة المنشئه بين الحرمين  
جوابا للمسائل الا تي قد سألها المحيط و سيد علي  
كرماني . ” و در يك نسخه صحيفه در آيه دوم اسم سيد  
علي بتصريح در ضمن خود آيه آمده بقوله “ ...  
علي دعاء المسائل الحاج سيد علي الكرماني في سبع  
آيات ... ” و در نسخه خطي صحيفه در دانشگاه  
لايدن هلند كه تاريخ استنساخ آن سال ۱۲۶۳ ه. ق و  
محل استنساخ شيراز است . اسم حاج سيد علي  
كرماني بالاي كلمه سائل در آيه دوم متن به خط ريز  
نوشته شده است در دو نسخه ديگر كه نزد نگارنده  
است اسم سيد علي بعد از كلمه سائل در آيه مذکور  
نيامده است . علاوه بر اين در كتاب الفهرست كه  
ضمن آن حضرت رب اعلي آثاري را كه تا انتهاي  
سفر حج و كمی بعد از آن نازل شده فهرست وار درج  
فرموده اند . ذكرتوقيعي شده كه براي سيد علي  
كرماني نازل فرموده اند . لذا يقين است كه در حج  
سال مذکور شركت داشته است و به دريافت توقيع  
مبارك مفتخر شده و از آنجائيكه او از جمله شيوخهاي  
برازنده كربلا بوده و با ميرزا محيط مخالف نبوده

حتما به اتفاق همدیگر به حج رفته بوده اند و او تنها شخص شیخی است که می تواند در آن موقع شریک میرزا محیط در عرض سئوالات بوده باشد لازم است در اینجا ذکر شود که حضرت رب اعلی در این صحیفه میرزا محیط را عبد من عبادك و سائل جلیل و حبیب و سید علی را سائل مخاطب می فرمایند.

در لوحی که از قلم حضرت بهاء الله در تفسیر آیه ای از تفسیر احسن القصص نازل شده با رمز و کنایه به میرزا محیط و ملا حسن گوهر و حاج محمد کریمخان کرمانی اشاره می فرمایند و درباره میرزا محیط ذکر می نمایند که او معارفی در باره حضرت رب اعلی داشته و به حقانیت امر شیخ احمد و سید کاظم مقرر بوده منتهی می گفته گمان نمی کنم بعد از شیخ و سید قیامت قائم و قیامت حسینی واقع شود در زمانیکه حضرت بهاء الله در بغداد تشریف داشتند و شهرت ایشان به همه محافل و مجالس رسیده بود میرزا محیط می خواست به حضور مبارك مشرف شود ولیکن این شرف نصیب او نگردید. این حادثه را حضرت عبدالبهاء به تفصیل بیان فرموده اند ، چنانچه نقل شده

که در روز پنجشنبه ۱۷ ماه ژوئن سال ۱۹۱۵ م. به  
جمعی از احبا در حيفا فرمودند :

وقتی که جمال مبارك در بغداد بودند میرزا محیط  
مشهور شیخی آمد به بغداد ، یعنی به عنوان زیارت  
کاظمین کیوان میرزائی بود ، پسر رضا قلی میرزا ،  
نوه فرمانفرمای شیراز که پسر فتحعلی شاه بود . این  
کیوان میرزا به حضور مبارك مشرف می شد میرزا  
محیط رفت پیش کیوان میرزا و به او تکلیف کرد که  
برو به حضور مبارك عرض کن که من می خواهم  
به حضور مبارك مشرف شوم لکن بشرط اینکه هیچ  
کس خبر دار نشود، جز تو کسی نداند حتی نفوسی که  
در اطراف مبارك هستند از خدام و غیر خدام و  
منتسبین نباید بدانند . باید فقط تو بدانی و می خواهم  
نصف شب مشرف شوم . پس از کاظمین می آیم به  
بغداد و به خانه تو و نصف شب با تو مشرف میشوم .  
باین شرط کیوان میرزا آمد و حضور مبارك عرض  
کرد که میرزا محیط می خواهد مشرف شود ولکن به  
این شرط . فرمودند به میرزا محیط بگو که من در

سفر کردستان غزلی گفتم ، از جمله ابیات آن غزل  
اینست :

گر خیال جان همی هستت بدل اینجا میا  
ور نثار جان و دل داری بیا و هم بیار  
رسم ره اینست گر وصل بها داری طلب  
ور نباشی مرد این ره دور شو زحمت میار  
کیوان میرزا به او گفت . نیامد ، دور شد ، روز ثانی  
سوار شد یکسر رو به کربلا رفت . روز سوم تب  
وسرسام کرد و شب هفتم مرد میان این جواب و  
مردن میرزا محیط یکهفته طول کشید .

تمام صحیفه تقریباً بالغ بر ۱۱۷۰ بیت می باشد که به  
زبان عربی از مصدر وحی الهی نازل شده است . آن  
اثر مبارک به یک مقدمه در ۲۵ آیه ، و سپس یک خطبه  
، و بعد از آن ۷ باب که شامل آیات و ادعیه است  
تقسیم شده هر یک از ابواب هفتگانه جواب یکی از  
سئوالاتی است که از طرف میرزا محیط و سید علی  
به حضور مبارک تقدیم شده بود .

حضرت رب اعلی در بعضی از آثار بعدی خود ذکر  
صحیفه بین الحرمین را می نمایند ، چنانچه در

صحیفه عدلیه می فرمایند اگر جمیع علما بخواهند که در کتاب عدل و صحیفه حرمین یک حرف لحن و دو حرف بدون ربط پیدا نمایند بر قواعد کتاب الله و قوم هر آینه قادر نخواهند بود. از اینرو تصریح شده است که صحیفه بر قواعد قرآن و نیز قواعد قوم یعنی اعراب نازل گشته. حضرت رب اعلی در ۲۵ آیه اول صحیفه به نزول آن در ارض مقدسه بین الحرمین تصریح می فرمایند و آنرا کتابی که از سوی خداوند علی حمید نازل شده و به دست ذکر در سبع آیات محاکمات به اذن الله تفصیل داده شده توصیف می فرمایند بقوله: ( ان هذا کتاب قد نزل علی الارض المقدسه بین الحرمین من لدن علی حمید، ثم فصلت آیاته عن ید الذکر هذا صراط الله فی السموات و الارض علی دعاء السائل فی سبع آیات محکمات باذن الله علی قسطاس مبین.)

با رجوع به ابواب هفت گانه صحیفه بین الحرمین که شامل جواب سؤالات میرزا محیط و سید علی است به این نتیجه می رسیم که فقط سؤال اول به دلایل ظهور مربوط بوده است و سایر اسئله استفساراتی بوده در

باره مطالب متفرقه مذهبي که ارتباط مستقيم با موضوع ادعای حضرت اعلي ندارد. گو اینکه آن دو شخص می خواستند تبعیث ادعای حضرت رب اعلي و ارتباط آن را با مذهب شیخیه در یابند و غیر از موضوع حجیت آیات که منکر آن بودند مطلبی نداشتند که مطرح کنند. نوع سؤال ها چنین آشکار می کند که دو شخص مذکور در جستجوی حقیقت نبودند، بلکه به احتمال زیاد می خواستند مطالبی را مطرح کنند تا از زیر بار مباحثه در آیند.

آنچه مایه خوشبختی می باشد این است که دو تن اگر چه جویای حقانیت امرالله نبودند، ولیکن وسیله و سببی شدند تا اثر مبارکی نازل شود که در قرون و اعصار لاحق روح بخش اهل عالم خواهد بود.

صحیفه بین الحرمین را صحیفه موسویه نیز نامیده اند. دکتر محمد حسینی در کتاب حضرت باب ص ۷۵۶ این صحیفه را معرفی فرموده اند که در اصول تقریباً با مطالب جناب بهمردی یکسان است در این قسمت بخشی از معرفی ایشان را می نگارد:

حضرت باب در صحیفه رضویه ( خطبه ذکریه )  
ضمن اشاره به آثار نازلہ در فاصلہ سالہای ۱۲۶۲-  
۱۲۶۱ هجری قمری صحیفہ بین الحرمین را صحیفہ  
موسویہ نامیدہ و آن را حاوی چہارده باب و در پاسخ  
دو تن از عباد اللہ و نازل در ارض حرمین فرمودہ اند  
. اینکہ نیکلا ( ترجمہ فارسی تاریخ او ، ص ۴۱۹ )  
نوشته نزول صحیفہ بین الحرمین دو سال طول کشیدہ  
است صحت ندارد و از تاریخ نبیل زرندي ( مطالع  
الانوار ص ۱۲۲ ) روشن می شود کہ حضرت باب  
این صحیفہ مبارکہ را از حجاز برای میرزا محیط بہ  
کربلا فرستادہ اند . ظاہرا صحیفہ مبارکہ حاوی ہفت  
باب است ولکن با احتساب مقدمہ و شش دعا نازل در  
طي ابواب اصلي ( کہ ہر دعا با عبارت بسم اللہ  
الرحمن الرحيم آغاز می شود ) در حقیقت صحیفہ  
حاوی چہارده باب گشتہ است .

برای اطلاع بیشتر در بارہ این صحیفہ شریفہ بہ  
منابع زیر مراجعہ شود:

۱ . کتاب عہد اعلي صفحات ۴۵۰-۴۵۱

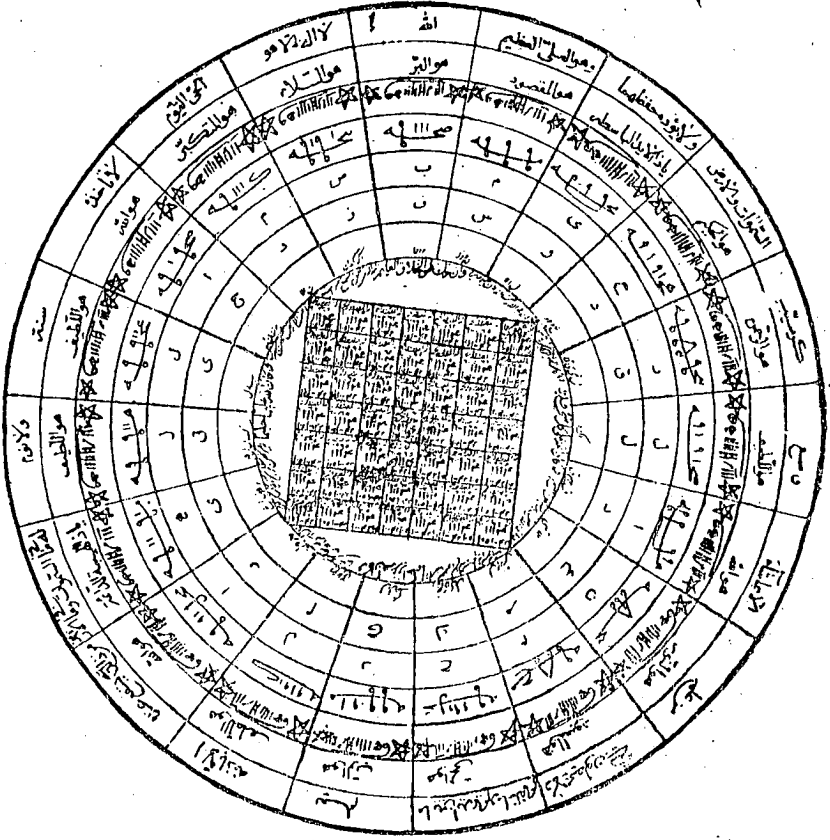
۲ . کتاب حضرت باب صفحہ ۷۵۶



۳. قرن بدیع جلد ۱ صفحه ۱۴۷
۴. تاریخ نبیل صفحه ۱۲۰
۵. قاموس ایقان جلد ۱ صفحه ۲۰۶
۶. سفینه عرفان جلد ۱ صفحه ۱۸
۷. کتاب رب اعلی صفحه ۵۷ الی ۵۹
۸. مجله پیام بهائی شماره ۲۷۱ صفحه ۲۵
۹. خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶ ص

۵۳

۶۱- منظور از رساله بین الحرمین رساله  
خطاب به محیط کرمانی است .  
به صفحه (۸۰) همین کتاب مراجعه شود .



Fac-simile of a Babi talisman (*harka*) given to me by Subhi-Azal on March 25, 1896. The original is on greenish paper and the writing outside the inner circle is in gold and lithographed, while the writing inside and around the inner circle is in black and in the Bab's own hand.

صورت چنانچه از میانگی که میرزا علی محمد باب باصحاب خود میداد همه این هیكل از روی سنگ چاپ شده است مگر سطر مستدیری که در داخل واژه آخری و گرداگرد مربع است که آن بخط خود میرزا علی محمد باب است که عکس انداخته شده است  
 Between pp. x and xi.

## ۶۲- منظور از رساله جفریه تفسیر سوره هیکل

است .

این توقیع منیع که آثار نازله در چهریق است بافتخار میرزا اسد الله خوئی ملقب به دیان که یکی از افراد دانشمند و ادیب دوره قاجار بوده و در دوائر دولتی صاحب شغلی مهم بوده نازل گشته وی به زبانهای فارسی، ترکی، عربی، عبری و سریانی نیز تسلط داشت و در اثر زیارت اثری از حضرت اعلی و تفسیر ایه ای از قرآن و تعبیر رویایش مومن گردید و به حرف الثالث بمن یظهره الله و صاحب علم مکنون مخزون ملقب می گردد.

این توقیع مبارک به زبان عربی است و شامل هیکل مخصوصه است از این جهت به کتاب هیکل معروف شده حضرت بهاء الله در لوح سراج این اثر را رساله جفریه می نامند.

این توقیع منیع گرچه بصورت ظاهر در توضیح اکسیر و جفر است ولی در حقیقت اسرار عدد مستقات

تشریح شده و بظهور حضرت بهاء الله در سال نوزدهم  
اشاره شده است

جمال اقدس ابهي در كتاب اشراقات درباره اين لوح  
میفرماید

يا اهل البيان عليكم بكتاب الهياكل الذي انزله الرحمن  
لاسمه الديان انه هو العلم المكنون و السر المخزون و  
الرمز المصون ا لذي ا ودعه الله في قلب من سماه  
بالديان في ملكوت البيان بايد هر نفسي در ان كتاب  
نظر نماید چه كه او را علم مكنون مخزون نامیده و  
در سبب نزول و علت ظهور ان تفكر بايد نمود شايد  
بمقصود الله عبادش فائز كردند سبحان الله مع التماس  
نقطه اولي روح ما سويه فداء و وصيتش كل را در  
عدم اعتراض بظهور اعظم مع ذلك بعضي باسم مرات  
و برخي با سم وصي و حزبي با سم ولي از حق  
محرومند عنقريب بمتابه حزب قبل اسم نقيب و نجيب  
هم بميان میاید شايد ركن رابع هم یافت شود بگو اي  
معرضين از مظلوم بشنويد به بيان از مقصود عالميان  
محروم نمایند قل لعمر الله لا ينفعمك البيان و لا ما عند  
القوم الا بام الكتاب الذي ينطق في الماب قدا تي المالك

و الملك و الملكوت لله المهيمن القيوم و اگر نفسي از  
كتاب هيكل مقصود را ادراك ننمايد بايد بين يدي  
حاضر شود و بر مقصود عارف گردد و اهل بيان  
اگاه نمايد لعلمهم يتخذون الي الحق سبيلا .

حضرت ولي عزيز امر الله نيز با اين بيانات عاليات  
اين توقيح را چنين ستوده اند

در دو سال اخير حيات مبارك حضرت كه بتمامه در  
سجن چهريق مصروف گرديد از قلم ان سيد امم لوح  
حروفات بافتخار جناب ديان نازل شد و در بادي امر  
چنين تصور ميرفت كه مراد از نرول لوح مذكور  
بيان مسائل مربوطه به حكمت و معرفت الهيه است  
ولي بعد معلوم و محقق گرديد كه منظور مبارك از  
يكطرف تبين حقيقت مستغاث و از طرف ديگر اشاره  
به نوزده سنه ايست كه بين ظهور ان حضرت و  
اظهار امر من يظهره الله فاصله خواهد گرديد .

در اهميت عظمت اين لوح جناب باليوزي در كتاب  
رب اعلي مي نويسد كه اگر نقطه بيان هيچ دليل  
ديكري براي حقانيت خود نداشته باشد همين كافي

است که چنین لوح عظیمی نازل گردیده • لوحی به  
غایت بلیغ و کسی قادر به نزول مانند آن نیست •  
جناب ابوالقاسم افغان در خوشه هائی از خرمن ادب و  
هنر شماره ۶ ضمن معرفی دلائل السبع اشاره ای  
گذرا نیز باین لوح مبارك فرموده و میفرماید •

حضرت اعلي مي فرمايند قوله تعالي ( و از جمله  
ادلاء متقنه علم كل شئي است در نفس واحد كه به حد  
اعجاز است اختراع ان كه در كتاب هياكل واحد بيان  
اين علم مكنون مخزون شده و احدي قبل از اين مطلع  
نشده و ثمره ان اينكه در حروف مشاهده مي نمايد كه  
چگونه كل شيء در يازده درجه كه هيكل هويت باشد  
 $(5=) +$  و  $(6=)$   $(11=)$  جمع مي گردد و هيكل اول  
را كه در بحر اسماء سپر دهی به نوزده منتهي مي  
شود و داخل عدد بيست نمي شود و اظهار اين علم  
حجتي است بالغه بر كل اگر تعقل نمايند)

این لوح هیاکل واحد که به ان اشاره فرموده اند  
لوحی است که در قلعه چهریق به اعزاز و افتخار اقا  
میرزا اسد الله دیان خوئی علیه رحمت الله و فضله  
نازل شده است و لیکن آنچه از قلم حضرت اعلي نازل

شده است بقدری مشکل و پیچیده است که حل آن از عهده همه کس بر نمی آید مرحوم حاج محمد ابراهیم مبلغ شیرازی برادر حرم جناب حاج میرزا حسن علی خال اصغراز حضور حضرت بهاء الله مشکلات و معضلات و اسرار کتاب هیاکل را استفسار نمود و در جواب او لوح حروف در شرح و تبیین کتاب هیاکل نازل گردیده است که پرده از معضلات لوح کل شیء از واحد اول برداشته شده است جناب ایشان همچنین در معرفی این لوح در کتاب عهد اعلی مینویسند.

این توفیق که به این نام نامیده شده از سجن چهریق به اعزاز اقا میرزا اسد الله دیان خوئی نازل گردیده است حجم تقریبی این توفیق که متضمن پنج توفیق در شئون خمس و همه بر سیاق آیات مناجات خطبه و صور علمیه است بالغ بر ۴۳ صفحه می باشد زبان چهار فقره از این توفیعات عربی و یک فقره آن فارسی است مطالب این توفیعات درباره اسم الله الاعظم واحد دوازدهم از کتاب پنج شان می باشد



عمده مضامین نازلہ در این توفیق محاسبات و تطبیقات عددی و حرفی راجع به ظهور من یظهره الله و توجیہات اصولی و بنیادی دیگری به همین کیفیت در باره حقایق ظهور مظاهر الہی می باشد علاوه بر ان استخراج اسما بالله از نظام حروف کشف و رموز منزله در این لوح خالی از اشکال نیست چنانچه مرحوم حاج محمد ابراهیم شیرازی مشہور به مبلغ کہ در زمرہ ابطال دیانت بهائی است در این بارہ از حضور حضرت بہاء الله پرسش نمود و در جواب او لوحی بہ همین نام نازل گردید و معضلات لوح نازلہ از قلم حضرت نقطہ اولی توضیح داده شد

توفیق ہیاکل با عبارات زیر آغاز می گردد

بسم الله الاعلم باله العلم الله العلم انني انا الله لا اله الا انا كنت اول الذي لا اول له علاما مقتدرا انني انا الله لا اله الا انا لا كونن الي اخر الذي لا اخر له علاما مقتدرا

توفیقات متعددی کہ بہ نام ہیکل وجود دارد بہ صورت و در شکل ہیکل انسان تحریر شدہ و نگارندہ تنها بہ چہار فقرہ از ان دست یافتہ است کہ

در زیر به ترتیب عبارات اغازین هر کدام ذکر می گردد

-توقیع اول که اصل ان در کتابخانه بریتانیا تحت (شماره ۶۸۸۷ اور ) نگهداری می شود با عبارت (والله ملك السموات و الارض و ما بينهما بیدع مایشاء بامرہ الله علي كل شئي قديرا ۰۰۰

- توقیع دوم با عبارت بسم الله الامنع الاقدس شهد الله لا اله الا هو له الخلق و الامر يحيي و يميت ثم يميت و يحيي و انه هو حي لايموت في قبضته ملكوت كل شئي يخلق ما يشاء بامرہ انه كان علي كل شئي قديرا ۰۰۰۰

- توقیع سوم با عبارت ( بسم الله الا منع الاقدس شهد الله انه لا اله الا هو قل كل له ساجدون شهد الله انه لا اله الا هو قل كل له عابدون

- توقیع چهارم با عبارت قل ما شاء الله بهاء الله لله رب السموات و رب الارض رب العالمين ضمنا به نام و شکل هيكل ادعيه بسياري نازل شده است

توقيع مبارك هياكل كه شامل اسراري است راجع به  
من يظهره الله درسه قسمت كه هريك سبك مخصوص  
بخود دارد نازل گرديده .

قسمت اول به نهج آيات و چنين اغاز مي شود بسم  
الله الاعلم الاعلم انا الله لا اله الا انا كنت من اول الذي  
لا اول

• قسمت دوم اين توقيع به نهج اوليه نازل گشته  
بقول • بسم الله الاعلم الاعلم • • ف سبحانك سبحانك ما  
اعجب صنعك

قسمت سوم به نهج خطب است چنانچه مي فرمايند  
( بسم الله الاعلم الحمد لله الذي اله الا هو  
الا علم الاعلم و انما البها من الله علي الواحد الاول  
ومن يشاء به • • •

در باره كتاب هياكل در دلائل السبعه مي فرمايند از  
جمله ادلاء متقنه علم كلشئي است در نفس واحد كه به  
حد اعجاز است اختراع ان كه در كتاب هياكل وا حد  
بيان علم مكنون مخزون شده واحدي قبل از اين مطلع  
نشد

جناب اشراق خاوري در معرفي كتاب هياكل و شرح

رموز ان مفصلاً توضیحات کافی داده اند و در این باره در محاضرات جلد ۱ صفحه ۲۹۳ مینویسند اصل مقصود از نزول کتاب هیاکل اثبات عظمت جمال قدم و اشاره بظهور ان بزرگوار در سنه انقضای واحد بعد از ظهور حضرت رب اعلی جل ذکرة الاعلی است در باره اهمیت کتاب هیاکل واحد در مقامات متعدده از قلم مبارک حضرت رب اعلی جل ذکرة بیانات مفصله نازل شده و از جمله لوحی است مفصل که باعزاز جناب دیان هیاکل را بیان میفرمایند.

ابراهیم یزیدی ملقب بخلیل و مشهور به جناب مبلغ که از قدمای احبای الهی و ساکن در بلده یزد بوده است اسرار کتاب هیاکل را از ساحت اقدس جمال قدم جل جلاله سؤال نموده و لوحی مفصل در شرح و تبیین کتاب هیاکل بعربی و فارسی از قلم مبارک جمال قدم در جواب مبلغ مزبور نازل گردیده است که نسخه ان موجود و در کتاب رحیق مختوم مندرج گردیده است که توسط حضرت رب اعلی و جمال قدم جل ذکرة هما العلی الابهی بتلویح نازل گردیده فهم ان اسان

نیست خیلی باید فکر کرد و با اصطلاحات آشنا بود تا بتوان اصل مقصود را بدست آورد حضرت اعلی جل اسمه الاعلی در ایام حبس چهریق کتاب هیاکل واحد را باعزاز جناب دیان نازل فرمودند مقصود از کلمه واحد عدد نوزده است و هیاکل واحد یعنی هیاکل نوزده گانه و هر هیکلی دارای یازده سطر و هر سطر دارای عددی معین و از هر عددی اسمی از اسماء الله استخراج و مرقوم فرموده اند هیکل اول موسوم بهیکل بلا عدد است زیرا مبداء اعداد و اساس هیجده هیکل دیگر است پنج سطر یا پنج خانه اول هیکل مطابق عدد ( ۵ ) و موسم به ظاهر هیکل اول است و شش سطر یا شش خانه بعد از آن مطابق عدد ( ۱ و ۱ ) و موسوم به باطن هیکل اول است و از مجموع آن یازده سطر یا خانه بدست میاید که مطابق عدد ( هو ) میباشد که عبارت از هیکل هویت است یازده سطر یا خانه این هیکل اول از آخرین اسم هیکل نوزدهم استخراج گردید هو اخذ شده بشرحیکه در محل خود ذکر خواهد شد. در سطر اول از هیکل اول حروف ۲۸ گانه را بترتیب ابجد ، هوز، حطی ، کلمن،

سعفس، قزشت ، ثخذ، ضظغ فرموده اند و مقابل ان  
دراخرسطر عدد کلیه ان حروف را که ۲۸ میباشد  
مرقوم فرموده و از ان اسم الله ( وحید) را استخراج  
فرموده اند زیرا عدد وحید بحساب جمل ۲۸ میباشد  
در سطر ثانی برای اعداد حروف جمل که در رتبه  
احاد هستند یعنی از الف با طاء که نه حرف میشود  
هر يك يك نقطه ( ۰ ) و جمعا برای نه حرف نه نقطه  
مرقوم فرموده اند و برای حروفی که عدد آنها در  
رتبه عشرات است یعنی از ی تا ص هر کدام دو  
نقطه مرقوم شده که جمعا ۱۸ نقطه میشود و از ان  
جهت برای هر حرفی دو نقطه مقرر شده است که در  
رتبه عشرات هستند ۰ پس از ان برای حروفی که  
اعداد شان در رتبه مات است یعنی از ق تا ظ که  
در رتبه سوم یعنی مات هستند برای هر يك سه  
نقطه مقرر شده که جمعا ۲۷ نقطه میشود و برای  
حرف غ که شامل مراتب احاد و عشرات و مات و  
الف میباشد چهار نقطه مرقوم فرموده اند که هر نقطه  
اشاره بر رتبه از مراتب احاد و عشرات و مات و الوف  
است و مجموع جمیع نقطه ها از الف تا غ بالغ بر

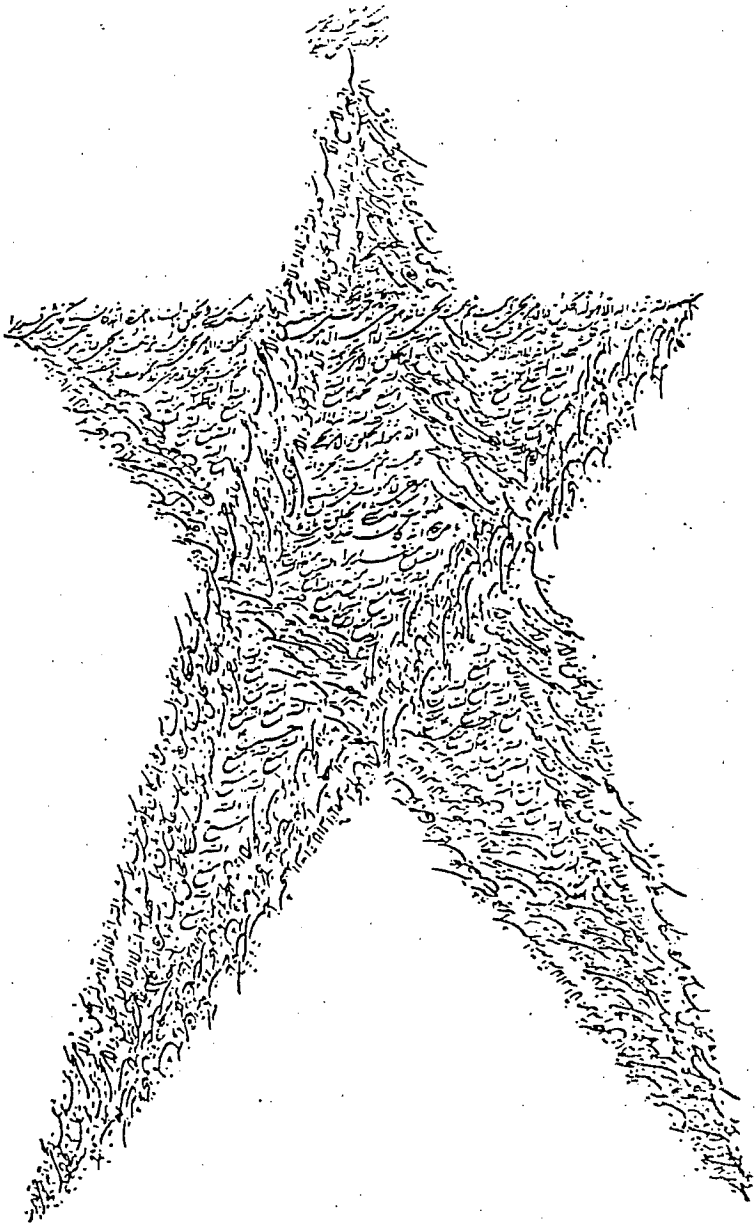
( ۵۸ ) عدد میشود که انرا در سطر ثاني مقابل نقاط  
 مماثل نوشته اند و از ان عدد اسم الله ( محبوب )  
 استخراج فرموده اند و براي هر سطر بهمین ترتیب  
 توضیحات مشروح و مفصل داده و میفرمایند بعد از  
 این شرح و بسط با مراجعه به الواح مبارك حضرت  
 اعلي و جمال قدم پي به مقصود خواهید برد از جمله  
 اضافه میفرمایند . درباره الواح هیاكل يك مطلب  
 دیگر هم باید گفته شود و ان این است که میفرمایند  
 (بیحرکاف نمیرسد یعنی اعداد هیکل اول را فقط  
 میتوان تا نوزده برابر خود هیکل نوزدهم و واحد  
 است ادامه داد و دیگر نمیتوان ان را بیست برابر کرد  
 و از ان هیکل بیستم استخراج نمود زیرا از اعداد هیکل  
 بیستم بهیچوجه اسمي از اسماء الله استخراج نمیتوان  
 کرد و سیر اسماء در هیاكل محدود در همان نوزده  
 هیکل است و این اشاره انست که حضرت اسم الله  
 المستغیث مستغاث العالمین یعنی حضرت من یتظهره  
 الله جمال قدم جل جلاله در اخر سنه واحد یعنی در  
 سال نوزدهم بعد از ظهور نقطه ظاهر میشود و دوره  
 غروب شمس حقیقت به بیست سال نمیرسد این معنی

نیز در لوح جناب مبلغ مصرحست .  
برای اطلاع از رموز این توقیع باید به توضیحات  
کافی و وافی جناب اشراق خاوری در محاضرات جلد  
اول صفحه ۲۹۳ و ۳۹۰ مراجعه نمود لوح مبارک  
حضرت بهاء الله خطاب به جناب محمد ابراهیم یزدی  
ملقب به مبلغ که از منسوبین سببی خال اصغر می  
باشند در محاضرات جلد ۱ صفحه ۳۹۲ مندرج است و  
با این بیانات عالیات شروع می شود بسم الله العالم  
العلم ۱۰۰ الحمد الله الذي جعل طراز الالواح الاعداد  
بالواحد الذي كان مقدسا عن الاحاد ۰۰۰۰۰  
گذشته از توقیع هیاکل دعائی هم از جمال اقدس ابهی  
معروف به دعای هیکل موجود است که با شرایط  
معین و با مشگ و زعفران با جوهر قرمز و کلاب  
باید نوشته شود با شرایط خاص زیارت شود که شرح  
ان در محاضرات مندرج است .

البته این توقیع را نباید با ادعیه هیاکل همچنین با  
دعای هیکل اشتباه گرفت جناب ابو القاسم افنان در  
کتاب عهد اعلی صفحه ۳۴۳ و نبیل زرندی در مطالع  
الانوار در شرح اوخرایام حیات مبارک می نویسد



الواح و نوشتجات خود را جمع اوری و همه را به  
ضمیمه قلمدان و انگشترها و مهرها را در جعبه ای  
گذارده به ملا عبد الکریم قزوینی تسلیم نمودند. ۰۰ از  
جمله محتویات این جعبه ورقه لوله کاغذ ابی رنگی  
بود و جنس آن از بهترین انواع کاغذها و لطیف ترین  
اقسام آن بود حضرت باب با خط شکسته به هیات  
هیکل انسان قریب پانصد اشتقاق از کلمه بها مرقوم  
فرموده بودند ۰۰۰۰ و باو سفارش نمودند که این اما  
نت را در طریق بدست جناب بها بدهیم کتاب هیاکل  
واحد که شامل ۱۹ هیکل می باشد در محاضرات  
جلد ۱ صفحه ۴۰۴ و کتب محفظه اثار امری کتاب  
شماره ۶۴ صفحه ۸۸ و کتاب شماره ۵۸ صفحه  
۱۵۵ مندرج است این توفیق مبارک به فارسی است .



۶۳- منظور از لوح حروفات تفسیر سوره

هیكل است .

به صفحه ( ۹۴ ) همین کتاب مراجعه شود .

## ۶۴- منظور از کتاب الاحمدیه تفسیر سوره بقره است .

این تفسیر مبارك که بنام کتاب الاحمدیه نیز مشهور است تفسیر سوره دوم قرآنی است که از سوره های مفصل و مشروح و در حقیقت طولانی ترین سوره قرآن می باشد . در کتاب خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶ صفحه ۹۸ در این باره چنین می نویسد :

حضرت نقطه آن را در دو قسمت مر قوم فر موده اند . قسمت اول همراه با تفسیر سوره فاتحه آغاز می شود و تا آیه ۱۴۱ از سوره بقره را شامل است . تاریخ صدور آن به قلم مبارك در خاتمه تصریح شده و حکایت از آن دارد که در شروع سنه ۱۲۶۰ به پایان رسیده است و مصدر به مقدمه ای در خصوص شان صدور است .

در این متن اگر چه آیات سوره بقره هر يك مستقلا تفسیر شده و در بسیاری موارد به احادیث نیز استشهاد شده و لکن اساسا تفسیر بر سیاق تاویل است و

اساس مطلب اثبات تفرد و تمايز و تفاوت آل الله يعني  
پيغمبر اكرم و خاندان مبارك او بطور اخص ( و  
مظاهر ظهور بطور كلي ) از ساير خلائق است و  
بيان اينكه وصول به آن رتبه و مقام براي احدي ميسر  
نيست .

حجم تقريبي اين اثر مبارك ۲۹۶ صفحه ۱۷ سطري  
و هر سطر تقريبا ۸ كلمه است

تفسير بقره با اين آيات آغاز مي شود : “ بسم الله  
الرحمن الرحيم الحمد لله الذي تجلي للممكنات بطراز  
النقطه المنفصله عن لجه الابداع لها بها اليها ” و به  
اين آيه “ و لقد فرعت من ابداعها في تفسير جزء تام  
من اول الكتاب في شهر ذي حجه الحرام متواليا في  
سنه ۱۲۶۰ و صلي الله علي محمد و آله و الحمد لله  
رب العالمين ” خاتمه مي يابد .

قسمت دوم تفسير با آيات زير آغاز مي شود : “ قال  
الله تعالي سيقول السفهاء من الناس ... و لقد اراد الله  
في عالم لاهوت الفعل من الناس نفس الاذن و الاجل و  
الكتاب اذ انهم قالوا الاراده و القدر والقضاء ما وليهم  
عن قبلتهم التي هي المشيه ... ” و خاتمه آن : “

سبحانك و نحمدك لا اله الا انت يا رب الارباب و  
سبحان ربك رب العزه عما يصفون و سلام علي  
المرسلين و الحمد لله رب العالمين.

تاریخ صدور آن معلوم نیست و نسخ آن نیز فراوان  
نمی باشد .

در مجله پیام بهائی شماره ۱۷۵ در معرفی این تفسیر  
می نویسد:

دیگر از آثار مبارکه قبل از اظهار امر مبارک " تفسیر  
سوره بقره " است. که جناب باب الباب در شب اظهار  
امر مکرم در طاقچه ، اطاق بیت مفخم زیارت نموده  
است . همانگونه که از آیات اولیه آن تفسیر مکرم  
استنباط می شود ، نزول آن در ذیقعدہ ۱۲۵۹ ، یعنی  
شش ماه قبل از اظهار امر مبارک آغاز گردیده و در  
آن به شرح رؤیای خویش پرداخته ، که در عالم رؤیا  
ارض مقدس کربلا " ذره ذره " به حضور مبارکش  
آمده و حضرتش جل جلاله را از ارتحال جناب سید  
کاظم رشتی خبر دار نمودند و در نفس این تفسیر  
مبارکه می فرمایند که صدور این تفسیر روز بعد از  
این رؤیا آغاز گردید . قسمت هائی از آن قبل از

ورود جناب باب الّباب به شیراز پایان یافت و ما بقي آن پیش از سفر مکه اتمام پذیرفت . این اثر مبارك جزء آثار و کتبی بود که در سفر حج به سرقت رفت و لکن خوشبختانه نسخه هائی از آن موجود می باشد .

در کتاب عهد اعلي تالیف جناب ابو القاسم افنان در معرفی این تفسیر چنین می نویسد:

این تفسیر به زبان عربی و قبل از بعثت حضرت باب در شیراز نازل شده است .

نسخ متعدده آن با حجم تقریبی ۲۹۵ صفحه با خطوط مختلف در دست است و نسخه ای از آن تحت شماره ۶۰۱۴ در محفظه ملی آثار نگهداری می شود . این تفسیر در واقع دارای دو قسمت اصلی است . یکی تفسیر سوره فاتحه و دیگری تفسیر سوره بقره که از جمع ۲۸۶ آیه آن تنها تا آیه ۱۴۱ و هر يك بصورت كاملا مفصل تفسیر شده است . تفسیر این سوره بر اصول متداول تفاسیری که علما اسلام سور قرآن کریم را تفسیر نموده اند انجام گرفته است و در آن موعود اسلام و رای عقاید و افکار سنتی حزب شیعه اثبات و معرفی شده است و بعلاوه از عظمت مقام

رسول الله و آله الطاهرين بحث و از آنها تجليل  
گريده است و همچنين از عظمت مقام حضرت امير  
المؤمنين گفتگو به ميان آمده و بر ولايت مطلقه آن  
حضرت تاكيد شده است.

مطلع اين اثر مبارك چنين است : بسم الله الرحمن  
الرحيم الحمد لله الذي تجلي للممكات بطراز النقطه  
المنفصله عن لجه الابداع لها بها اليها . ”  
و سپس فاتحه تفسير را با عبارات زير آغاز مي فر  
مايند :

اللهم انك لتعلم في يوم الذي اردت انشاء ذلك الكتاب قد  
رايت في ليلتها بان ارض المقدسه قد صارت ذره ذره  
و رفعت في هواء حتي جائت كلها تلقاء بيتي ثم  
استقامت ثم جاء خبر فوت الخليل العالم الجليل معلمي  
رحمه الله عليه من هناك و قد اخبرت بعض الناس قبل  
الخبر بنومي فصلي الله عليه بجوده انا لله و انا اليه  
راجعون و لا حول و لا قوه الا بالله و الحمد لله رب  
العالمين.



چون این تفسیر در دو جلد نازل شده و جلد دوم آن بسیار نادر و کمیاب است و جزء آثار مسروقه در مراجعت از حج می باشد . غالب محققین و پژوهشگران چون به جلد دوم دسترسی نداشته اند به آن اشاره ای نکرده اند.

حق مطلب در معرفی این تفسیر مبارک را بقلم توانای دکتر محمد حسینی محول می کنیم که در کتاب پر ارج حضرت باب در این باره چنین می نویسد

تاریخ آغاز نزول تفسیر سوره بقره چنانکه در نفس تفسیر بیان فروده اند روزی است که در شب آن روز جناب سید کاظم رشتی صعود نموده است. در تفسیر بقره اشاره می فرمایند در شب روزی که اراده انشاء این کتاب را فرموده اند . در رؤیا دیده اند که ارض مقدسه ( کربلا ) ذره ذره شده و به هوا رفته سپس تمام آن ارض در برابر بیت مبارک فرود آمده و جای گرفته است . پس از آن رؤیا خبر صعود جناب سید رشتی به ایشان رسیده است. می فرمایند که رؤیای خود را قبلا برای برخی از نفوس تعریف فرموده اند

با توجه به بیان مبارک حضرت بآب آغاز نزول تفسیر  
مصادف بوده است با روز نهم ذوالحجه ۱۲۵۹  
هجری قمری ( ۱۸۴۳ میلادی ) و تقریباً پنج ماه پیش  
از اظهار امر مبارک .

چون در آخر تفسیر تاریخ اتمام را ماه ذو الحجه سال  
۱۲۶۰ هجری قمری ( ۱۸۴۴ میلادی ) فرموده اند  
معلوم می شود که نزول این تفسیر مبارک حدود یک  
سال قمری طول کشیده است . بعبارت دیگر تفسیر  
مدتی نا تمام مانده و سپس تکمیل فرموده اند . اما جلد  
نخست از تفسیر سوره بقره در حقیقت تفسیر جزء  
نخست از قرآن شریف است . زیرا در این جلد تا  
پایان آیه ۱۴۱ از سوره بقره قرآن شریف را تفسیر  
فرموده اند . جلد دوم این تفسیر که حاوی تفسیر بقیه  
آیات سوره بقره بوده و بعداً نازل شده در سفر حج  
بسروقت رفته است .

اصولاً باید توجه داشت که سوره بقره با ۲۸۶ آیه  
مفصل ترین سوره قرآن شریف است . از لحاظ کیفیت  
نیز حاوی دهها نکته مهمه است که تفسیر آن نکات  
طریق را برای پذیرش آسانتر امر حضرت باب میسر

می نموده است . از جمله نکاتی که در سوره بقره ( آیات ۱۴۱ الی ۱ ) بتصریح و بتلویح مطرح شده و حضرت باب بنحوي بدیع توجه مردم زمان را به آن نکات جلب کرده است . موضوع حجیت آیات ، حجیت قرآن شریف ، معنای واقعی اسلام ، مرگ و حیات ایمانی، وحدت مظاهر الهیه ، مخالفت علما و عامه مردم زمان با مظهر ظهور در هر عصر و حکمت نسخ احکام است .

حضرت باب در تفسیر سوره بقره به همه این نکات اشاره فرموده و در خصوص هر يك بیاناتی فرموده اند .

اما موضوع اصلي این تفسیر تجلیل از مقام رسول اکرم و آل الله ( داماد و اولاد رسول اکرم ) است . علت تجلیل از آل الله معلوم است . آنان اوصیا برحق رسول اکرمند . اهل اسلام باید بدانان توجه نمایند . در جامعه اسلامی باید وحدت کلمه و اعتقاد پدید شود تا مستعد پذیرش موعود واحد حقیقی ، حضرت قائم گردد . موضوع توجه به ائمه اطهار در مکتب شیخی حائز نهایت اهمیت بوده است . حضرت باب بظاهر

مشرّب شیخی داشته اند. غالب و اهم اصحاب اولیة نیز شیخی بوده اند اما تجلیل از اوصیا رسول الله فی الحقیقه با هدف ایجاد وحدت کلمه در اعتقادات اسلامی همراه بوده است.

باید امور به نقطه وحدت برسد تا استعداد پذیرش ظهور جدید فراهم گردد. در تفسیر بقره می فرمایند مراتب ایمان ۷ است مرتبه نخست مرتبه اهل جنت ، مشیت است . مرتبه دوم اهل جنت اراده ، مرتبه سوم اهل بحر یا جنت قدر، مرتبه چهارم اهل جنت عدن ، مرتبه پنجم اهل جنت اذن ، مرتبه ششم اهل جنت خلد ، و مرتبه هفتم اهل جنت ماوی.

می فرمایند برای هر مرتبه " حظائر " بی نهایت است و در آن مراتب و حظائر عبادی ساکن اند که عدد آنها را خداوند می داند . اشاره لطیفه ای که ساکنان جنت مشیت ( مظاهر مقدسه الهیه ) بی شمارند . مراد از مشیت مقام مظهریت الهی است و مصداق و نمونه اهل جنت مشیت بتصریح حضرتشان حضرت رسول اکرم است . بفرموده مبارک باعتبار دیگر هفت نام مورد بحث مظهر مراتب هفت گانه ایمان است و هر

نام مظهر تاکید بر يك صفت از صفات ایمانی است  
نام محمد مظهر تاکید بر تقوی است نام علی بر صدق  
حسن بر یقین حسین بر رضا فاطمه بر وفا جعفر بر  
علم و موسی بر حلم . در پی این توضیحات و در  
حقیقت در تفسیر آیه “ الذین یؤمنون بالغیب ... ”  
مراد از غیب را حضرت محمد دانسته اند . بلا فاصله  
پس از آن باستناد قول امام جعفر صادق  
می فرمایند همچنین مراد از غیب قائم موعود است.  
اشاره لطیفه ایست بر مقام مظهریت خودشان اما  
بکمال تلویح زیرا زمان ابراز چنین دعاوی نبوده  
است .

اینست که بحسب ظاهر در خصوص چهار ذر بیاناتی  
می فرمایند . ذر اول ذر توحید است . ذر ثانی ذر  
نبوت ، ذر ثالث ذر ولایت و ذر رابع ذر شیعه است .  
هر کس به ذر رابع مؤمن نشود به توحید ، نبوت و  
ولایت اعتقادی ندارد . گاهی بجای “ ذر ” دو لفظ “  
مشهد ” و “ یا ” رکن رابع ” واقف می شمارند و لکن  
بتلویح این مقام رکنیت را همان مقام “ ذر ثانی ”  
( رسالت ) گفته و می فرمایند ائمه در همه مقامات نفس

رسول اکرم اند . اشاره به حدیث " اولنا محمد و  
آخرنا محمد و اوسطنا محمد و کلنا محمد " فرموده  
می فرمایند مصداق کامل این حدیث امروز آشکار  
است . خود را خلیفه الله در عصر خویش می فرمایند و  
پس از آن با استمرار فیض الهی اشاره نموده می  
فرمایند " ما للفیض تعطیل " و حاملان فیض را انبیا  
و اوصیا می دانند . در اینجا مقام خود را بالا تر از  
مقام رکن رابع مصطلح جماعت شیخی شمرده اند .  
با توجه دقیق به برخی از اشارات موجود در این  
تفسیر مبارک روشن می شود که مقام حقیقی حضرت  
باب مقام رسالت است .

در توضیح آیات لقا بتصریح می فرمایند که رؤیت  
ذات الهی ممتنع و محال است زیرا رؤیت فرع اقتران  
است و اقتران صفت امکان است لذا مراد از لقا الله لقا  
مظهر الهی است . اشاره ایست به مظهریت  
حضرتشان . در تفسیر آیه شریفه قرآن : " و لقد آتینا  
موسی الكتاب و قفینا من بعده بالرسول ... " مراد از  
حضرت موسی را در این مقام حضرت محمد و رسل  
را آل الله می فرمایند که خود مشمول این عنوان اند .

و نیز می فرماید که خداوند به حضرت مسیح بقا عنایت فرموده تا بشرف لقا حضرت صاحب الامر فائز شود . همه این اشارات لطیفه راجع به مقام عظیم مظهریت حضرتشان است.

در توضیح برخی از آیات سوره بقره به امتناع و ارتفاع مقام الوهیت اشاره فرموده و کمال توحید را نفی صفات از حضرت ربوبیت شمرده اند . با اشاره به روایات اسلامی طرق وصول به عرفان الهی را بی شمار دانسته اند. حضرت آدم بدیع اول را مقام مشیت الله فرموده اند .

این نکته بعد ها در دیگر آثار مبارکه بتصریح بیشتر توضیح داده شده و آدم باعتباری دقیقا یکی از مظاهر الهیه تلقی گردیده است. چند صفحه از تفسیر مبارک انحصارا بتجلیل از مقام حضرت امام حسین اختصاص یافته است. اما از قرائن موجود در همان تفسیر مستفاد می شود که این تجلیل اشارت به یوسف الهی حضرت بقیه الله منتظر نیز دارد .

در توضیح برخی از آیات که خطاب به خاندان اسرائیل است حضرت باب مراد از اسرائیل را

حضرت علي عليه بها ءالله دانسته اند و يوسف را حضرت حسين . در چند موضع مراد از اسرائيل ( يعقوب ) را حضرت حسين و اسباط اسرائيل را ذريه حسين فرموده اند . همچنين در چند صفحه از تفسير بقره بنقل احكام اسلامي پرداخته اند كه اين خود ناشي از اصل رعايت حكمت در آن زمان است . در بحث از معنای بقره كه عنوان سوره قرآن شريف است و آياتي چند در سوره مباركه اختصاص به آن يافته است مي فر مايند مراد از بقره مظاهر كفر و شرك اند. در توضيح معنای صفرافاقع ( رنگ آن بقره ) مي فر مايند مراد كبكه و درخشش ظاهري اهل اعراض است كه سبب تحقير مظهر الهي است سرانجام ذبح بقره را ذبح شؤونات و اطوار نفسانيه اي دانسته اند كه مانع عرفان مظاهر الهيه اند .

بدین ترتیب در تفسير مبارك سوره بقره دهها نکته مهمه از عظمت مقام الوهيت و وحدت مظاهر الهيه گرفته تا معنای لفظ بقره مطرح شده و در خصوص حقانيت ظهور جديد بتصريح و بتلويح انواع استدلال ارائه گشته است. از اين جهت است كه حضرت باب



این تفسیر جلیل را از مظاهر شوون علمیه نیز  
محسوب داشته اند.

۶۵- منظور از تفسیر ( ها ء ) تفسیر سوره

توحید است .

در کتاب عهد اعلي صفحه ۴۵۶ این تفسیر را ذیل  
کلمه تفسیر ( ها ) آورده است و بنام تفسیر ( ها ) ذکر  
شده ولي دکتري محمد حسيني ياد اورشده که سه اثر  
حضرت اعلي بنام تفسیر ( ها ) شناخته شده و جون  
محتوای اصلي صحيفه در توضیح معانی حرف ( ها ء )  
می باشد لذا کل صحيفه به صحيفه شرح ( ها ء ) نیز  
شهرت یافته

دکتر محمد افنان نیز در مجله پیام بهائی شماره ۲۶۰  
باین موضوع اشاره کرده اند .

در کتاب خوشه هائی از خرمن ادب و هنر شماره ۶  
صفحه ۱۰۰ در معرفی این تفسیر می نویسد . سوره  
توحید یا اخلاص یکصد و دوازدهمین سوره قرآن و  
مشمول بر چهار آیه است . شروع آن با ( بسم الله  
الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ينزل الامر في الكتاب  
علي قدر غير معدود فاشهد ان لا اله الا الله كما هو  
اهله و مستحقه من دون ان يقدر احد ان يعرف كيف

هو الا هو سبحانه و تعالي عما يصفون ) و خاتمه ان با ايه ( و استغفر الله ربك و ان بمثل هذا فليعمل العاملون و سبحان الله ربك رب العزه عما يصفون و سلام علي المرسلين و الحمد لله رب العالمين ) مي باشده مضامين مطلب اين تفسير در باره توحيد ذات الهي و بعضي تطبيقات عددي است . حجم ان ۱۲ صفحه ۱۶ سطري هر سطر در حدود ۱۲ كلمه مي باشد . مخاطب و تاريخ نزول محتاج تحقيق است ولي از متن معلوم است كه به تقاضي كسي ان را مرقوم فرموده اند .

جناب دكتور محمد حسيني در كتاب ارزشمند و نفيس شرح حال و آثار حضرت باب اين تفسير را چنين معرفي مي نمايد اين تفسير مبارك چنان كه از عنوانش پيدا است و از متن نيز روشن ميشود در جواب سائل در توضيح آيات سوره توحيد قران شريف نازل گشته است بفرموده مبارك در اين تفسير مقدس سوره توحيد روح قران شريف و چون خانه كعبه مطاف سور ديكر اين كتاب مجيد است پس از تمحيد الهي و تجليل از رسول الله و ال الله در خطبه

کوتاهی در آغاز تفسیر بامتناع عرفان ذات حق اشاره  
 می فرمایند و با استناد به بیان حضرت علی تصریح  
 می فرمایند که جوهر دین معرفت الله است و کمال  
 معرفت توحید و کمال توحید نفی صفات از حضرت  
 الوهیت است لذا علت خلق عالم ابداع مقام مشیت  
 است و نه ذات حق حضرت الوهیت از طریق مقام  
 مشیت یا خلق در ارتباط است و خلق را با استقلال  
 راهی بیار گاه الهی نیست • مظهر الهی مقام مشیت  
 است و عرفان او عرفان حضرت ربوبیت است و الا  
 الوهیت صمد است و وصول به مقام صمدانیت از  
 حیطة قدرت خلقت خارج است مظاهر مقدسه مظاهر  
 اسماء حسناي الهی اند و عرفان آنان است که منتهی  
 بعرفان الهی است این عرفان نیز از طرق متعدده  
 حاصل می شود زیرا ( الطرق الی الله بعدد انفس  
 لخلایق ) می فرمایند اگر کشف قناع از مسائل  
 مربوطه به توحید حضرت الوهیت نمایند قومی  
 مشرک شوند و قوم مشرک دیگری بتوحید گرایند  
 • سپس استناد به حدیث نبوی می فرمایند که رسول  
 اکرم فرموده است اگر ابوذر از کیفیت عرفان سلمان

گاهی یابد او را مقتول می سازد . اشاره لطیفه ایست  
به اختلاف درجات عرفان نفوس مومنه سر انجام  
جوهرتامت این تفسیر مبارک ایجاد استعداد در سائل  
و دیگر مردم زمان است برای درک مقام حقیقی  
حضرتشان و نیز مقام عظیم حضرت بقیه الله من  
یظهره الله موعود.

در همان آغاز تفسیر در خطاب به سائل می فرمایند  
برای درک ظهور ( لقاء الهی ) آماده باشد که ان  
بسیار نزدیک است قوله الاعلی ( فاستعد للقاء ربك فان  
الاجل قریب قریب و ان تجلیات ایام الظهور اسرع  
من كل شيء ) این تفسیر مبارک که با مطلع بسم الله  
الرحمن الرحیم الحمد لله الذي ينزل الامر في الكتاب  
علي قدر غیر معدود . . . . . شروع می شود و  
تقریباً حدود ۱۲ صفحه کاغذ رقمی معمولی است  
بلسان عربی نازل شده و از سیاق عبارات نازله چنین  
بر می آید که از آثار نازله در شیراز می باشد .  
در این تفسیر هر یک از آیات مستقلاً تفسیر شده مقام  
والای حضرت رسول و ائمه اطهار را توقیر و تکریم  
نموده توجیه می فرمایند .

## ۶۶- منظور از کتاب چهار شان کتاب الاسماء

است

در مجله پیام بهائی شماره ۱۷۷ در معرفی این اثر  
این مبارك چنين مي نويسد:  
سفر مجيد كه بنام كتاب چهار شان نيز مشهور است  
كتاب حجيمي است كه در دو جلد نازل گرديده و ۳۶۱  
اسم از اسماء الهي را در ۳۶۱ باب كه عدد كلشيء  
است بيان فرمودند و اين اسماء مقدسه را به اصحاب  
جانفشان صبح ظهور منسوب داشتند و هر يك را  
مظهري از يكي از اسماء رحماني معرفي نمودند .  
اين كتاب مبارك مانند كتاب مستطاب بيان بر مبناي  
عدد كلشيء نازل گرديده و داراي ۱۹ واحد و هر  
واحدي ۱۹ باب است كه مجموعا ۳۶۱ باب را  
متضمن است و هر بابي در چهار شان نازل گرديده و  
مشمول بر چهل هزار بيت است و شان پنجم كه شان  
فارسي است را ندارد.  
در كتاب در ج لئالي هدايت مرقوم رفته كه جميع

مطالب کتاب الاسماء در تفسیر اسماء الحسنی و  
بشارت بظهور من ینظره الله است.

در کتاب قاموس ایقان جلد ۱ ص ۲۰۷ در معرفی این  
کتاب چنین می نویسد : کتاب الاسماء ، لوح بسیار  
مفصلی است در چندین مجلد و کل آن در شرح اسماء  
الله است ، در این لوح مبارک بعدد کلشی (۳۶۱) اسم  
از اسما الله را تفسیر فرموده و هر اسمی را در برابر  
روزی از سال حساب کرده اند و هر اسمی را که  
مخصوص روزی از سال است به چهار لحن انشاء  
فرموده اند یعنی به لحن آیات و لحن مناجات و لحن  
خطابه و لحن تفسیر درباره هر اسمی شرحی  
فرموده اند ، نسخه این لوح عظیم معدود است و  
گوشه و کنار زیارت شده است اینعبد در طهران و در  
شیراز نزد جناب افنان اعلائی تولیت بیت مبارک  
شیراز این لوح منبع را زیارت کرده ام و یادداشتهایی  
از آن برداشته ام عنوان هر اسم در آغاز روز  
مخصوص بآن ذکر شده مانند : فی معرفه اسمہ البشیر  
و یا فی معرفه اسمہ الطیف. و بر همین قیاس تا آخر

لوح عظیم پیش رفته اند و سراسر این کتاب مقدس در وصف حضرت من یظهره الله است.

در این کتاب مبارک یکی از اسما الله را اسم الله المستغاث مرقوم فرموده و فرموده اند " در اسما الله هیچ اسمی تعادل نمی کند عدد آن با اسم مستغاث و آن اعلی ثمره اسما است که بمنتهی الیه ظهور رسیده "

در کتاب الاسما با آنکه به لفظ مستغاث اشاره فرموده اند و در بخش بسم الله الا عصم الاعصم تصریح می فرمایند که بزودی خداوند عبادی را بر خواهد گزید و آنان افتخار درک حضور حضرت من یظهره الله را خواهند یافت زیرا می فرمایند : فسوف یصطفي الله من الذینهم اولاد البیان عباداً لمن یظهره الله یحضرون بین یدی الله ثم بامرہ یعملون."

جناب دکتر محمد حسینی در معرفی این سفر کریم در کتاب نفیس حضرت باب چنین می نویسد:

این کتاب به عربی و از آثار نازله در چهریق است . چند ققره از این اثر جلیل وسیله حضرت ولی امر الله و ابواب متعدده از سه واحد شانزدهم ، هفدهم و هجدهم آن وسیله جناب حبیب طاهر زاده به انگلیسی



ترجمه شده است. متن کتاب چند برابر بیان فارسي است. این کتاب که به کتاب اسماء کلشيء و کتاب چهار شان نیز اشتهار دارد اصولاً حاوي سيصد و شصت و يك باب است. به عبارت ديگر به نوزده واحد و هر واحد به نوزده باب تقسيم گرديده است.

در هر باب اسمي از اسماء الله که مظهر آن يکي از افراد اهل بيان است منظور شده و در خصوص آن اسم به چهار شان يا لحن بياناتي نازل گشته است. شوون چهار گانه (همانگونه که ذيل بسم الله الا جبر الا جبر در متن کتاب فرموده اند.) عبارتند از شان مناجات، شان آيات، شان خطب و شان صور علميه. حضرت بها الله در خصوص کتاب الاسماء مي فرمايند: " کتاب اسماء نازل شد آخر فکر نمايند که مقصود چه بوده. مخصوص کتاب اسماء نا ميده اند و در الواح جميع اسماء را واحداً بعد واحد ذکر فرموده اند و تفسير نموده اند و بعد مظاهر اسماء را بمبدع اسماء وصيت فرموده اند.

" همانطور که از بيان مبارك جمال ابهي و نیز محتوای کتاب الاسماء مستفاد مي شود هدف اصلي

نزول این اثر عظیم جلب توجه کامل اهل بیان بظهور  
قریب حضرت من یظهره الله مو عود است. اصلا  
کتاب را تقدیم به من یظهره الله فرموده اند. این نکته  
در چند موضع از کتاب نازل و از جمله ذیل باب  
“بسم الله الاقسط الاقسط” تصریح گردیده است. در این  
کتاب همچنین اشاراتی بقرب ظهور من یظهره الله  
شده است.

در این اثر جلیل نزول احکام اعم از اوامر و نواهی  
را در شرع بیان صرفا بمنظور آمادگی اهل بیان  
برای ظهور من یظهره الله و کسب رضایت خاطر آن  
حضرت تصریح فرموده اند.

می فرمایند در ظهور من یظهره الله ایمان به واحد  
بیان (حضرت باب و حروف حی) سودی ندارد مگر  
شخص مؤمن به آن موعود معهود شود. می فرمایند  
مجادله و مشاجره در شرع بیان حرام است تا مباد  
اهل بیان با من یظهره الله مجادله نمایند. می فرمایند  
رد آن نفس مقدسی که صاحب آیات فطری است نکنید  
که او شخص من یظهره الله است و با تأثر خاطر  
می فرمایند که ای اهل بیان شما باغبانید و نه صاحب

باغ. چون صاحب باغ (من يظهره الله موعود) ظاهر شود در ختان میوه ای که شما کاشته اید از آن شما نیست از آن مالک حقیقی باغ است. دیگر حق ادعای مالکیت شما باطل است. مگر او اذن انتفاع دهد. در باب "بسم الله الاظلل الاظلل" به "شجره الابهي" و "افق الابهي" (حضرت من يظهره الله موعود) اشاره نموده و اهل بیان را به تقدیم هدیه منیعهای بساحت آن حضرت امر می فرمایند. در باب "بسم الله الابین الابین" به اسم بها اشاره نموده اشتقاق متعده از آن نازل می فرمایند که اگر اهل بیان از ظهور من يظهره الله محتجب شوند پست ترین امم می گردند. در باب "بسم الله الا رشد الا رشد" و در معرفت اسم مر شد هم تلو یحاً به جناب میرزا قربانعلی درویش (مر شد) اشاره نموده و هم ارشاد حقیقی را خاص حضرت الوهیت و مظاهر ربوبیت فرموده اند. سپس می فرمایند که اهل بیان از نفوس فتنه انگیزی که لباس ارشاد بتن کرده اند پرهیزند. در باب "بسم الله الا بشر الا بشر" سخن از بشارت بظهور من يظهره الله وسیله خداوند (بشار

باشر بشیر ) است که مراد از الو هیت در این مقام  
 مظهر الو هیت و نفس نقطه بیان است .  
 سپس تصریح شده است که بهاء من یظهر ه الله ابھی  
 از هر بها ئی است . در باب “ بسم الله الاحسب  
 الاحسب ” خطاب به اهل بیان می فرماید ای بسا که  
 سالها بگمان خود عبادت می کنید و لکن من یظهره الله  
 پس از ظهور به حساب شما رسیدگی می نماید و شما  
 را از اهل نار محسوب می دارد . در باب “ بسم الله  
 الارسل الارسل ” هدف ارسال همه رسل و کتب  
 الهی را عبادت الو هیت و ایمان به من یظهر ه الله  
 فرموده اند . اشارت لطیفه ایست بدین نکته که حضرت  
 من یظهر ه الله موعود همه کتب الهی است . نکات  
 مهمه دیگری نیز در کتاب الاسماء نازل گشته است  
 که به برخی از آنها اشارت می کنیم . در باب “ بسم  
 الله الاسف الاسف ” به دلائل خمسہ حقانیت مظا هر  
 ظهور ( با لخص ظهور رسول اکرم نقطه بیان و من  
 یظهره الله موعود ) اشاره می فرمایند . جوهر دلائل  
 مذکور حجیت و کفایت آیات الهی است . به وحدت  
 ظهورات الهیه تحت عنوان وحدت شمس ولی طلوع

آن در بروج مختلف اشاره میفرمایند . به "مناهج آثار  
خمسه" (شؤون خمسہ آثار مبارکہ ) تحت عنوان  
آیات، مناجات، خطب، علم و " کلمات الاعمیات"  
( بجای عبارت کلمات فارسیه) اشاره می فرمایند . در  
این اثر مبارک نیز به داود پیش از موسی و زبور  
پیش از تورات اشاره می فرمایند.

سر انجام باید به بیان مبارک دیگری از جمال ابھی  
اشارت نمود که علت نزول کتاب الاسماء را از  
ساحت فاطر السماء توجه به یوم بدیع من یظهره الله  
فرموده و می فرمایند که نقطه بیان هر اسمی را  
( هر مومن مذکور در کتاب الاسماء را ) با یمان به  
اسم اعظم تو صیه فرموده اند.

جناب ابو القاسم افنان در کتاب عهد اعلي ص ۴۴۷  
این اثر را چنین معرفي فرموده اند:

این کتاب کمیاب که به زبان عربي نازل شده است،  
حجیم ترین و مفصل ترین اثر از آثار منزله از قلم  
حضرت باب می باشد و محتملا حدود چهار برابر  
قرآن مجید است. این کتاب در آذربایجان و بعد از  
کتاب بیان نازل گردیده است. تقسیمات آن برابر

ارزش کلمه " کلشي " يعني بر اساس نوزده واحد و نوزده باب است.

هر يك از ابواب نوزده گانه در وصف اسمي از اسماء الله نازل و به چهار قسمت با عناوين متمايز آيات ، مناجات، خطب و صور علميه تقسيم شده و با آيه اي شبيه به اسم " بسم الله الارفع الارفع " كه در باره معرفت اسم الله الرفيع است ، آغاز مي گردد. به علاوه ، هر يك از ابواب مذکور به ايام و هر يك از واحد ها به شهر مرتبط است ولي اين ارتباط به روزها و شهر معين تخصيص داده نشده است. مطالب مهم و عمده منزله در اين سفر عظيم اغلب در ذكر "من يظهروه الله " و اشاره به ظهور اوست. مخاطبين كتاب نفوس مختلفه اعم از مؤمن يا غير مؤمن مي باشند.

۶۷- منظور از الواح عربیه به تفصیل ذکر

شده در ایقان جواهر الاسرار است

این لوح مبارک از نازله در بغداد و قبل از نزول کتاب مستطاب ایقان و اظهار امر مبارک می باشد و در جواب سوالات سید سدهی است که ساکن کربلا بوده در کتاب ایقان می فرمایند در آیات عربی به تفصیل ذکر شده منظورهمین جواهر الاسرار است .

این لوح مبارک بسیار مفصل و در حدود ۹۰ صفحه می باشد و بلافاصله بعد از وصول سولات نازل شده زیرا در آخر لوح اشاره به این که مطالب را به علت ضیق وقت با عجله مرقوم فرموده اند و قاصد مسافر منتظر جواب است مسائل مطروحه در این لوح مبارک عبارتند از شرح بلایا و مصائبی که هیکل مبارک تحمل نموده و زجر و عذابی که از اهل بیان و اعمال آنان برده اند تفکر در علل احتجاج امم قبل و

بعضی علامات وارده در اناجیل اربعه ( لوقا - متی - مرقس - یوحنا ) مقصود از ابدیت شریعت و امتحانات الهیه - وحدت مظاهر مقدسه جابلقا و جابلسا ، علل اعراض نفوس ، لقاء الله و قیامت و معنی موت و حیات و غیره است .

این لوح گرچه از نظر مسائل عرفانی با رساله هفت وادی متفاوت است ولی از بعضی از جهات دیگر به آن شبیه می باشد و هنگامی که مراحل هفت گانه سیر و سلوک انسان را بیان می فرمایند و از مدینه الطلب و مدینه العشق و مدینه التوحید و حقیقه التفرید و مدینه الفنا و غیره سخن می رانند بی اختیار مطالب هفت وادی تداعی می شود از طرفی هم این لوح تشابه بسیاری با ایقان مبارک دارد که معانی مستوره در کتب سماوی را تشریح می فرمایند در حقیقت رساله جواهر الاسرار حلقه ارتباطی بین کتاب مستطاب ایقان و هفت وادی می باشد سائل این لوح که از



سرنوشتش اطلاعی در دست نیست مورد عنایت  
حق بوده زیرا در نفس لوح او را به السالک فی  
سبیل العدل و الناظر الی طلعه الفضل و الماشی  
فی بیدا المعرفه و الساکن فی سفینه الحکمه و یا  
اخی خطاب می فرمایند نا گفته نماند که کتاب  
گنج شایگان صفحه ۲۸ مخاطب جواهر الاسرار را  
حاجی سید محمد اصفهانی مجتهد ساکن نجف  
دانسته و شرح ایمان آوردن او و عاقبتش را ذکر  
نموده است که مبنی بر اشتباه است و طبق تائید  
معهد اعلی بنا بر نوشته نبیل زرندی این لوح به  
افتخار سید یوسف سدهی نازل شده و نسخه اصل  
به خط میرزا منیب کاشانی در ارض اقدس موجود  
و در مرکز جهانی محفوظ می باشد و بخط جمال  
مبارک در حاشیه آن مرقوم شده ( این رساله در  
جواب سائلی نوشته شد که سوال نموده بود از  
مهدی موعود که چگونه تبدیل شد به علی قبل  
محمد ، لهذا این سوال دستاویزی شد که مطالبی

که مقصود بود از هر قبیل و برای سالکان و  
واصلان همه نافع و مفید است لو انهم بفطره  
التنظرون) نسخه اصل به خانواده جناب ورقا تعلق  
داشت و هم اکنون در ارض اقدس می باشد  
سرکار خانم افنان مقاله مبسوط و مفصل و جالبی  
در معرفی این اثر مبارک مرقوم فرموده اند که  
در مجله عندلیب شماره ۶۹ صفحه ۲۹ درج شده و  
ما خلاصه ای از آن را اینجا نقل میکنیم :

جوهر الاسرار از آثار جمال اقدس ابهی است که  
تماما به لسان عربی در عراق و در جواب  
سوالات سید یوسف سدهی نازل شده است

طبع این اثر برای اولین بار در سنه ۱۲۹ بدیع  
توسط موسسه ملی مطبوعات امری در ایران  
ضمن "آثار قلم اعلی" جلد سوم همراه با "هفت  
وادی" و "چهار وادی" و "مثنوی مبارک" و  
"قصیده عز ورقائیه" به چاپ رسیده است تعداد  
صفحات این اثر مبارک ۸۸ صفحه و هر صفحه

شامل ده خط می باشد .

جوهر الاسرار شامل مسائل استدلالی و عرفانی است یعنی از جهتی شبیه کتاب مستطاب ایقان و از طرفی مشابه آثار عرفانی جمال قدم مانند هفت وادی است .

در ابتدا جمال قدم سائل را به تفکر در علت عدم ایمان ملل مختلفه به رسول خدا در هر عصر و زمان و مخالفت و اعتراض آنها بر انبیای الهی راهنمایی فرموده سپس به توضیح این مطلب می پردازد که ملل یهود و نصاری چون لحن کلام الهی را نفهمیدند بالنتیجه به آنچه خدا وعده فرموده بود نرسیدند و به جای آنکه ناظر به نفس حجت باشند از علما و روسای خود تبعیت کردند لذا موفق به شناسائی مظهر ظهور الهی نشدند سپس اناجیل اربعه متی ، مرقس ، لوقا و یوحنا به ترتیب درباره علائم ظهور بعد تاریکی شمش و قمر ، سقوط ستارگان ، ضیق و تنگی آمدن ابن

الانسان بر روی ابر و سایر علامات ظهور ملکوت الله و آمدن "روح القدس معزی" و "روح الحق" استشهاد نموده می فرمایند که از مدعیان علم (مقصود علمای ادیان) بپرسند که درباره این آیات و اشارات و بسیاری دیگر از کلمات الهی چه می گویند اگر آنها را کلام الهی می دانند ولی بر حسب ظاهر معنی می کنند چرا بر "اهل کتاب" یعنی یهود و نصاری که کافر شدند و پیروی علمای خود نمودند اعتراض می کنند، زیرا آن نفوس هم به تبعیت از علمای خود و تفاسیر آن ها منتظر ظهور همه این علامات به حسب ظاهر بودند و چون چنین نشد بر مظاهر الهی وارد کردند آنچه که در کتب موجود است و هنوز هم که هنوز است منتظر ظهور آن علامات هستند سپس می فرمایند باید از خدا بخواهیم که ما را در مدینه علم الهی وارد کند تا قادر بر فهم اسرار ربانی شویم زیرا بدون آن هرچه از جواهر

الاسرار حکمت در قالب این کلمات مبارکه القا  
شود قادر بر فهم و درک نخواهیم بود دنباله این  
کلام فصلی مبسوط در توضیح مطلبی است که در  
تمام اسفار اناجیل آمده است و آن اینکه آسمان و  
زمین ممکن است زائل شود ولی کلام آن حضرت  
هرگز از میان نخواهد رفت در اینجا اعتراضات  
علمای نصاری را با اعتراضات علمای اسلام در  
مورد قائم مقایسه میفرمایند که اینان نیز معانی  
قیامت و ، نوح صور و نصب صراط و غیره را  
بر حسب ظاهر گرفتند و مردم نیز چون تبعیت  
آنان نمودند از عرفان ظهور محروم ماندند سپس  
برای هدایت سائل به درک و فهم بهتر آثار کتب  
مقدسه شرح مبسوطی در ذکر " مقامات سلوک "  
عبد در اسفار خود به سوی مبدا خویش یعنی  
خداوند بیان می فرمایند و همانطور که ابتدا اشاره  
شد این قسمت تشابه زیادی با " هفت وادی " دارد  
ولی در اینجا مراحل مختلف سلوک به حدیقه و

مدینه تمسیه شده است .

مطالب این رساله متناسب با سولات سائل و مکاتیب عرفتی متداول در آن زمان است که آنها نیز با یکدیگر متفاوت بوده اند مثلا جمال قدم در اثر مبارک به نام " هفت وادی " از وادی های طلب ، عشق ، معرفت ، توحید ، استغنا ، حیرت و فنا نام می برند و به توضیح و تفصیل مطالب مربوط به هفت وادی می پردازند در حالی که این اثر مبارک یعنی جواهر الاسرار از حدیقه و یا مدینه و یا مدینه طلب عشق ، توحید ، حیرت و فنا و مدینه ای که اسم و رسمی ندارد نام می برند و بالاخره فقط به ذکر دو سفر تسلیم و رضا اکتفا می فرمایند .

در این اثر مسائل استدلالی و عرفانی با هم آمیخته است و برای رفع شبهات و اشارات به این ظهور مقدس ، هر شخص طالبی باید مراحل عرفان و سلوک را طی نماید و خود را برای شناسائی

حقیقت آماده کند البته مراتب سلوک و وصول  
برای افراد یکسان نیست بعضی باید مراحل  
متعدده را طی کنند و برخی در یک لحظه و آن  
قادر به طی همه اسفار و درک اسرار می گردند  
دانشمند فقید ادیب طاهر زاده در کتاب نفحات  
ظهور و وحید بهمدی در سفینه عرفان جلد دوم  
صفحه ۱۷۰ مقالات مبسوط و جالبی در معرفی  
این لوح مرقوم داشته اند که بر بصیرت و  
معلومات بسی بیفزاید.

برای اطلاعات بیشتر درباره این اثر شریف و  
مهم به منابع زیر مراجعه شود .

سفینه عرفان جلد دوم صفحه ۱۷۰

نفحات ظهور حضرت بهالله جلد اول صفحه ۷۰

رساله مجمع تحقیق جلد ۲ صفحه ۱۶۵

گنج شایگان صفحه ۲۷

مجله عندلیب شماره ۶۹ صفحه ۲۹

مجله عندلیب شماره ۷۷ صفحه ۶۸

۶۸- منظور از صحیفه فاطمیه کلمات مکنونه

است

کلمات مکنونه از آثار نازله در بغداد و بعد از مراجعت از سلمانیه در سال ۱۲۷۴ هجری قمری تقریباً حدود پنج سال قبل از اظهار امر علنی در باغ رضوان می باشد این کلمات عالیات در کنار رود دجله هنگامی که هیکل مبارک مشی می فرمودند نازل شده و از دو قسمت عربی و فارسی تشکیل شده بخش فارسی آن شامل ۸۲ قطعه و یک موخره و قسمت عربی آن شامل ۷۱ قطعه و یک مقدمه می باشد و در اوائل به صحیفه مخزونه فاطمیه معروف بود در احادیث اسلامی مسطور است که بعد از رحلت حضرت رسول جبرئیل برای تسلی خاطر حضرت فاطمه از طرف خداوند متعال صحیفه ای آوردند که بوسیله حضرت علی کتابت شد و صحیفه مخزونه فاطمیه معروف شد که باید توسط قائم موعود نازل گردد



و کلمات مکنونه فارسی بیشتر دستورات اخلاقی و کلمات مکنونه عربی در مورد حقایق روحانی است این بیانات عالیه چون به صورت پراکنده و گوناگون نازل شده بعدا بدستور حضرت به‌الله توسط زین المقربین جمع آوری گردیده در استنساخ آن چه از نظر تقدم نزول آیات و چه در انشای بعضی کلمات تفاوت هائی به چشم می‌خورد که در مورد ترتیب آیات چون مطالب از هم مجزا است تقدم و تاخر آن چندان مهم نیست ولی تغییر شکل کلمات که در آثار بی توجهی استنساخ شده باعث تغییر مفهوم بیانات مبارکه می‌گردد مثلا در نسخه ای بقعه مبارکه زمان نقطه آن افتاد و بقعه مبارکه زمان شده زیرا کاتب نقطه زمان را ضمه دانسته در حالیکه بقعه مبارکه زمان ریشه اساطیر دارد .

جناب فاضل مازندرانی در یکی از جلسات درسی خود گفته اند : می‌گویند در زمان حضرت نوح

یک فیلسوف روحانی به پادشاه وقت طوفانی را  
پیش بینی می کند و علت آن را نیز نفرین حضرت  
نوح ذکر می نماید پادشاه علاج و چاره را میجوید  
و فیلسوف دژی می سازد که طوفان در آن اثر  
نکند و نام آن دژو قلعه بقعه زمان است.

کلمات مبارکه مکنونه گذشته از این که در آثار  
مبارک این ظهور اعظم بی نظیر است بجزات می  
توان که در هیچیک از آثار گذشتگان و کتب دینی  
قبل نظیر و مثلث ندارد و از لسان و قلم هیچکدام  
از شارعین ادیان سابقه کلماتی به این خلوت و  
سادگی که در عین حال دقیقترین و لطیفترین  
دستورات اخلاقی و حقایق الهیه را گوشزد نماید  
صادر نشده است و هیچیک از مربیان و استادان  
علم و اخلاق و جامعه شناسی نتوانسته اند این  
چنین عالمانه جامعه ای را راهنمایی نمایند.  
جمال قدم جل اسمه الاعظم در ۸۳ قطعه کلمات  
مکنونه فارسی و ۷۱ قطعه کلمات مکنونه عربی

با چنان شیوائی و انسجام خط مشی اخلاقی و روحانی اهل بها را تعیین فرموده اند که اگر واقعا به آنها عمل شود جهان بهشت برین گردد بی ارزش بودن عالم خاکی و امور متعلق به آن و در مقابل عظمت و ابدیت عالم ملکوت را مکررا گوشزد فرموده و ناس را نصیحت می فرمایند که از دنیا دل بردارند و خود را به اسباب زرد و سرخ نیالایند از ظلم و غیبت دروغ و فریب بپرهیزند تا از نیستی و فنا و محنت و خطا فارغ گردند و از قفس امکان به بهشت لامکان بخرامند . در اهمیت کلمات مکنونه حضرت به الله جل اسمه الاعلی در لوحی می فرمایند:

از قبل این مسجون کلمات مکنونه که از مشرق علم ربانیه در این طلّیعه فجر رحمانیه اشراق نمود بر احبا القا نمایند تا کل به انوار کلمه منور شوند و وصایای الهی را امام وجوه خود نظر نمایند که مبدا غافل شوندو محتجب مانند

و حضرت عبد البها می فرمایند  
کلمات مکنونه و لئالی مخزونه که از قلم  
حضرت بهالله صادر در بغداد در سنه  
۱۲۷۴ هجری قمری نازل شده است

همچنین می فرمایند

به موجب تعالیم حضرت بهالله عمل نمایند نه  
آنکه فقط بخوانید بلکه عمل به موجب کلمات  
مکنونه و سایر وصایای الهیه نمایند هر چه  
من بگویم نمی از بحور قلم اعلی و قطره ای  
از بحر زخار فضل و عطای جمال ابهی نمی  
شود باید کلمات مکنونه فارسی و عربی را  
لیلا و نارا قرائت نمائیم و تضرع و زاری کنیم  
تا بموجب این نصایح الهی عمل نمائیم کلمات  
مقدسه به جهت عمل نازل شده نه به جهت  
استماع

حضرت عبد الهما در لوح محمد آباد قزوین  
میفرمایند قوله العزیز: هر نفسی بملکوت ابھی  
توجه نماید و منقطعا عما سوی الله سیر و  
سلوک فرماید کلمات مکنونه بخواند و به  
موجب آن عمل نماید و یقین بداند که منصور  
و مظفر گردد و موید و موفق شود این کلمات  
وصایای قطعیه و نصایح کلیه الهیه است  
فریضه مبرمه است که بخوانند و بموجب آن  
عمل شده نه جهت محض خواندن بسیاری از  
نفوس تلاوت نمایند ولی ابا در فکر عمل به  
آن نیستند .

حضرت ولی امر الله این گنجینه گرانبها را جواهر  
تابناک فرموده و آن را به انگلیسی ترجمه نموده  
اند در ترجمه هیکل مبارک فقرات ۱۹ و ۲۰ تحت  
یک شماره ذکر شده و حضرت عبدالبها قرائت آن  
را در لیل و نهار توصیه فرموده و عمل به موجب  
آن را امر فرموده اند و حضرت بهاءالله آنرا

مجموعه ای از حقایق می دانند که از قبل از لسان  
انبیای عظام بر بندگان نازل شده.

آنچه مسلم است فصول مختلف این کلمات الهیه در  
ابتدا به صورتی که اکنون گرد آمده نبوده ولی بعدا  
اراده مبارک جمال اقدس ابهی بر جمع آوری و  
اتیلاف آنها قرار گرفت در این مورد خطاب به  
زین المقربین چنین می فرمایند : از کلمات  
مکنونه ذکر نموده بودید بعضی از آن در یک  
لوح مره واحده نازل ولکن در بعضی احیان  
فقرات دیگر نازل شده بعضی کل را جمع  
نموده اند و بعضی متفرق است اگر جمع شود  
احسن بوده

جناب زین المقربین بعد از اطلاع از اراده مولای  
خویش به جمع آوری آیات الهیه پرداخت ولی  
چون ترتیب قطعات مختلف آن معیاری نبود نسخ  
مختلف با ترتیب متفاوت در تقدم و تاخر فصول  
آن به دست آمده که البته به سبب استقلال هر

فصل در اصل بیانات مبارکه خلی و ارد نمی کند  
چون در نقل و قول بیانات مبارکه حضرت ولی  
امر الله درباره کلمات مکنونه در کتاب انوار  
هدایت اشتباهی رخ داده بود اصلاحیه زیر درین  
باره صادر گردید .

موضوع اصلاحیه یک فقره از انوار هدایت  
توقیرا خطر آن ذوات نورانیه را مستحضر میدارد  
فقره ۱۶۳۱ از انوار هدایت که ( از نشر ۱۹۸۸ )  
به صورت زیر ترجمه شده ، در نشر جدید نسخه  
انگلسی کتاب مزبور ( نشر ۲۰۰۱ ) بکلی حذف و  
بیان صحیح جاگزین آن شده است از آنجا که مفاد  
این دو کاملاً باهم مابینت دارد ، در صورتی که  
صلاح می دانند مقرر دارند به مراکزى که متن  
فازسى کتاب مزبور در اختیار دارند ابلاغ گردد  
این فقره حذف و فقره جدید جایگزین آن گردد  
ضمناً آنچه که قبلاً از قبل حضرت ولی امرالله نقل  
شده بود بالمره اشتباه بود .

۱ - متن قدیم ( فعلی ) : عنوان کلمات مکنونه را جمال اقدس ابهی عنایت فرموده اند زیرا در اسلام حدیثی است به این مضمون که حضرت فاطمه ، دخت گرامی حضرت محمد ، صلوات الله علیه ، به مناسبت شهادت فرزندش (حضرت امام حسین ع ) بیش از حد محزون و متالم بود آنقدر که خداوند حکیم جبرئیل را مامور فرمود ، کلماتی تسلی بخش بر قلب حزین او القا نماید و این کلمات مکنون بودند یعنی این که فقط حضرت فاطمه به استماع آنها فائز شدند تا این که در این ایام آخرین موعود و محبوب عالمین ، آنها را ظاهر و نازل فرمود و بدینسان وعده حق محقق گشت ... " ( توقیع منیع صادر از حضرت ولی امر الله خطاب به یک نفر از احبا مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۹ )

۲- متن جدید ( که باید جایگزین شود " کلمات مبارکه مکنونه بدوا به مناسبت " صحیفه مخزونه



فاطمیه که به اعتقاد شیعیان باید یوم ظهور نزد  
قائم موعود موجود باشد ، به همین نام موسوم  
گردید صحیفه مذکوره صحیفه ای بود که جبرئیل  
به امر الهب برای حضرت فاطمه آورد و حضرت  
علی علیه السلام آن را کتابت فرمود و تلاوتش در  
احیائی کمه مخدره کبری از رحلت پدر بزرگوار  
غرق دریای احزان و تاثرات شدید بود ، مایه  
تسلی و تشقی خاطر مبارکش می گردید این جوهر  
تعالیم الهی و زبده نصایح آسمانی که برای تلطیف  
ارواح و ارتقا حقایق بشریه به عوالم عز روحانیه  
از قلم مالک البریه نازل گردیده ، عظمت مقام و  
علو و مراتبش از بیان مقدسی که در فاتحه آن  
اوراق مندرج و مسطور است معلوم می گردد  
قوله الاعز الاعلی " هذا ما نزل من جبروت العزه  
بلسان القدره و القوه علی النبیین من قبل .

## ۶۹- منظور از کتاب الجزا بیان عربی است

این کتاب مبارک بعربی در ماکو نازل شده است  
تنها عباراتی از واحد نخست بفارسی است کتاب  
بیان فارسی بحقیقت توضیح مفصل تری است بر  
بیان عربی بیان عربی گاه در آثار حضرت باب "  
کتاب الجزا " نیز نامیده شده است این کتاب نیز  
چون بیان فارسی اتمام نپذیرفته و تا باب نوزدهم  
از واحد یازدهم آن نازل گشته است در متن کتاب  
قریب هفتاد بار نام مبارک موعود بیان حضرت  
من ینظر الله بتصریح و تلویح آمده و در آخرین  
بخش آن ( باب نوزدهم از واحد یازدهم ) تاکید  
گشته است که اگر اهل بیان من ینظر الله را  
نصرت نمی نماید لا اقل او را محزون نسازند .  
این کتاب در ایران توسط ازلیه بطبع رسیده است  
در مقدمه متن مطبوع قید شده که این کتاب با  
نسخه موجود بخط حضرت باب ( تا آخر باب  
نوزدهم از واحد نهم ) تطبیق گشته است ضمنا

بیان گردیده که در نسخه اصلی اکثر حروف بی نقطه نوشته شده است بهر سواد نسخه موجوده بخط حضرت باب نیز بمتن مطبوع پیوست گردیده است در بیانات مبارکه طلعات مقدسه بهائیه اشاراتی بدین نسخه شده است و از بیان حضرت ولی امر الله در متاب روشن می شود که حضرت باب محتوای بیان فارسی و عربی را صرفا به کاتب مبارک دیکته فرموده اند . لذا احراز اصالت سواد شکسته منسوب به حضرت باب موکول به معاینه دقیق و تطبیق نسخه عکسی با خط اصلی نزولی وسیله متخصصان در خط شناسی است و پیش از آن هر گونه اظهار نظر بی ثمر است باید توجه داشت که میرزا یحیی ازل سالها تلاش نموده است تا از شیوه خط نویسی حضرت باب تقلید نماید و گاه آثار مبارکه و غالبا مطالب مجعوله خود را بشیوه مبارک نوشته و منتشر نموده که تفتیک آن از خطوط اصل مبارک کاری حساس و

دقیق و در عهده متخصصان و کارشناسان  
برجسته و بسیار عمیق است متن کتاب بیان عربی  
وسيله نیکلا و بخش هائی از آن بهمت گوبنیوی  
فرانسوی به زبان فرانسه ترجمه شده است

نقل از کتاب شرح حال و آثار حضرت باب ۸۶۸

۷۰- منظور از لوح شهادتی یزد لوح تایمز

است.

این لوح مبارک با مطلع (هو المبین الصادق  
الامین ، کنا ماشئیا فی البیت و سامعا حدیث  
الارض اذا ارتفعت النداء من الفردوس الاعلی ...  
امروز روز نشاط و انبساط است لعمری در ملا  
اعلی بساط فرحی گسترده شده که برجیده نشود)  
شروع می شود.

چون در آن روزنامه تایمز لندن مورد خطاب واقع  
شده بنام لوح تایمز معروف است همچنین چون در  
آن واقعه شهادت شهدای سبعه و ظلم و اعتساف  
ظالمین اشاره رفته بنام لوح شهدای یزد نیز  
معروف شده کما اینکه در مائده آسمانی جلد ۴  
صفحه ۱۲۴ این لوح تحت عنوان لوح شهدای یزد  
درج شده است .

لوح تایمز که در آن شرح شهادت مظلومانه  
شهدای سبعه یزد منعکس است تقریبا یکسال قبل

از حادثه مولمه صعود هیکل مبارک یعنی در  
اواخر سنه ۱۳۰۸ هجری قمری از قلم جمال قدم  
عز نزول یافته و محل نزول آن نیز مدینه حيفا می  
باشد در این لوح مبارک خطاب به روزنامه تایمز  
می فرمایند یا تمیس ( تایمز ) یا دارای گفتار و  
مطلع اخبار یک ساعت بر مظلومهای ایران بگذر  
و ببین مشارق عدل و مطالع انصاف زیر شمشیر  
اصحاب اعتساف مبتلا ...

یا اوراق اخبار مدن و دیار آیا حنین مظلومان را  
شنیدید و نوحه ایشان به سمع شما رسید و یا  
مستور مانده امید آنکه تجسس فرمائید و بر اعلای  
آنچه واقع شده قیام کنند

در قبال وقایع دهشت بار مولمه یزد و وقوع  
شهادت شهدای سبعة عکس العمل جمال قدم  
تمسک به اصل تظلم است تا ناله و حنین این  
مظلومان و ملهوفان را به گوش قریب و بعید  
رسانند و وجدان های بیدار را نسبت به وسعت و

شدت و وخامت شرایطی که بهائیان در آن به سر  
میبرند مطلع سازند .

جمال قدم شروع مصائب وارده بر احبای یزد را  
خطاب به جریده تایمز لندن مرقوم می دارند و  
برای اولین بار نشریه ای مشهور و معتبر را در  
قلب تمدن و فرهنگ اروپائی وسیله قرار میدهند  
تا مظالم وارده بر جامعه بهائی ایران را به اطلاع  
جهان آزاد برساند .

هم زمان با نزول لوح تایمز لوح دیگری که  
تقریبا مشابه آن بود و تمامی وقایع مخزنه مولمه  
یزد را شرح داده اند که در نهم شوال  
۱۳۰۸ بفرمان جلال الدوله حاکم یزد صورت  
گرفته و از لسان خادم الله خطاب به سید احمد  
افنان نازل شده که مشتمل بر شرح مصائب و  
مشاکل یاران ایران در آن ایام است سید احمد  
افنان فرزند میرزا سید حسن کبیر است ایشان  
همچنین داماد میرزا تقی افنان وکیل الحق بانی

مشرق الذکار عشق آباد که یکی از ۲۴ پیر مذکور  
در آثار می باشند هستند.

این لوح مبارک که از آثار نازله در حيفا می باشد  
در پژوهشنامه سال ۲ شماره ۱ صفحه ۱۱۵ در  
رحیق مختوم جلد ۱ صفحه ۴۶۵ مائده آسمانی جلد  
۴ ص ۱۲۴ مندرج است و در گنج شایگان که در  
معرفی آثار مبارکه می باشد نامی از این لوح برده  
نشده است

برای اطلاع بیشتر از مضامین این لوح به منابع  
زیر مراجعه شود

پژوهشنامه سال ۲ شماره ۱ صفحه ۱۱۹ و ۱۲۳

مصابیح هدایت جلد ۲ ص ۱۷۱

آل الله ۴۳۵



۷۱- منظور از صحیفه حمراء منقول در لوح

ابن ذئب کتاب عهدی است

در صفحه ۱۰۳ جلد اول تحت عنوان منظور از

کتاب عهدی وصیت نامه حضرت بهاء الله است

این لوح مبارک معرفی شده است مراجعه فرمائید

۷۲- منظور از اکبر الواح در توقیع احبای

غرب کتاب عهدی است

ماخذ گاد پسرزبای

در صفحه ۱۰۳ جلد اول این لوح مبارک معرفی شده

است

۷۳- منظور از اعظم کتب در آثار حضرت  
اعلی کتاب الروح می باشد .

به جلد اول صفحه ۱ تحت عنوان کتاب العلویه  
مراجعه شود .

## ۷۴- منظور از سوره السلطان لوح احبای سلطان آباد است .

این لوح مبارک که با این بیانات عالیه شروع می شود  
هذه سوره السلطان قد نزلت من جبروت الرحمن به  
آیات مهیمن مبرم قدیم هو الابدع الاقدس الابهی ...  
از آثار نازله در عکا می باشد و مخاطب آن مشخص  
نشده چون در ضمن لوح به مخاطب فرموده اند که به  
احبای سلطان آباد که نام قدیم اراک فعلی بوده پیام  
مبارک را ابلاغ کنند لذا این لوح به لوح السلطان و  
سوره السلطان معروف شده است . این لوح مبارک  
در آثار قلم اعلی ج ۴ ص ۱۵۴ و مجموعه محفظه  
آثار شماره ۳۷ ص ۴۰ مندرج است . برای اطلاع  
بیشتر درباره این لوح به منابع زیر مراجعه شود :

گنج شایگان ص ۱۹۳

آل الله ص ۴۷۵

## ۷۵- منظور از لوح شیر مرد لوح هفت

پرسش است .

این لوح مبارک خطاب به استاد جوانمرد و به افتخار پارسیان است که در عکا نازل گردیده است و در جواب اسئله استاد جوانمرد است که از راه پرسش خدا و کیش آئین های متعدد و شاه بهرام و پل صراط و نژاد مبارک پرسیده بود می باشد و با این عبارت آغاز می گردد به نام گوینده دانا ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب بخشش جهان را روشن نمود از با بحر اعظم هویدا و از هاهویه بحته ، اوست توانائیکه توانائی مردم روزگار او را از خواست خود باز ندارد ...

استاد جوانمرد که از پیشوایان دیانت زرتشتی بود و به امر مبارک مومن شد اولین بهائی زرتشتی است که بنا به وصیت خود طبق مراسم و آئین بهائی مدفون شد . این لوح مبارک در مجموعه الواح مبارک چاپ مصر صفحه ۲۴۰ و کتاب اشراقات صفحه ۲۳۱ و دریای دانش صفحه ۶۳ مندرج است در محاضرات

جلد ۱ صفحه ۵۸۰ و اسرار الآثار جلد ۵ صفحات  
۲۴۱ و ۲۷۴ مطالبی درباره این لوح و مخاطب آن  
آمده است .

## ۷۶- منظور از لوح بشارات همان لوح ندا

می باشد .

این لوح مبارک که به نام لوح ندا و روح حیوان نیز معروف است از الواح صادره در عکا است حضرت بهاءالله در یکی از الواح خطاب به جناب حاجی ابوالحسن اردکانی امین حقوق الله می فرماید : یا امین چندی قبل لوح امنع اعظم اکبر ابهی که در مقامی به ندا تعبیر شده و در مقامی دیگر به روح حیوان و رتبه اخری به بشارات ...

حضرت ولی امرالله در رساله آئین بهائی نام این لوح مبارک را به نام لوح ندا ثبت فرموده اند این لوح مبارک حاوی مطالب مهمه از جمله ۱۵ بشارت است از جمله محو حکم جهاد معاشرت با ادیان - وحدت لسان و خط - خدمت به سلاطینی که به احبا اعانت نموده و آنها را حفظ نمایند امانت و صداقت ، صلح اکبر ، اختیار لباس و ریش ، نهی از عزلت و گوشه نشینی ، عدم استغفار نزد غیر ، رفع حکم محو کتب ، تحصیل علوم نافع ، لزوم تشکیل بیت العدل ، واجب

نبودن مسافرت برای زیارت قبور و طرز حکومت و  
غیره . این لوح مبارک را در آثار زیر می توان  
زیارت نمود

مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ص ۱۱۶

نبذه من تعالیم مبارکه ص

مجموعه الواح چاپ آلمان ص ۱۰



۷۷- منظور از لوح روح الحيوان لوح بشارت  
است .

به صفحه ۱۶۸ همین کتاب مراجعه شود .

۷۸- منظور از لوح سبحانک یا هو لوح ناقوس است .

اثر مهم دیگری که در اسلامبول نازل گردید لوح ناقوس می باشد . این لوح مبارک از آثار نازله در اسلامبول است و به سال ۱۲۸۰ هجری قمری بر حسب خواهش آقا محمد علی اصفهانی نازل گشته و معمولاً در شب بعثت حضرت اعلی تلاوت می گردد . چون در این لوح آیه سبحانک یا هو یا من هو یا من لیس احد الا هو تکرار می گردد به لوح سبحانک یا هو نیز معروف است ولی چون بعد از مقدمه و شروع لوح می فرمایند یا راهب اضرب علی الناقوس ... لوح ناقوس نامیده می شود .

این لوح مبارک را در رساله ایام تسعه ص ۱۰۰ و ادعیه حضرت محبوب ص ۱۴۱ و ابواب ملکوت ص ۴۰ می توان زیارت نمود .

۷۹- منظور از لوح محفوظ منقول در یادنامه  
مصباح منیر صفحه ۳۷۲ کتاب عهدی است .  
به جلد ۱ صفحه ۱۰۳ مراجعه شود .

۸۰- منظور از لوح رئوس لوح اصل کل خیر

است . قاموس اقدس ص ۷۶

در صفحه ( ) همین کتاب تحت عنوان لوح کلمات  
مطالبی در معرفی این لوح مبارک نگاشته شده است .

## ۸۱- منظور از لوح هودج لوح سامسون است.

این لوح مبارک که به لوح سامسون نیز معروف است در نزدیکی بندر سامسون بین بغداد و اسلامبول به سال ۱۲۸۰ هجری قمری مطابق آگست ۱۸۶۳ به خواهش آقا جان خادم الله نازل گردید حضرت ولی امرالله در معرفی این لوح در GOD PASSES BY به این مضمون می فرمایند ( چون هیکل مبارک به بندر سامسون نزدیک شدند و از میان هودج بحر اسود را مشاهده فرمودند به خواهش میرزا آقا جان خادم لوحی موسوم به هودج از لسان اطهر جاری شد در این لوح منیع مبارک به ظهور امتحانات و فتن عظیمیه اشاره فرموده اند و حوادث مندرجه در لوح ملاح القدس را تاکید نموده و از وقوع بلیات و امتحانات شدید خیر داده اند )

این لوح مبارک در کتاب لئالی حکمت صفحه ۱۲ مندرج است در کتاب محبوب عالم می نویسد تمام این تاکنون به طبع نرسیده است .

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه شود :

گنج شایگان صفحه ۶۷

آل الله ص

۸۲- منظور از لوح زیر جدی کتاب عهدی

است . ماخذ مائده آسمانی جلد ۲ صفحه ۹۶

برای اطلاع در این باره به جلد ۱ صفحه ۱۰۳ تحت

عنوان کتاب عهدی وصیت نامه حضرت بهاء الله است

مراجعه شود .

### ۸۳- منظور از رساله سلوک هفت وادی است

رساله هفت وادی یا رساله سلوک از آثار نازله در بغدادیه سال ۱۲۷۶ می باشد که در جواب اسئله شیخ محی الدین قاضی خانقین نازل گردیده است .

موضوع اصلی هفت وادی سیر و سلوک روح انسانی در این عالم فانی به عوالم تقرب در ساحت الهی است و هفت مرحله یا هفت شهر یا وادی را که در آن طالب حقیقت باید در سبیل نیل به مقصود خود طی کند معرفی و شرایط و خصوصیات هر وادی را شرح می دهند که عبارتند از وادی طلب - وادی عشق - وادی معرفت - وادی توحید - وادی استغنا - وادی حیرت و وادی فقر و فنا . محی الدین قاضی خانقین از اعظم مشایخ تصوف در کردستان بود که از معانی اشعاری از حضرت بهاءالله پرسش کرده بود و رساله هفت وادی در جوابش نازل گردید بفرموده حضرت ولی امرالله هفت وادی معدن رموز و اسرار لطیفه و گنجینه لئالی و ذخایر احدیه محسوب



است مطالب هفت وادی شباهت بسیاری به مطالب  
جوهر الاسرار دارد .

این رساله یک بار توسط علی قلی خان نبیل الدوله به  
انگلیسی ترجمه شده یکبار هم در مجله کیهان اندیشه  
شماره ۷۴ به عنوان رساله خطی از نویسنده ای  
ناشناس درج شده است .

این رساله را در آثار قلم اعلی جلد ۳ ص ۹۲ می  
توان زیارت نمود این رساله در سال ۱۳۳۱ هجری  
قمری در بمبئی در قطع رقمی در ۶۰ صفحه طبع و  
نشر شده است .

برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه شود :

رساله سیر و سلوک از فریدالدین رادمهر

مقدمه مجمع السرار جنون به قلم جمشید فنائیان

مقاله رابرت مک لی گیلولیک

مقاله ادیب طاهرزاده در معرفی این اثر

سفینه عرفان جلد ۲ ص ۱۰۷ مقاله دکتر رافتی

سفینه عرفان جلد ۲ ص ۹۷

نفحات ظهور جلد ۱ ص ۱۰۹

گنج شایگان ص ۱۷

رساله مجمع تحقیق جلد ۲ ص ۱۵۴

خوشه هایی از خرمن ادب و هنر شماره ۱ ص ۸۵

۸۴- منظور از لوح ایوب سوره البصیر است  
که به نام لوح مدینه البصر هم معروف است

سوره الصبر که به لوح مدینه الصبر نیز معروف است روز اول رضوان ۱۲۷۹ ( روز اظهار امر علنی هیکل مبارک ) در باغ رضوان به افتخار حاج ملا محمد تقی نیریزی ملقب به ایوب نازل گردیده است جناب ایوب که سر سلسله خاندان بزرگ و مومن ایوب زاده - صالحی - غفرانی - پاک ضمیر می باشد از متنفذین و ثروتمندان نی ریز بود که جزو پیروان حضرت وحید در آمد و در این راه دچار صدمات و بلیات بسیار گردید.

این لوح مبارک بسیار مفصل و بلسان عربی نازل گردیده است و در آن اشاره به وقایع خونین شده و شرح خدمات و شخصیت بر جسته وحید مطرح گشته و رنج و شکنجه بازماندگان شهداء و اعزام آنها و رئوس شهدا را به طهران بازگو فرموده و نسبت به احبای نی ریز بسیار اظهار مرحمت گشته و حتی هیکل مبارک بنفسه المقدس در مراسم تشییع جنازه و

تدفین جناب ایوب که در بغداد واقع شده شرکت فرمودند جناب احمد یزدانی مبلغ شهیر امرالله در معرفی این لوح مبارک در مجله آهنگ بدیع سال ۲۲ شماره ۲ صفحه ۵۱ طی مقاله مفصلي این لوح را معرفی می نمایند که خلاصه آن بقرار ذیل است:

وجه تسمیه این سوره مبارکه به مدینه الصبر و لوح ایوب این است که چون پس از اظهار و اعلان امر مبارک دوره مصائب و بلايا و شهادتهای جدیده و فیره برای پیروان آئین مقدس پیش خواهد آمد که مستلزم صبر و بردباري و فداکاری و جانفشانی و پایداری خواهد بود تا مخلصین و منقظین در آتش امتحان و افتتان با رخی روشن و صفاتی چون گلشن بدرخشند و بهمین مناسب است که در ابتدای لوح مبارک به این بیان احلی ذکرالله فی مدینه الصبر عبده ایوبا ... شروع و وقایع حضرت ایوب یکی از انبیای بنی اسرائیل را شرح می فرمایند

جناب ادیب طاهر زاده در کتاب نفیس نفحات ظهور حضرت بهاءالله طی شرح مبسوطی به معرفی این لوح منیع پرداخته اند که خلاصه ای از آن را ذیلا می

نگارد : ( سوره الصبر از لحاظ حجم تقریباً معادل يك چهارم كتاب ايقان است كه در آن خدمات جناب وحيد و داستان گرفتاري مومنين و مراتب شجاعت و فداكاري اصحاب را به تفصيل تشریح فرموده و مرتكبين اين اعمال وحشيانه را بشدت تقبيح و آنان را انذار مي فرمايند كه از غضب الهي بترسند و بدانند كه خداوند قهار بعدالت غالبه اش آنان را بجهت ظلمي كه در حق احبائي عزيزش روا داشته اند به سختي مجازات خواهد نمود در اين لوح مبارك احبائي ني ريز با بيانات شور انگيز مورد ستايش قرار گرفته و توصيه مي نمايند كه قدر اين هديه گرانبها را بدانند و از اينكه مورد فيض و عنايت خداوند قرار گرفته اند شكر گذار باشند همچنين جناب ايوب را با عبارات شوق انگيز ستايش نموده و نقش خطيري را كه آن نفس جليل در واقعه ني ريز ايفا نمود ياد آور مي شوند. در اين سوره مباركه به تفصيل داستان حضرت ايوب كه يكي از انبياي بني اسرائيل بود نقل نموده و امتحانات الهي را كه بر او وارد شده شرح مي دهند و سجيّه صبر را كه يكي از مهم ترين

خصائلي است که خداوند در انسان بودیعه گذاشته  
توجیه نموده مقام مومنین صبور در قبال بلایا را  
مورد ستایش قرار میدهند.

این لوح مبارک که در آستانه حرکت حضرت بهاءالله  
از عراق نازل گشته بود بر یاران آن سامان تاثیر  
فراوان گذاشت آنان را برای روزها ی پر فتنه و  
امتحان که حضرت بهاءالله از قبل پیش گویی فرموده  
بودند آماده نموده ضمنا معنی واقعی خاتم النبیین را  
توضیح فرموده استمرار شرایع را تاکید می فرمایند.  
جناب طاهر زاده در آخر مقاله خود می نویسد سوره  
صبر مانند بسیاری دیگر از الواح مقدسه جمال مبارک  
بحریست که جواهر بدیعه علم و حکمت در خود نهفته  
دارد این سوره مبارکه در موقعیتی بس خطیر و بی  
نظیر نازل شده یعنی در زمانی که نازل کننده آن در  
برابر احباب نقاب از عظمت مقامش بر گرفته وقتی  
که آمال و نوایای انبیای بی شمار در اعصار و ادوار  
تحقق یافته و روزی که رنج و اندوه اصحاب جای  
خود را به سرور و حبور بخشیده است بهمین جهت  
این صحیفه الهی چون یادگاری جاودانی از آن روز

تاریخی ممتاز و مشخص گردیده است جناب اشراق  
خاوری در کتاب گنج شایگان صفحه ۵۵ در معرفی  
این لوح و شرح حال ایوب می نویسد .  
این لوح مبارک را می توان در رساله ایام تسعه چاپ  
سوم ص ۲۶۱ و مائده آسمانی جلد ۴ صفحه ۲۸۲ و  
لمعات الانوار زیارت نمود .

۸۵- منظور از کتابی که به اسم خال معروف  
است کتاب ایقان می باشد .

ماخذ آهنگ بدیع سال ۴ شماره ۱۹ صفحه ۱۸

درباره معرفی کتاب ایقان در صفحات (۱۹۷) و (۱۸۶)  
همین کتاب تحت عنوان رساله خالویه و الواح پارسیه  
که به استدلالیه معروف است مطالبی نگاشته گردیده  
مراجعه فرمایند .



۸۹- منظور از الواح پارسیه که به استدلالیه معروف  
است کتاب ایقان است .

مآئده آسمانی ج 8 ص 80

از جمله آثار مهمه حضرت بهاءالله کتاب ایقان است که در بغداد بسال 1278 هجری قمری برابر با 1862 میلادی در جواب سئوالات میر سید محمد خال نازل شده و عده ای که حضرت اعلی دربارہ تکمیل بیان در ظهور موعود فرموده بودند با نزول ایقان تحقق یافت و در طی دو شبانه روز از قلم مبارک صادر گردید میر سید محمد خال در آن وقت هنوز به امر مبارک مومن نبوده و با برادر خود حسنعلی و فرزندان برای زیارت عتبات وارد بغداد شد. کتاب ایقان از حیث انشاء و روش بدیع و قدرت استدلال بی نظیر است و در امر بهائی بعد از کتاب اقدس از بزرگترین آثار صادره قلم اعلی است اسرار و رموز کتابهای آسمانی قبل در ایقان مکشوف و تشریح شده با نزول ایقان که بفاصله قلیلی قبل از اظهار امر مبارک در باغ رضوان صادر شده بشارت دانیال درباره برداشته شدن ختم از کتاب آشکار گردید.

در کتاب ایقان در ضمن 200 صفحه وحدانیت الهیه و وحدت مظاهر مقدسه و شرایع الهیه و عدم انقطاع فیض الهی و حقانیت کتب آسمانی را تشریح و تبیین فرموده اند و نیز درباره علمای ادیان که سبب گمراهی مردم در هر زمان بوده اند شرحی مفصل بیان کرده اند اسرا و معانی خفیه بیانات وارده در انجیل و قرآن مجید و علامات ظهور و قیامت و حقایق احادیث اسلامی را مشروحا بیان فرموده اند شرایط سلوک و حقانیت امر حضرت اعلی و انقطاع و جانفشانی پیروان امرالله و غلبه و نصرت کلمه الله از قلم مبارک تشریح شده ، درباره مقام حضرت مریم و بزرگواری ائمه اطهار و عظمت مقام سید الشهداء و شهادت آنحضرت شرحی مفصل ذکر کرده اند مسائل مهمه رجعت و قیامت و خاتمیت و روز جزا را بیان فرموده اند و خلاصه مطلب آنکه باید گفت ایقان از حیث حل مشکلات و کشف رموز و اسرار کتب آسمانی و تشریح حقایق عالیه مستوره از افهام عموم و سایر جهات در بین سایر آثار مبارکه مقامی بسیار شامخ و عظیم را داراست.

کتاب ایقان در آغاز به رساله خالویه معروف بود بعدا  
هیكل مبارك در آثار مبارك که آنرا به کتاب ایقان تسمیه  
فرمودند سئوالات خال از محضر مبارك عبارت بود  
از علائم ظهور و خاتمیت حضرت رسول و قیامت و  
مسئله سلطنت موعوده درباره حضرت موعود و احیا  
اموات در یوم ظهور موعود و بعث و حشر در قیامت  
و رجعت ائمه اطهار در یوم ظهور قائم و ابدیت  
شریعت اسلام و اعراض علما و پیشوایان دین و  
بالاخره دلایل و براهینی که مثبت حقانیت ظهور جدید  
است در کتاب ایقان همه این مسائل و مطالب مهمه  
دیگر تشریح و تبیین شده است کتاب ایقان را هیكل  
مبارك حضرت ولی امرالله به انگلیسی ترجمه فرموده  
اند.

مطالعه این کتاب باعث ایمان آوردن عده ای از فضلا  
و علمای فی البها گردید از جمله فاضل شیرازی ،  
شیخ حیدر معلم ، میرزا حیدر علی اسکونی ، محمد  
حسین الفت ، فاضل یزدی ، خال اکبر و بزرگ  
گرایلی مستوفی در معرفی این سفر عظیم کتب و

مقالات بسیار نوشته شده است برای اطلاع بیشتر از  
اهمیت این اثر نفیس به منابع زیر مراجعه نمایند :

محبوب عالم ص 46

اختران تابان جلد 1 ص 45

قرن بدیع جلد 2 ص 148

قاموس ایقان جلد 1 ص 3

قاموس لوح شیخ جلد 1 ص 526

لئالی حکمت جلد 2 ص 288

پیام بدیع سال 18 شماره 212 ص 9

لئالی درخشان صفحه 234 - 225

خاندان افغان صفحه 35 - 49 - 38 - 50 - 51 -

53

قاموس لوح 105 اسرار ربانی جلد 2 ص 79

نفحات ظهور جلد 1 ص 194

رحیق مختوم جلد 1 ص 270

طراز الهی جلد 1 ص 344 - 4999 - 500

پیام بدیع سال 15 شماره 179 ص 5

آثار قلم اعلی جلد 5 ص 148

سفینه عرفان جلد 2 ص 185

- گنج شایگان ص 13
- بہا اللہ شمس حقیقت ص 216
- رسالہ مجمع تحقیق جلد 2 ص 168 - 170
- آہنگ بدیع سال 15 شماره 1 ص 10
- آہنگ بدیع سال 22 شماره 4
- آہنگ بدیع سال 26 شماره 1 ص 12
- پیام بھائی شماره 212 ص 14
- پیام بدیع شماره 96 ص 10
- پیام بھائی شماره 237 ص 88
- پیام بھئی شماره 208 ص 39
- پیام بھائی شماره 80 ص 25
- پیام بدیع سال 5 شماره 49 ص 30
- پیام بدیع سال 15 شماره 179 ص 5
- عندلیب سال 7 شماره 25 ص 8 - 9
- مائدہ آسمانی جلد 7 ص 167 - 140 - 245
- مائدہ آسمانی جلد 8 ص 30
- اسرار الاثار حرف الف ص 266
- آل اللہ ص 421
- بہجت الصدور ص 173

قاموس لوح شيخ ج 2 ص 79  
عندليب سال 7 شماره 25 ص 8 - 9  
پيام بهائي شماره 96 ص 10  
طراز الهی ج 2 ص 57 و ص 60

## ۸۷- منظور از رساله خالویه کتاب ایقان است

کتاب مستطاب ایقان چون به افتخار و در جواب سید محمد خال اکبر نازل شده بود به رساله خالویه معروف بود ولی بعداً حضرت بهاءالله به آن عنوان ایقان دادند . برای اطلاع بیشتر به (۱۸۶) تحت عنوان الواح پارسیه مراجعه شود .

## ۸۸- منظور از توفیق حضرت اعلی در مکتب خانه به من ینظهره الله تقدیم شود .

حضرات بابیه با استناد به این توفیق معتقدند که من  
ینظهره الله در زمان ظهور حضرت اعلی باید طفل  
باشد . دکتر محمد حسینی در کتاب نفیس قاموس  
اقدس در این باره می نویسد :

نکته دیگری که در مکتب من ینظهره الله در کتاب  
مستطاب ایقان مطرح گردیده موضوع تقدیم لوح  
حضرت رب اعلی در مکتب به حضرت من ینظهره  
الله است حضرت اعلی در راس لوح مرقوم فرموده  
اند " در مکتب خانه من ینظهره الله منور فرمایند " بیت  
العدل اعظم الهی در توضیح مطلب اشاره به اعتراض  
اهل بیان می فرمایند: " به نظر این نفوس چون سن  
مبارک حضرت بهالله دو سال از حضرت اعلی  
بیشتر بوده وصول لوح در مکتب خانه ممکن نبوده  
است بنا به بیان حضرت بهالله مطلب مزبور اشاره به  
وقایعی است که در عوالم روحانی که ما فوق عالم  
وجود است به ظهور رسیده " جمال ابهی در کتاب



اقدس می فرمایند " یا قلم الاعلی تحرک علی اللوح  
باذن ربک فاطر السما ثم اذکر اذا اراد مطلع التوحید  
مکتب التجرید لعل الاحرار یطلعن علی قدر بسم  
الابره بما هو خلف الاستار من اسرار ربک العزیز  
العلام قل انا دخلنا مکتب المعانی و التبیان حین غفله  
فی الامکان و شاهدنا ما انزله الرحمن و قبلنا ما اهداه  
لی من آیات الله المہیمن القیوم و سمعنا ما شهد به فی  
اللوح انا کنا شاہدین و اجبناہ بامر من عندنا انا کنا  
آمرین یا ملا البیان انا دخلنا مکتب الله اذ انتم راقدون  
در این بیانات مبارکہ به این مضمون می فرمایند کہ  
ای قلم اعلی یاد کن هنگامی را کہ مکتب نوحید قصد  
مکتب تجرید نمود تا آزادگان بر برخی از اسرار کہ  
در پس استار است آگاہ گردند می فرمایند ما به  
مکتب معانی و تبیان داخل شدیم و آنچه را حضرت  
اعلی ہدیہ فرمودند پذیرفتیم خطاب بہ اهل بیان می  
فرمایند هنگامی کہ شما در خواب غفلت گرفتار بودید  
ما بہ مکتب الہی وارد شدیم و لوح حضرت اعلی را  
ملاحظہ نمودیم حتی پیش از نزول آنرا خواندیم سپس  
می فرمایند اگر در این مقام بہ لسان اهل ملکوت تکلم

نمائیم می گوئیم خداوند آن مکتب را پیش از خلق  
سماوات و ارض آفریده بود و ما پیش از اقتران کاف  
و نون بدان داخل شدیم .

حضرت عبد الیها درخصوص لوح حضرت اعلی که  
در مکتب به حضور من یظهر الله تقدیم می شود می  
فرمایند: " در خصوص لوح معهود سوال نموده بودید  
آن لوحیست که حضرت اعلی مرقوم نموده اند که در  
مکتب من یظهر الله تقدیم حضور مبارک شود  
حضرات بیانی ها این را وسیله تخدیش اذهان  
نموده اند که من یظهر الله باید طفل باشد تا آن  
عریضه در مکتب خانه تقدیم حضور مبارک گردد  
پس چون جمال مبارک طفل نبودند من یظهر الله  
نیستند جمال مبارک در کتاب می فرمایند که مکتب  
من یظهر الله مکتب صبیان نیست و مدرسه اطفال  
نادان نه آن مکتب معانی و بیان است که مقدس از  
ادراک من فی الامکان می فرمایند در این مکتب لوح  
حضرت اعلی را که هدیه بدیعه الهیه بود مشاهده  
نمودم باری حضرات بیانی ها چنین اوهام فرمودند که  
مکتب من یظهر الله مکتب صبیان نادانست تبا لهم و

سحقا لهم و تسعا لهم من هذا الجهل العظيم أن لوح  
مبارک حضرت اعلى روحى له الفدا را این عبد  
روزی در عراق بالتصادف در مکتب خانه تقدیم  
حضور مبارک کردند یعنی حامل این هدیه شدم .  
این لوح مبارک در مائده آسمانی مندرج است .

۸۹- منظور از صحیفه رضویه ۱۴ خطیه  
مبارک حضرت اعلی است .

دکتر محمد حسینی در معرفی این اثر مبارک می نویسد :

” صحیفه رضویه متشکل از آثار نازله در سفر حج و ایام اقامت مبارک در شیراز و شامل چهارده خطبه است و لکن نسخه کامله آن تا کنون بدست نیا مده است.

نام نخستین خطبه بتصریح مبارک خطبه ذکریه یا رضویه است . کل اثر نیز به صحیفه رضویه تسمیه گردیده است.

در خطبه ذکریه ضمن ذکر آثار مبارکه نازله در فاصله سالهای ۶۲-۱۲۶۰ هجری قمری به چهار کتاب و ده صحیفه اشاره فرموده اند که بتصریح حضرتشان هر یک در حجیت اهل عالم را کفایت می کند . نام این چهار ده معصوم معتقد شیعیان اثنا عشری تعیین گردیده است . مثلاً صحیفه رضویه بنام حضرت امام رضا تسمیه شده و چهارده باب و حاوی چهارده خطبه غرا است که بفر موده مبارک ناطق از شجره ثنا است.

در خطبه ذکریه ( نخستین خطبه این اثر مبارک ) به آثاری از حضرتشان اشاره می فرمایند که در سفر حج بسرقت رفته است و می فرمایند تفصیل آن در صحیفه رضویه آمده است.

مراد مبارک از صحیفه رضویه همین اثر کلی مقدس است . زیرا در خطبه یازدهم بتفصیل در خصوص آثار مسروقه در سفر حج بیاناتی می فرمایند.

در آغاز و اواسط خطبه نخست که خطبه ذکریه باشد تحمید و تجلیل و تعظیم از حضرت الوهیت است . تجلیل از مقام رسولان الهی بعنوان مبشرین و منذرین است . می فرمایند آیات الهی اعظم نعماً در عالم انشا است و بدان حقیقت انبیا و از جمله رسول اکرم ثابت می گردد .

پس از اعتراف به حقانیت رسول اکرم به اوصیا آن حضرت و حجیت قرآن شریف بر حسب ظاهر عقاید مردم شیعی زمان ( از جمله در باب حشر اجساد ) را می پذیرند ولکن به نزول وحی الهی بر قلب مبارک اشاره نموده تصریح می فرمایند چهارده اثر از قلم حضرتشان نازل شده که هر یک در حجیت دلیل کافی است در این خطبه همانطور که قبلاً بیان گردید به

آثار نازلہ در ایام شیراز و آیات مبارکہ مسروقہ در سفر حج  
اشارہ فرمودہ اند .

در خطبہ دوم پس از تحمید حضرت الوہیت توصیف مشیت  
اولیہ است . کہ خلق او پیش از خلق کل اشیا است بتلویح  
مشیت اولیہ را در دور بدیع ذات حروف سبعہ (علی محمد)  
فرمودہ اند .

در خطبہ سوم پس از تحمید و تجلیل ذات الہی و امتناع  
عرفان آن بہ جهت آدمیان بہ رد قول نصاری در باب تثلیث می  
پردازند و می فرمایند حضرت عیسی نیز رسولی چون رسل  
گذشتہ بود . با اشارہ بہ حضرت مسیح این مناسبت را فراہم  
فرمودہ اند کہ در باب رسول اکرم بیانی بفرمایند .

و می فرمایند کہ حضرت محمد نیز رسولی چون رسل گذشتہ  
بود بتلویح ارکان خاتمیت مورد اعتقاد مسلمین را متزلزل  
می فرمایند . سپس برای آنکہ احدی بہانہ ای نیابد بہ حقانیت  
رسول اکرم و اوصیا آن حضرت صریحا اعتراف می فرمایند در  
این خطبہ همچنین اشاراتی است بہ قول حکمای مشا و اشراق  
در خصوص ارتباط عالم حق و خلق

خطبه چهارم نیز در تحمید و تقدیس و تجلیل ذات الهی است. هر خطبه با خطبه دیگر کاملاً متفاوت است و بداعت و جذابیت خاص محتوای خود دارد. در این خطبه مجدداً به تفصیل بمقامات رسول اکرم اشاره و به حقانیت آن حضرت اعتراف صریح می‌فرمایند. این خطبه مبارکه با منا جاتی خاتمه می‌یابد که خود می‌تواند باب مستقلی تلقی گردد.

خطبه پنجم به تصریح مبارک هنگام سفر بر روی دریا و در ذکر حضرت امام حسین نازل شده است. در این خطبه پس از تحمید ذات الهی با شیوه بسیار زیبایی به بیان حزن الهی از شهادت امام حسین پرداخته‌اند و در تجلیل از مقام آن جناب و شهادت حضرتش و به استناد روایات اسلامی می‌فرمایند اگر امام حسین شهید نمی‌شد ابداع و اختراع و انشا در محل خود استقرار نمی‌یافت این مطلب یاد آور محتویات کتب جناب شیخ و جناب سید در باب مقامات امام حسین است

محتوای خطبه ششم که در بوشهر نازل شده پس از تحمید ذات الهی بیشتر راجع است به موضوع حجیت آیات حضرتشان. می‌فرمایند معرفت بقیه الله ممکن نیست مگر از طریق

معرفت باب آن حضرت که صاحب آیات به لسان قرآن شریف است و کل از اتیان بمثل آن آیات عاجزند. اشارات مبارک به دور بقیه الله بعنوان " دور اعظم " و نام او بعنوان " اسم اکرم " راجع است بمقام حقیقی خود هیکل مبارک و یا حضرت من یظهره الله موعود ، جمال اقدس ابهی.

در خطبه هفتم ( خطبه کنگان ) نیز پس از تحمید ذات الهی و تجلیل از مقامات رسول اکرم و اوصیا و ابواب الهی تقدیس است از حضرت الوهیت که آیات خود را در این دور اعظم بشیوه آیات نازله در طور سینا بر باب خود نازل فرموده است.

بعد می فرمایند که آیات نازله از قلم مبارک آیات محکمت و در نهایت بلاغت است و فصحا عالم از اتیان بمثل آن عاجزند. در این خطبه همچنین به استمرار نزول آیات الهی و اشرفیت آثار حضرت باب تلویح است.

در خطبه هشتم و خطب بعد از آن به تواریخ مربوط به سفر حضرتشان به حجاز اشاره فرموده اند که قبلا بدانها استناد کرده ایم .



در خطبه هشتم اشاره می فرمایند که اعظم علما از موحدون حقیقی بواقعیت ابداع در هر دور پی برده اند و حکم تغییر در دید آنان در هر دور حتم است. این بیانات مبارکه بجهت آماده نمودن مردم زمان برای پذیرش بدایع ظهور جدید حضرت رحمن نازل گشته است. مراد از عبارت "الموحدون من اعظم العلما" نفوس بزرگواری چون جناب باب الباب است.

در خطبه نهم اشاره می فرمایند که آیات نازله از قلم حضرتشان در مکه و در طی سفر حجاز در دسترس حجاج قرار گرفته تا احدی نگوید که من آیات باب را ندیده بودم و الا به وی مومن می شدم.

در این خطبه ضمن اشاره به دلائل قرآنی حقانیت حضرتشان بعنوان باب علم الهی می فرمایند که خداوند مقام حقیقی ایشان را پنهان فرموده زیرا برخی از نفوس و اهل احتجاب تاب پذیرش آن مقامات را ندارند.

خطب بعدی نیز هر یک شامل تحمید و تجلیل ذات الهی و حقانیت مظاهر الهیه و اوصیا مقدسه و حقیقت مدعای حضرتشان و حجیت آیات است. در خطبه یازدهم ( که خطبه

الجدده است) به نام و تاریخ سرقت آثار مسروقه در ارض  
حرمین اشاره می فرمایند.

جناب ابو القاسم افنان درباره این صحیفه مبارکه در کتاب عهد  
اعلی چنین می نویسد:

صحیفه رضویه به زبان عربی و به لحن خطب توحیدی و  
متضمن بعضی اشارات به ظهور حضرت باب، شرح و تبیین  
اصول معارف استدلالی امر و نیز معارف روحانی و مطالب اصولی  
و اعتقادی و سوابغ اسلامی است. مخاطب صحیفه نامعلوم  
است و بر اساس بیانات حضرت باب در یکی از آثار مبارکه  
دارای چهارده خطبه مستقل می باشد که هر کدام بمناسبت  
موقعیت یا رویداد خاص نازل گردیده است. این صحیفه در  
شیراز و قسمت اعظم آن در طی سفر حج و احتمالا بصورت  
زیر عز نزول یافته است:

دو خطبه در شیراز، خطبه بین الحرمین در حوالی مدینه،  
خطبه بین الحرمین فی قرب منزل الصفراء، خطبه حسینیة،  
خطبه فی جدده، خطبه فی التکوین، خطبه الحروف، خطبه فی

مصیبه الحسین ، خطبه الذکریه، خطبه صغیره ، خطبه فی عید  
الفطر ( که در مسقط نازل شده) و خطبه کنگان.

## ۹۰- منظور از لوح صیحه لوح خطاب به

ناصرالدین شاه است

لوح سلطان ایران بسال ۱۲۸۴ هجری قمری در ادرنه نازل و بسال ۱۲۸۶ از عکا توسط بدیع ارسال شد مخاطب این لوح منیع ناصرالدینشاه شاه ایران است که بالقاب رئیس الظالمین - سلطان ظالمین - ناصرغدار و شهریار پرکین ملقب است در این لوح مبارک حجت را بر خلق تمام نموده و بصراحت اعلام می فرماید ای کاش رای جهان آرای پادشاهی بر آن قرار می گرفت که این غلام با علمای عصر مجتمع می شد و در حضور حضرت سلطان اتیان حجت و برهان می نمود.

این لوح مبارک از طولانی ترین آثار جمال اقدس ابھی خطاب به امرا و روسا دول و ملل عالم محسوب است. و شامل مواضع متعدده و حاوی مسائل مختلفه از قبیل اقرار و ایمان به آفریدگار یکتا و تفسیر بعضی آیات قرآن و انجیل و راهنمایی و دلالت سلطان ایران در نحوه مملکت داری و حفظ مصالح دولت و ملت و

غيره مي باشد. ناصرالدين شاه بجاي اطاعت از فرامين مندرج در لوح و يا تشكيل مجلسي براي بحث و فحص حامل لوح مبارك را كه هيچ گناهي نداشت به فجييع ترين وضعي شهيد نمود و لوح را براي سفير خود به اسلامبول فرستاد تا باعث شدت كينه و عداوت وزيران خليفه عثماني شود.

اين لوح منيع هم بصورت مستقل و جداگانه بنام لوح سلطان ايران طبع و نشر شده و هم جزء الواح ملوك صفحه ٤٥ و هم در لوح هيكل در كتاب مابين صفحه ٦٦ ذكر گرديده است اين لوح مبارك بنام صيحه هم در آثار امري معرفي شده است. دكتور منوچهر سليمانپور در معرفي اين اثر مبارك مي نويسد:

لوح مبارك سلطان ايران كه از كلك اطهر جمال قدم جل اسمه الاعظم خطاب به ناصرالدين شاه قاجار عز نزول يافته مطول ترين خطاب مبارك به ملوك و سلاطين و اقطاب فكر و دين مي باشد و به راستي يكي از شاهكارترين آثار قلمي حضرت بهاءالله محسوب مي گردد كه در ايام اقامت مظهر ظهور كلي الهي در مدينه ادرنه شرف صدور يافته و از سجن عكا به

ایران ارسال گشته است این لوح عظیم به کرات در کتب و مجلدات امریه چاپ شده و به صورت کامل بدون مطلع در ضمن سوره هیکل به طبع رسیده است. این رق منشور چنین آغاز می گردد: (( هو الله تعالی شأنه العظمه و الاقتدار یا ملک الارض اسمع ندا هذا المملوك اني اعبد أمنت بالله و آیاته و فدیت نفسي فی سبيله )) و با آیه : (( نساله تعالی بان يجعلك ناصرا لامره و ناظرا الي عدله لتحكم علي العباد كما تحكم علي ذوي قرابتك و تختار لهم ما تختاره لنفسك انه لهو المقدر المتعالي المهمين القيوم )) به انتها می رسد. این لوح مبارک بر حسب آنچه در متن تصریح گردیده در دوره اقامت حضرت بهاء الله در مدینه ادرنه از شهرهای کشور ترکیه شرف صدور یافته و برخی تاریخ نزول آن را به سال ۱۲۸۴ هجری قمری و ۱۸۶۷ میلادی مذکور داشته اند و برخی تقریر نموده اند که قبل از سرگونی حضرت بهاء الله به سجن عکا در سنه ۱۸۶۸ میلادی نازل شده است.

حضرت عبدالبهاء شرحی در عظمت و سطوت این سفر مجید بیان نموده اند و من جمله مذکور می دارند:

( که در بین تمام کتب سماوی مثل و نظیری ندارد )  
زیرا حاوی مطالبی است مبنی بر دفاع و مظلومیت و  
آداب و حسن تعبیر و فصاحت و بلاغت و دلایل  
قاطع و تهدید و تبلیغ، ولی سزاوار است که انسان  
عبارات آن را با کمال دقت بخواند ... آیا شنیده شده  
است که کسی سه مرتبه نفی شده باشد و تحت شمشیر  
و زنجیر باشد و پادشاه عظیمی را تهدید کند. درباره  
شان نزول آن می فرمایند :

(( این ایام بعد از ورود سجن اعظم اراده الهیه به آن  
تعلق یافته که جمیع بریه را به شاطی احدیه مجددا  
باعلی النداء ندا فرماید لذا مخصوص هر نفسی از  
روسای ارض لوحی مخصوص از سماء مشیت نازل  
... تا جمیع اهل ارض یقین نمایند و به بصر ظاهر و  
باطن مشاهده کنند که مالک اسماء در هر حال غالب بر  
کل بوده و خواهد بود. بلایا و محن، سلطان سر و  
علن را از اظهار امر منع ننموده و نخواهد نمود ...  
از اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهره واقع نشده.  
ظهور قلم و مبشر جمال دو لوح فرستاده بودند و لکن  
جز اظهار سیادت و مظلومیت در آن چیزی نبوده.

نظر به مصلحت ، اصل امر را ستر فرمودند و في الحقیقه تبلیغ کامل جهره نشده بود لذا از مشرق مشیت اشراق شد آنچه لم یزل مراد الله بوده. تعالی هذه القدره التي اشرفت و احاطت العالمین. ))

و در مقامی دیگر از كلك اطهر نازل ، قوله الانور: (( چنانچه مشاهده می شود که هر چه بلایا اعظم و رزایا اکبر وارد شد به تبلیغ امر محکم تر پرداختیم چنانچه صیحه را به هیئت لوحی مبعوث نمودیم و به قطب بلاد ایران فرستادیم و انصعق منه من السموات و الارض الا من شاء ربك. ))

قلم اعلی در طی این لوح عظیم به سلطان ایران یاد آوری می فرمایند که سفر مبارك به عراق عرب و خروج از ایران در تنفیذ رای ملوکانه صورت گرفته و در طی سفر مصائب فراوان ایشان را احاطه نموده ولی حضرتشان علاقه خاصی به اظهار مشاکی و غوائل شخصی خود به شاه ایران نداشته و ندارند و اگر مطالبی اظهار می نمایند فقط به منظور رفع سوء تفاهماتی است که سعایت و تهمت مغرضین ممکن است در ذهن پادشاه ایجاد کرده باشد. می فرمایند :



حسب الاذن و اجازه سلطان زمان این عبد از مقر سریر سلطانی به عراق توجه نمود و دوازده سنه در آن ارض ساکن و در مدت توقف شرح احوال در پیشگاه سلطانی معروض نشد. ولیکن با ورود یکی از مامورین دولت ایران اذیت و آزار اصحاب آغاز گشت به نحوی که :

(( هر روز به اغوای بعضی از علمای ظاهره و غیره متعرض این عباد بوده ... و این عبد به ملاحظه آنکه مبدا از افعال معتدین امری منافی رای جهان آرای سلطانی احداث شود لذا اجمالی به وزرات خارجه میرزا سعید خان اظهار رفت تا در پیشگاه حضور معروض دارد و به آنچه حکم سلطانی صدور یابد معمول گردد. مدت ها گذشت و حکمی صدور نیافت تا آنکه امر به مقامی رسید که بیم آن بود بغته فساد بر پا شود و خون جمعی ریخته گردد. لاجرا حفظا لعیباد الله معدودی به والی عراق توجه نمودند. در سر لوحه این لوح بدیع، حضرت بهاءالله ایمان خود را به وحدانیت حق جل جلاله. به صریح بیان اعلان می فرمایند و برای آنکه ادنی شك و تردیدی از

براي پادشاه ايران باقي نماند و نائره تهم و افتراءات وارده لهييش به عنان آسمان نرسد، در بدايت لوح تصريح مي فرمايند كه جان خود را در راه پروردگار يكتا فدا نموده و تحمل بلايا و رزاياي بي شمار را گواهي آشكار بر صدق گفتار مي دانند.

و تهمت كفر را كه به ايشان نسبت داده شده كذب محض دانسته و تاكيد مي نمايند مظاهر ظهور سماوي كه از جانب خداوند برگزيده شده اند مطالع صفات الهي اند و مهابط وحي رحماني.

و تصريح مي فرمايند كساني كه به حضرتشان نسبت كفر داده اند از حقيقت گفتارشان آگاه نبوده اند و متذكر مي گردند : (( بعضي از علما كه اين بنده تكفير نموده اند ابا ملاقات نموده اند و اين عبد را ندیده اند و از مقصود مطلع نشده اند. )) و شهادت مي دهند كه پروردگار عالميان ، يكتا و بي همتاست. كسي را در عالم وجود بدو راهي نبوده و نيست. مقدس از عزفان بندگان و منزه از ادراك عالميان است. ازليت حقيقي و ابديت واقعي از آن اوست. حضرت بهاءالله پس از اثبات مراتب ايمان به يكتائي

آفریدگار، به شرح موازین دعوت خویش پرداخته و به صریح بیان اعلان می فرمایند که طلوع شمس ظهور به جهت هدایت مردم در سبیل شناسائی رب ودود و عبادت حق غفور بوده و الا دلیلی از برای تحمل مصائب و بلاها و شکنجه و رزایا در میان نیست و متذکر می گردند که مظاهر الهی به نیک و بد عالم جسمانی نظر نیفکنده و حب و بغض غافلان را ندیده انگاشته و مردم را به راه راست و حسن اخلاق رهبری می فرمایند. در این سبیل زهر هر بلا می چشند و جفا را به وفا پاسخ می گویند. سخن از جانب پروردگار می رانند و به کمال استقامت با لشکر ظلم و عناد مقابله می نمایند. میفرمایند: (( ما دعوت الناس الا الي الله ربك و رب العالمين.

با اظهار چنین اقرار و اعترافی جمال قدم رشته کلام را با بیانی فصیح بدان جا می کشانند که آنچه از قلم و لسان مبارک صدور می یابد در فرمان برداری از اوامر الهیه بوده چه که مظهر ظهور به مشیت غالبه حضرت احدیه حرکت نموده و به دلالت خلق قیام فرموده است. (( یا سلطان انی کنت کاحد من العباد و

را قدا علي المهاد مرت علي نسائم السبحان و علمني  
علم ما كان ليس هذا من عندي بل من لدن عزيز علم  
و امرني بالنداء بين الارض و السماء. )) سپس  
تصريح مي فرمايند كه با انقياد از اوامر سماويه و  
بيان حقائق روحانيه هجوم اعداء و ضدت دشمنان  
آغاز و سهام بلايا از هر سو بر صدر منيرشان وارد  
و لعن و طعن علما به عنان آسمان رسيد به شاني كه  
نظير چنين بلايي در عالم وجود ديده نشده است.

اگر حضرت سلطان جويابي حقيقت باشند و تمعن و  
تفرس فرمايند صدق اين گفتار اثبات مي گردد زيرا به  
راستي مظاهر ظهور الهي و پيروان كلمه رباني نظر  
را از اموال دنيوي برگرفته رضاي دوست حقيقي را  
ملتمسند.

و نظر را به قبل متوجه مي سازند كه در دوره اسلام  
علماء سوء و دشمنان حضرت رسول به معاندت و  
مخالفت نیز قيام نمودند و چنان آن حضرت را در  
مضيقه و فشار قرار دادند كه بالاجبار بعضي از  
اصحاب و افراد عائله را به بلاد بعیده هجرت دادند تا  
از فتنه و فساد مخالفان در امان باشند.

جمال قدم جل جلاله پس از اظهار ایمان خود به  
آفریدگار یکتا و اقامه ادله و براهین ثابت‌ه بر اینکه هر  
مظهر ظهور سماوی در دوره خود با مخالفت مردم و  
خاصه علمای عصر مواجه گشته و سنت یزدانی نیز  
همواره چنین بوده است، متذکر می گردند که  
حضرتشان قلباً ضدیت و مخالفتی با شاه نداشته و  
ندارد و دلیل ارسال لوح مبارک به سلطان بدین  
مناسبت است که پادشاه از حقائق امور مطلع و آگاه  
گردد و بر موازین حق و عدالت حکم نماید و قسم یاد  
می نمایند که اگر نصائح مشفقانه حضرتشان را به  
گوش هوش بشنود بی درنگ کشور و آنچه در اوست  
را رها خواهد نمود و به منظر اکبر خواهد شتافت.  
این لوح منیع همچنین حاوی تأکیدات حضرت بهاءالله  
خطاب به پادشاه ایران در رموز کشورداری است که  
با لحنی واضح و آشکار بیان گردیده و نتایج واضح  
آن نیز تصریح شده است. از جمله این موارد دعوت  
پادشاه به امعان نظر و مذاقه شخصی در مسائل کلی  
کشور است به نحوی که فتنه و دسیسه و تدلیس و  
خدعه منحرفان باعث تشویش اوضاع نگردد و امور

بر محور مطلوب جریان یابد. چه بسا که اطرافیان سلطان بنا بر منافع و مقاصد شخصی حقایق امور را در پس پرده اختفا مستور نمایند و به اغوای رئیس کشور پردازند، قوله العلیم : (( در پیشگاه عدل سلطانی نباید به قول مدعی اکتفا رود. )) و تاکید می نمایند : (( لکن حسن اعمال منوط به آنکه ذات شاهانه بنفسه به نظر عدل و عنایت در آن نظر فرمایند و به عرایض بعضی دون بینه و برهان اکتفا نفرمایند. )) و در مقامی دیگر می فرمایند: (( امید چنانست که حضرت سلطان بنفسه در امور توجه فرمایند که سبب رجای قلوب گردد و این خیر محض است که عرض شد و کفی بالله شهیدا. )) قصد مبارک از تقاضای رسیدگی ملوکانه به مسائل مختلفه بدین مناسبت است که پادشاه شخصا از حقایق امور آگاه و پر انتباه گردد و اطرافیانش اوضاع و احوال را بر حسب نظریات خود شرح و بسط ندهند و او را از صراط مستقیم منحرف نسازند. اینست که می فرمایند اقوال سخن چینان قابل اعتماد نبوده و نیست و در حدیث شریف نیز وارد: (( لاتصدقوا النمام )) زیرا آنان که ((

ملاقات نموده اند شهادت می دهند که این عبد بغیر ما حکم الله فی الکتاب تکلم ننموده.)) و بالاخره می فرمایند: (( ای کاش رای جهان آرای پادشاهی بر آن قرار می گرفت که این عبد با علمای عصر مجتمع می شد و در حضور حضرت سلطان اتیان حجت و برهان می نمود. این عبد حاضر و از حق آمل که چنین مجلسی فراهم آید تا حقیقت امر در ساحت حضرت سلطان واضح و لائح گردد.))

یکی از مسائل مهمه که در لوح سلطان ایران وارد گشته ، شرح بعضی از مواضع قیمه در آثار سماویه به منظور تنویر افکار سلطان ایران و استحضار مراجع دولتی از نقطه نظرگاه جامعه بهائی است. از جمله این شرح و بسط مفهوم نصرت در آئین الهی می باشد در آثار بهائی ذکر نصرت و اعانت به کرات به چشم می خورد و اگر این مساله به نحو صحیحی مفهوم نگردد بسا که سوء تفاهمات و اختلافات کلی حادث شود. حضرت بهاء الله مساله نصرت را شرح و تفصیل داده می فرمایند مقصد از نصرت، جنگ و جدال با کسی نبوده و نیست بلکه نصرت و اعانت به

بیان و حکمت و خدمت و عبودیت است.

قلم اعلی پس از ذکر و توصیف بلایایی که از جمیع جهات آن ساذج بقا را احاطه نموده متذکر می گردد که به زودی سلطان عثمانی موجبات اخراج هیکل انور را از ادرنه به شهر عکا که از اذرب مدن و بلاد در آن نواحی محسوب است فراهم خواهد آورد و لکن به صریح بیان اعلان می فرمایند که شدائد و رزایا سدره منتهی را از نشر و اشاعه امر مالک اسما ممانعت نخواهد نمود.

حضرت بهاء الله در مواقع متعدده در این لوح مبارک به علو مقام مصیبت و بلا و تحمل مشقت دشواری در سبیل آفریدگار یکتا اشاره فرموده و پادشاه ایران را متذکر می دارند که راحت و آسایش در جهان خاک، انسان را از اعتلا به ذروه عالم افلاک باز می دارند و با بیانی فصیح و شرحی بلیغ بلایای محیطه را تمجید می فرمایند و سبب حمل اذیت و آزار را توضیح می دهند.



گرچه لوح مبارك سلطان در ادرنه از یراعه عز مبین صدور یافت ولي برخلاف رویه مبارك درباره سائر الواح خطاب به ملوك و روسا جهان، ارسال آن بلافاصله به حضور پادشاه ایران صورت نگرفت و پس از صدور فرمان خلیفه عثمانی به سرگونی حضرت بهاءالله و جمعی از همراهان به مدینه عکا مدتی سپری شد تا آنکه جوانی از اهل ایران و در عنفوان شباب که در بغداد به سقانی بیت مبارك مشغول و در شهر موصل از بلاد عراق نیز به همین خدمت نزد تبعید شدگان مالوف بود از جمله زائرین کعبه مقصود به حضور معبود در مدینه عکا مشرف گردید و مشمول عنایت رب ودود گشت و مامور حمل این رق منشور شد. این جوان برومند نامش میرزا بزرگ خراسانی پسر حاج عبدالحمید نیشابوری است و به سال ۱۲۸۶ هجری قمری در عکا به حضور مبارك شرف مثول یافت و از محضر اقدس تمنا نمود به این شرف عظمی فائز گردد و حامل لوح مبارك شود. رجایش به لحاظ قبول سلطان یفعل ما یشاء مزین گشت و به همان ترتیب که در ظهر لوح

جليل مرقوم رفته بود به سوي ايران حرکت نمود و لوح مبارك را به ناصرالدين شاه تسليم کرد و مورد شکنجه و آزار بسيار قرار گرفت و بالاخره جان در سبيل جانان فدا نمود و از لسان قدم به فخر الشهداء مفتخر و ملقب گرديد. شهادتش در ماه ژوئيه ۱۸۶۹ اتفاق افتاده است. (پايان مقاله دکتري سلیمانپور)

## ۹۱- منظور از اثر جاودانی نبیل تاریخ نبیل

است .

### تاریخ نبیل

در بین کتب تاریخی امر تاریخ نبیل دارای مقامی خاص و جایگاهی والاست زیرا مطالب مطروحه در آن کاملاً مطابق با واقعیت بوده و از لفاظی و سخن پردازی و تحریف و تعریف مبالغه آمیز عاری است و چون خود شاهد عینی قضایا بوده و یا جریانات منقوله را از معتمدین مطمئن شنیده و با ذکر ماخذ نقل نموده دارای اعتباری عظیم است و از همه مهمتر اینکه بعضی از فقرات آن به تصویب هیکل مبارک جمال اقدس ابهی رسیده و نظر عنایت حضرت عبداللها بر آن اوراق افکنده شده که خود سبب اعظم سندیت این کتاب جلیل می گردد و مخصوصاً که حضرت ولی امر الله به بعضی از مطالب آن استناد جسته و به ترجمه قسمتی از آن به نفسه مبارک ورزیده اند و کتاب نفیس دیگری چون مطالع الانوار را به جهان و جهانیان عرضه داشته اند و نشر و انتشار تلخیص آن را به فارسی تاءبید فرموده اند و در اهمیت این کتاب مستطاب همین بس که حضرت ولی امر الله میفرمایند تمام مطالب کتب تاریخی امری سائره را با تاریخ نبیل تطبیق نمائید و صحت و سقم مطالب ذکر شده در آنها

را در صورت تطابق با تاریخ نبیل تائید و تاکید می فرمایند.

### نحوه تاریخ نگاری جناب نبیل اعظم

نبیل بعد از فوز به ایمان پیوسته در مدن و دیار سیر می نمود و در این سیر و سیاحت با اکثر معاریف و مشاهیر قدماء بابیه و مومنین اولیه که حاضر در حوادث خطیره بوده اند ملاقات می نمود و تفصیل همه قضایا و حوادث دوره اولیه بابیه را با همه جزئیاتش از همه می شنید و از آنجایی که دارای حافظه قوی بود همه را در لوح سینه و صندوق حافظه خود مضبوط می داشت. وی علاقه بسیار زیادی به مسائل تاریخیه داشت لذا با شوقی وافر به گردآوری اسناد و مدارک تاریخی پرداخت و نزد هر کس که اطلاعی از قضایا و حوادث ایام اولیه ظهور بابیه سراغ داشت می رفت و به اخذ و ضبط آن اقدام می نمود و با طبع شعری که داشت سنین وقایع مهمهء تاریخیه را محض سهولت ضبط آن به قید نظم می کشید. نظر به همین ذوق ادبی و شوق او به ضبط حوادث تاریخی بود که آقا محمد حناساب از قدمای احباب و اصحاب بدشت که در عکا معاشرت دائمه با نبیل زرندی داشت او را بر تدوین تاریخی جامع و کامل که

ملاقات نفوس جلیله ای که خود در حدوث مقایع  
ذی مدخل بوده اند رنج سفرهای بعیده ای را  
متحمل شده است. این مسافرت ها در واقع مبین  
عشق و علاقه مفرط جناب نبیل به انجام وظیفه  
ایست که بر عهده گرفته بودند. نبیل مراقبت تامه  
داشته که در نقل قضایا آنچه مقرون حقیقت و  
منزه از هر گونه شبیهت است مرقوم دارد و  
آنچه می نوشته در محضر جمال ابهی قرائت  
می شده است.

یک نکته را باید مد نظر داشت و آن اینکه  
تاریخ نبیل حوادث و وقایع سنوات معدودی را  
شرح می دهد لذا مورخ بعضاً "وقایعی را بیان  
میکند که پس از آن در زمان آینده تکوین یافته  
و شرح واقعه خواننده را اقتناع ننموده لازم است  
برای تکمیل به سایر کتب تاریخی مراجعه  
نماید.

از جمله واقعه انتقال رمس اطهر حضرت رب  
اعلی که بنا به اقتضای حکمت در آن زمان  
چگونگی واقعه از نظر مورخ نامعلوم بوده و  
نیز برای مورخ این امکان حاصل نگردیده تا  
تمام حوادث را به یک میزان مورد تفحص  
قرار دهد برخی از اتفاقات به تفصیل و بعضی  
به اجمال نقل شده و در این باب نبیل اعظم رسم  
امانت داری را از دست نداده و جاهای خالی را

وی بالمشافهه از ملاحسین شنیده لفظ به لفظ نقل می کند. سید اسماعیل زواره ای که در اصفهان در منزل امام جمعه مکرر به زیارت طلعت اعلی نائل آمده سید حسن زنوزی از جمله تشرف جناب سید کاظم رشتی را به حضور مبارک حضرت اعلی در کربلا ایشان که خود نیز تشرف داشته برای جناب نبیل حکایت نموده است. ملا صادق مقدس خراسانی نبیل شرح بسیاری از وقایع را از ایشان شنیده است و همچنین برخی از اصحاب دیگر که نام ایشان در تاریخ نبیل ذکر شده است نبیل در عکا با جناب میرزا موسی کلیم برادر حضرت بهاءالله حشر و نشر طولانی داشت و او که مونس جمال ابهی و شاهد و ناظر حوادث و قضایا و شریک و سهیم در اغلب رزایا و بلایا بوده نبیل را از شرح این اتفاقات و جریانات کاملاً مستحضر داشته است. نبیل گرچه در برخی موارد مأخذ و منابعی را که مشتمل بر حوادث تاریخی بوده در اختیار داشته معذک بدان اکتفا ننموده و دست از تفحص و تدقیق برنداشته کتاب تاریخ میرزا ابوطالب شهمیرزادی که در قلعه طبرسی حضور داشته در شرح وقایع نبیل را مساعدت نموده است با این وجود جهت تحقیق و تعمیق وسیعتر و

و تنای حق گشود و با عزمی راسخ به ادامه کار پرداخت.

نبیل در کتاب خویش به نفوسی که شرح وقایع را از زبان آنها شنیده اشاره نموده همچنین در بعضی موارد دیار و مدنی را که برای کسب اطلاعات تاریخیه به آنجا مسافرت نموده ذکر کرده است. در صفحات مختلف تاریخ نبیل به عباراتی از این قبیل برمی خوریم: از شیخ ابوتراب شنیدم... این عبارت خیلی معروف است. من از ده نفر بیشتر شنیدم... حاجی سید جواد کربلایی حکایت فرمودند... میرزا موسی کلیمفر نمودند. ملا عبدالکریم برای من این داستان را حکایت کرد... سید حسین یزدی گفته است... جناب عظیم برای من حکایت کرد... شیخ حسن زنوزی می گفت... نبیل بعضی از وقایع را از لسان حضرت به الله استماع نموده و آن را زیب تاریخ خود ساخته است.

مشاهیر نفوسی که در کسب اطلاعات تاریخیه جناب نبیل را مساعدت نمودند عبارتند از: جناب ملا عبدالکریم قزوینی معروف به میرزا احمد که شرف کتابت وحی حضرت اعلی را به عهده داشت از جمله شرح لیله بعثت حضرت نقطه اولی و تشرف ملا حسین بشرویه ای را به حضور مبارک نبیل از لسان ملا عبدالکریم که

دور بدیع را لایق و قابل باشد تشویق کرد و آقا جان خادم هم که بر اطلاعات وسیعه نبیل بر تاریخ دوره باییه و بعد آن اطلاع حاصل کرده بود با آقای محمد حنا ساب هم جهت گردیده نبیل را پیوسته برای نوشتن تاریخ این امر جلیل ترغیب می کرد اما نبیل از مبادرت به این کار بدون اذن جمال مبارک طریق اعتذار می جست خادم که دید جز به امر حضرت بهاءالله به این کار مبادرت نمی ورزد موضوع را خدمت جمال ابهی معروض داشت و بعد از صدور اذن از مصدر امر جریان را به وسیله مهان آقا محمد حنا ساب به نبیل ابلاغ نمود نبیل در سال ۱۳۰۵ هجری قمری شروع به نوشتن تاریخ خود نمود و در سال ۱۳۰۸ آن را به انتها رسانید و مدت دو سال و سه ماه بیست و شش روز مشغول تالیف و تحریر آن بود نبیل بعد از شروع به تحریر کتاب تاریخ در مدت دو روز هفت صفحه می نویسد و به وسیله آقا جان خادم به حضور حضرت بهاءالله تقدیم می دارد. وی بعد از آنکه مطلع گردید آن هفت صفحه ای که به عنوان مقدمه کتابش نوشته در حضور جمال قدم قرائت و تایید و توفیقش در انجام اینکار از مظهر ملیک مختار مسئلت گردیده لسان به ذکر



با قصه سرایی پر نکرده و انجام این مهم را به آیندگان سپرده است.

نبیل که شخصا در بعضی از صحنه هایی که راوی آنهاست شرکت داشته است به تنهایی کار تدوین حقیقت زندگانی مردان و زنانی را که چنین بیرحمانه مورد زجر و آزار قرار گرفته‌اند و تاریخ نهضتی را که این همه هدف افتراء و تهمت قرار گرفته است بر عهده می گیرد.

این تاریخ با نثری روان نگاشته شده و وقتی عواطف نبیل برانگیخته می شود سبک او پر شور و نافذ می شود. نبیل دعاوی و تعالیم حضرت بهاءالله و مبشر ایشان حضرت نقطه اولی را در هیچ قالب مشخصی عرضه نمی نماید بلکه هدف او صرفاً شرح وقایع اولیه دیانت بهایی و ابدی ساختن خاطره شهامت‌های باسلان صدر امر است. او به روایت سلسله وقایع می پردازد و با امانت مآخذ هر یک از بخشهای اطلاعات دریافتی خود را ذکر می نماید. در نتیجه اثر او اگر چه چندان هنرمندانه و فلسفی نیست ولی به عنوان روایت واقع بینانه آنچه او می دانسته و یا می توانسته از شاهدان قابل اعتماد درباره تاریخ اولیه امر الهی استفاده نماید بر ارزش آن می افزاید. وجوه متمیزه این

تاریخ شخصیت حماسی مقدس حضرت اعلی  
قائدی با سکون و وقار و در عین حال پر شور  
و شوق و دارای ثبات قدم و نفوذ کلام و پیروان  
مخلص و جانفشان ایشان که با شجاعتی بی  
نظیر و با وجد و نشئه روحانی با تضییقات  
مواجه می شوند شدت حسادت ملایانی که به نفع  
خود در صدد برافروختن نار بغضا مردم بیرحم  
بوده اند همه با بیانی که مفهوم همگان است  
برشته تحریر در آمده است.

تاریخ نبیل به عنوان مجموعه ای دقیق از وقایع  
تاریخی که برای ثبت حقایق تدوین گردیده و در  
طول حیات حضرت به الله اکمال یافته است  
اکنون حائز ارزشی بیمانند است. زمانی که  
حضرت باب دعوتشان را اعلان نمودند نبیل  
سیزده ساله بود و در تاریخ ۱۸ ماه صفر  
۱۲۴۷ هجری در زرنند از قراء ایران دیده به  
جهان گشوده بود وی در طی زندگی خویش با  
بزرگان امر از نزدیک ارتباط داشت با آنکه  
نبیل در آن زمان در سن نوجوانی بود اما در  
همان سن و سال آماده میشد تا به قلعه شیخ  
طبرسی رفته به جمع یاران ملاحسین بپیوندد. اما  
در همان ایام خبر قتل عام خائنانه و فریبکارانه  
بایان نقشه وی را ناکام گذاشت نبیل در تاریخ  
خویش می نویسد که در طهران با حاجی میرزا

سید علی خال حضرت اعلی که در همان ایام به تازگی از زیارت آن حضرت در قلعه چهریق مراجعت کرده بود دیدار نموده است و سالهای سال مصاحب و قرین میرزا احمد کاتب حضرت باب بوده نبیل پیش از تبعید حضرت بهالله به بغداد به دیدار آن حضرت در کرمانشاه و طهران نائل آمد و پس از آن در بغداد و ادرنه و نیز در مدینه محصنه عکا ملازم ایشان بود. چند بار برای ماموریت ترویج و تبشیر امرالله و تشویق مومنین متفرق ورنجدیده روانه مسافرت به ایران شد و هنگام صعود حضرت بهالله در سال ۱۸۹۲ میلادی در عکا بسر می برد. کیفیت خاتمه حیات نبیل بسیار دردآور و سوزناک بود زیرا واقعه صعود محبوب بزرگوارش چنان در روح او تاثیر نهاد که از غایت اندوه خود را در دریا غرق نمود و جسد بی جانش را امواج در نزدیکی عکا به ساحل افکند.

تحریر تاریخ نبیل در سال ۱۸۸۸ میلادی آغاز شد که در آن زمان وی از مساعدت شخص میرزا موسی برادر حضرت بهالله بهره مند بود. حدود یک سال و نیم طول کشید تا این تاریخ تکمیل شود و قسمتهایی از دست نوشته نبیل به وسیله حضرت بهالله و قسمتهای دیگر

به وسیله حضرت عبدالباها مورد مطالعه و  
تصویب قرار گرفت.

تاریخ کامل نبیل مشتمل است بر سرگذشت  
نهضت تا صعود حضرت بهالله (۱۸۹۲  
میلادی) نیمه اول این تاریخ که با سرگونی  
حضرت بهالله از ایران به پایان میرسد در جلد  
حاضر آمده است.

باید دانست که تاریخ نبیل فقط شامل دوران نه  
ساله تاریخ امر بوده و به فرموده حضرت ولی  
امرالله بیشتر روایت و وقایع نگاری است تا  
تاریخ زیرالاولا "نبیل با همه علو مقام یک مورخ  
به معنی واقعی کلمه نبوده و اصولاً در آن  
زمان علم تاریخ به صورت امروزی وجود  
نداشته

همانطور که گفته شد اهمیت خاص تاریخ نبیل  
به ویژگیهای آن مربوط میشود و مهمترین این  
ویژگیها تایید حضرت بهالله بر این تاریخ می  
باشد: هر چند صفحه ای که نوشته می شد خدمت  
ایشان میرسد و بعد از آنکه در محضر مبارک  
قرائت و بر صحت آن مطمئن میشد به تحریر  
اوراق بعد می پرداخت بطوریکه خود نبیل نقل  
میکند و میگوید: نگارش من که به اینجا رسید  
قسمتی را که فراهم شده بود به حضور حضرت  
بهالله تقدیم کردم هیکل مبارک با کمال لطف و

مرحمت مرا اخضار فرمودند و به برکات  
خویش سرافراز ساختند. دیگر از ویژگیهای  
تاریخ نبیل که مبین اهمیت آن است استناد  
حضرت ولی مقدس امرالله به آن می باشد  
چنانچه در توقیع ۱۰ نوامبر ۱۹۳۱ میفرمایند:  
"ترجمه انگلیسی کتاب تاریخ نبیل به زیور طبع  
آراسته شده است دو تلت آن تقریبا "ماخوذ از  
کتاب تاریخ تبیل است و یک تلت آن منتخباتی  
از تالیفات مورخین مشهور که به عبارات  
مختلفه مدح و ستایش و تمجید از محاسن  
امرو بزرگواری و عظمت این آیین جلیل نموده  
اند".

از دیگر جنبه های ویژگی و اهمیت این اثر  
تاریخی نزدیک بودن مورخ به زمان و مکان  
وقایع مورد نگارش و قرابت با فضای معنوی و  
روحانی که حوادث در آن اتفاق افتاده اندمی  
باشد علاوه بر آن در بسیاری از موارد نگارنده  
خود در جریان حوادث و شاهد و ناظر وقایع  
بوده است و یا آنکه شرح آن رویدادها را از  
زبان افراد صدیق و امین متعددی شنیده که خود  
در بطن حوادث و وقایع بوده اند.

دیگر آنکه بیان منصفانه موءلف آنجا که بدور  
از هر گونه درشتی از دشمنان امر یاد می کند  
خود موید این مطلب است که نگارنده علیرغم

عشق و انجذاب بی حدش نسبت به امر مبارک از هر گونه غرضی به دور بوده است. فیالمثل آنجا که در پایان واقعه قلعه شیخ طبرسی از جریان دستگیری جناب قدوس و اسارت ایشان سخن میگوید و درباره رفتار سردار لشکر دولتی با جناب قدوس سخن می گوید و مراتب احترام او را نسبت به ایشان بیان می کند عمل نیک او را یادآوری نموده و فراموش می کند که از چه کسی یاد می کند.

دیگر از ویژگیهای این اثر بزرگ آنست که مورخ علاوه بر استناد به گفتار افراد موثق و مورد اعتمادی که در ظل امر بوده اند به نوشته ها و گفته های افراد غیرمومن و بعضاً حتی معاند امر نیز استناد نموده و بدین ترتیب بینظری و بیطرفی خود را در کشف حقایق تاریخی و نگارش آنها به اثبات رسانده است. فیلسوف شهیر و شهید مجید دکتر داوودی درباره تاریخ نبیل می نویسد:

اصل تاریخ نبیل شامل ۱۰۱۴ صفحه است. هر صفحه آن ۲۲ تا ۲۴ سطر است. قطع صفحات کتاب ۱۵\*۲۱ سانتی متر است. جمعا ۶۳ جزوه کاغذ دارد. تالیف آن به تشویق آقا محمد حنا سبک و اذن حضرت بهاءالله صورت گرفته است. سبک شاعرانه دارد. مشاهدات شخصی او و تقریرات

بعضی از نفوس که شاهد وقوع قضایا بوده اند  
و تحریرات بعضی دیگر از جمله منابع آن  
بشمار می رود.

به شهادت شخص نبیل زرنندی در اوراق  
اصلی کتاب شروع تالیف آن در اواخر ذیقعدہ  
سال ۱۳۰۵ هجری بوده و تالیف آخرین جزو  
آن در شب ۲۶ ربیع الاول سال ۱۳۰۸ هجری  
به انتها رسیده و پس از صعود حضرت بهالله  
در سال ۱۳۰۹ تکمله ای بر این تاریخ در شرح  
صعود آن حضرت نگاشته است.

#### منابع مطالعه درباره تاریخ نبیل

برای اطلاع بیشتر درباره این کتاب معتبر  
تاریخی به منابع زیر مراجعه فرمائید:

۱. شرح حال و آثار حضرت باب تالیف دکتر  
محمد حسینی صفحه ۳۷

۲. طراز الهی جلد ۱ صفحات ۴۲۶-۴۲۹

۳. کتاب حضرت طاهره صفحه ۱۲

۴. مجموعه مقالات دکتر داوودی جلد سوم  
صفحات ۲۰۵-۲۱۱-۲۱۲-۲۵۵

۵. مجله پیام بدیع سال ۱۷ شماره ۲۰۰ صفحه ۱۳

۶. مجله پیام بهایی شماره ۱۵۶

۷. مجله پیام بهایی شماره ۱۷۹ صفحه ۱۱

۸. مجله پیام بهایی شماره ۱۸۶ صفحه ۳۰۹

۹. مجله عندلیب سال ۵ شماره ۱۷ صفحه ۲۶

## ۹۲- منظور از حروف ت - ظ - ح در

اسرارالاثار کتاب تاریخ ظهورالحق است .

اولین و مفصلترین کتاب در باره تاریخ امر مبارک بعد از تاریخ نبیل مجلدات ۹ گانه ظهور الحق است که به همت و پشتکار دانشمند فقید امرالله و ناشر نفحات الله جناب میرزا اسدالله فاضل مازندرانی تألیف و تدوین گردید و الحق در تهیه مطالب و عکسها و توضیح و شرح وقایع زحمات بسیار کشیده شده و اوقات بسیار صرف گشته ولی متأسفانه این گنجینه گرانبهائ انسجام و نظم منظمی و ارتباط بین مسائل تاریخی را ندارد و بجای آنکه هر کدام از مجلدات آن مربوط به یک برهه از زمان و یا مکان معین باشد در تمامی مجلدات آن گوشه ای از تاریخ مکانی و یا شرحی در باره واقعه یا شخصی داده شده در حالیکه می توانست وقایع مربوط به یک حادثه تاریخی یا معرفی شخصیتی مشهور را در یک جلد بیاورد تا خواننده برای اطلاع مثلاً از قیام حجت زنجانی و یا واقعه نی ریز به مجلدات مختلف مراجعه نکند کتابی



که زحمات زیادی برای تألیف آن کشیده شده و عمری طولانی در راه تدوین و جمع آوری آن منصرف گشته متأسفانه اولاً تمام مجلدات آن به زیور طبع آراسته نگشته ثانیاً بعضی اشتباهات و اغلاط فاحش سندیت آن را زیر سؤال برده است که برای نمونه به یکی دو مورد آن اشاره می‌رود .

مثلاً مهدی مهدی خونی در ظهور الحق جلد ۳ ص ۶۳ جزء حروف حی ذکر شده و یا در ص ۲۶ محل شهادت سلیمانخان را دروازه شاهزاده عبدالعظیم نوشته در حالیکه در امامزاده حسن بوده و یا محل چوبکاری و ضرب و شتم حضرت اعلی را در تبریز در حیاط بیرونی منزل شیخ الاسلام نوشته در حالیکه طبق مندرجات تاریخ نبیل عربی در نمازخانه شیخ الاسلام بوده و یا مدت توقف احباب را در بدشت ۱۰ یوم نوشته ص ۱۰۹ در حالیکه ۲۲ روز بوده است و اغلاط و اشتباهات بسیار دیگر چون در جلد ۳ کتاب ظهور الحق مطالبی مرقوم رفته بود که از نظر

تاریخی صحیح نبود و با تاریخ نبیل مغایرت داشت  
حسب الامر حضرت ولی امر الله محفل مقدس  
روحانی ملی ایران کمیسیونی را تشکیل داد تا مطالب  
آنرا با کمال دقت و با مندرجات تاریخ نبیل مقابله  
نمایند لذا بعد از اینکه نظر کمیسیون بعرض محفل  
روحانی ملی رسید آن محفل مقدس طی مرقومه  
شماره ۱۱۶۴۹ بتاريخ یازدهم شهر الجلال سنه  
۱۰۷ بدیع مراتب را باطلاع جناب فاضل رساندند که  
چون آن نامه بسیار کمیاب و شاید نایاب باشد عیناً  
مرقومه مزبور ذیلاً درج می گردد .

صورت مرقومه شماره ۱۱۶۴۹ اینمحفل مورخه  
۱۱ شهر الجلال سنه یکصد و هفتم تاریخ بدیع که  
خطاب به ناشر نفعات الله و مبلغ امر الله جناب فاضل  
مازندرانی علیه بهاء الله صادر گردیده و شرحی که  
جناب معظم له در این باب مرقوم داشته اند ذیلاً درج  
متمنی است مندرجات آنرا باطلاع یاران عزیز خود

برسانند تا هر کس دارای جلد سوم "کتاب ظهور الحق"  
"میباشد با اصلاح و تعدیل موارد مزبور اقدام نماید :  
ناشر نفحات الله و خادم صمیمی امرالله جناب فاضل  
مازندرانی علیه بهاء الله

همانطور که آن فاضل جلیل مسبوق و مستحضرند  
مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا لقدرته  
الفداء در توقیع منیع مبارک مورخ ۱۵ سپتمبر سنه  
۱۹۳۲ راجع بمجلدات تاریخ "ظهور الحق" و  
انطباق آن با تاریخ نبیل این دستور را  
صادر فرموده اند قوله الاحلی :

" فرمودند که لجنه ئی مخصوص جهت رسیدگی و  
تربیت و تطبیق تاریخ جناب فاضل مازندرانی با  
مندرجات تاریخ نبیل زرندی من دون تعویق تعیین  
نمائید و در انجام این وظیفه سعی و اهتمام کامل  
بگمارید "

چنانکه آن نفس محترم مستحضرند برای اجرای  
دستور مطاع مقدس فوق اقدام لازم از طرف اینمحفل

بعمل آمده و با آنجناب نیز در این باب مکاتبه و مخابره گردیده و اخیراً نیز اجرای منظور مزبور بعهده لجنه ملی نشریات امری محول گردیده و لجنه مزبوره در جلسات رسمی خویش جلد سوم کتاب ظهور الحق " را با مندرجات تاریخ نبیل تطبیق و موارد ذیلرا قابل تعدیل و اصلاح دانسته اند :

۱- صفحه ۱۶ ظهور الحق : و اما تفصیل بیان امکانه تاریخیه و محلّهای توقف حضرت در تبریز نخست خانه محمد بیگ چاپارچی واقع ... در صفحه ۱۸۷ تاریخ عربی نبیل مرقوم است که حضرت اعلی را محمد بیگ چاپارچی در نزدیکی تبریز تسلیم مامورین حاکم تبریز کردند که ولیعهد بود ...

۲- در صفحه ۱۷ ظهور الحق ضرب و زجر آن مظلوم در حیاط بیرونی آنخانه بدست وی ( شیخ الاسلام ) واقع شد ... در صفحه ۲۹۵ عربی نبیل : قضیه ضرب و زجر را در نماز

خانه شیخ الاسلام نوشته است و عکس نماز خانه  
هم در تاریخ نبیل عربی و انگلیسی هست در  
عربی صفحه (۲۵۴): انگلیسی (۳۱۸)

۳- در آخر صفحه ۲۶ و اول صفحه ۲۷ ظهور  
الحق این عبارت مرقوم است:

و چسب مشبک و مقطوع آن شهید (سلیمانخان)  
در محلی بخارج از خندق و دروازه قدیم شاهزاده  
عبدالعظیم طهران تحت اطباق رمل و حصات  
مستور شده . اما در تاریخ نبیل عربی شهادت  
ایشان را در صفحه ۴۹۶ در امام زاده حسن قید  
نموده .

۴- از سطر ۱۱ تا ۱۶ صفحه ۳۰ ظهور الحق  
مخالف تاریخ نبیل است .

۵- در اوایل صفحه ۶۳ ملا مهدی خوئی جزو  
حروف حی شمرده شده در صورتیکه او از  
حروف حی نیست.

۶- در صفحه ۶۹ در اواخر صفحه نوشته شده :  
و اما تفصیل محبس و قضیه ماکو و احوال  
علیخان را در بخش سابق آوردیم نداء صریح  
قائمیت و تأسیس شریعت و صدور کتاب بیان  
فارسی عربی در سجن ماکو وقوع یافت . انتهی  
ولی در تاریخ نبیل مذکور است که حضرت اعلی  
را وقتیکه برای محاکمه به تیریز آوردند اول  
بجناب عظیم در بیرون دروازه تیریز و بعد در  
مجلس ولیعهد اظهار قائمیت فرمودند .

۷- در اواخر صفحه ۷۵ ظهور الحق مرقوم است  
که نوروز علی توقیع حضرت اعلی را از زنجان  
برای حاجی سلیمانخان برد و در تاریخ نبیل حامل  
توقیع ملا اسکندر است .

۸- صفحه ۹۳ ظهور الحق نوشته است دختر  
محمد شاه را باز دواج حضرت اعلی در آورد و  
در صفحه ۱۶۷ نبیل عربی خواهر محمد شاه  
است .

۹- در صفحه ۹۸ ظهور الحق مینویسد که میرزا محمد علی نهری فرزندی نداشت رجا کرده حسب الاشاره از سوز مبارک خورد ولی از تاریخ نبیل اینطور بر میآید که میرزا ابراهیم از محضر مبارک رجای فرزند برای برادر خود میرزا محمد علی نمود در حالیکه میرزا محمد علی در آن مجلس حاضر نبود .

۱۰- در صفحه ۱۰۴ سطر هفت و هشت ظهور الحق بطوریکه در همانجا تصریح شده اختلافی در عده شهدای اصفهانی موجود است .

۱۱- در صفحه ۱۰۹ سطر ۱۰ ظهور الحق مدت اقامت اصحاب را در بدشت ده یوم نوشته و در تاریخ نبیل ۲۲ روز است .

۱۲- در صفحه ۱۱۴ ظهور الحق از سطر ۱۶ بیعد مرقوم است که ( نبیل زرنندی درین خصوص چنین نوشت که جناب ملاحسین بشرویه

در عنفوان جوانی مجلس درس حاجی سید محمد باقر رشتی را در اصفهان معطل نمود و تا هفت روز در مسائل شیخ اجل احسانی با او گفتگو کرد تا او را مقرر و معترف ساخت (اما از تلخیص تاریخ نبیل از صفحات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ چنین بر میآید که فقط دو روز جناب ملاحسین با حاجی سید محمد باقر محاوره فرموده و او را قانع کرده و روز سیم فتوی بر صحت اعتقادات طایفه شیخیه از او اخذ کرده است .

۱۳- در صفحه ۱۱۶ ظهور الحق از سطر ۸ ببعد چنین بر میآید که برادر جناب ملاحسین در کربلا بوده اند و ایشان یعنی جناب باب الباب بتنهائی بکربلا مراجعت کرده اند ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۴۷ سطر ۸ مرقوم است که ( اوقاتیکه جناب ملاحسین در سفر خراسان بوطن خویش بشرویه رفته بودند این دو نفر میرزا محمد



حسن برادرشان و میرزا محمد باقر خالوزاده شان  
بایشان همراه شدند .

۱۴- در صفحه ۱۱۶ ظهور الحق از سطر ۱۹ تا  
سطر دویم صفحه ۱۲۰ آنچه از تاریخ معین  
السلطنه منقول از کتاب ابواب الهدی تالیف فاضل  
هشترودی در کیفیت ایمان حضرت باب الباب نقل  
شده شباهتی به تلخیص تاریخ نبیل که از سطر  
آخر صفحه ۴۸ شروع و در سطر ۱۹ صفحه  
۵۵ تمام میشود ندارد باید اعلان کرد که سند  
تاریخ نبیل است و باین اقوال اعتمادی نیست .

۱۵- در سطر ۱۰ صفحه ۱۲۰ ظهور الحق از  
تاریخ ملا جعفر واعظ قزوینی مرقوم است که  
جناب باب الباب باصفهان رفتند و با جناب حاجی  
سید محمد باقر هفت ماه گفتگو کردند اما چنانچه  
قبلاً معروض افتاد از صفحه ۲۳ الی ۲۶ تلخیص  
تاریخ نبیل مستفاد میگردد که فقط دو روز  
معاوره ما بین آن دو نفر بوده است .

۱۶- از سطر اول صفحه ۱۲۷ تا سطر ۱۷  
صفحه ۱۲۹ ظهور الحق از نوشته آقا سید ابو  
طالب بقية السيف شهيرزادی در کیفیت سلوک و  
گفتار خسرو قادیکلانی و قتل او و سوار هایش نقل  
شده با مندرجات تلخیص تاریخ نبیل که از سطر  
ششم صفحه ۳۳۷ شروع و در سطر هشتم صفحه  
۳۵۵ ختم میشود اختلاف دارد .

۱۷- در صفحه ۱۳۳ ظهور الحق از سطر ۱۲ تا  
سطر ۱۶ صفحه ۱۳۵ که از نوشته سید ابو طالب  
بقية السيف در کیفیت شهادت حضرت باب الیاب  
و اصحاب نقل شده با تلخیص تاریخ نبیل که از  
سطر سیم صفحه ۳۷۸ شروع و در سطر ۱۳  
صفحه ۳۸۰ ختم میشود اختلاف دارد .

۱۸- در صفحه ۱۴۳ ظهور الحق که شرح احوال  
جناب میرزا محمد حسن اخوی حضرت باب  
الیاب نوشته شده در سطر ۸ و ۸ مرقوم است که  
( پس از شهادت باب الیاب حضرت قدوس عمامه

خضراء آنجناب را بر سر روی نهاد و سیف  
صارمش را بدو داد و منصب سرداری جند الهی  
را بوی سپرد ( ولی در صفحه ۴۲۴ تلخیص  
تاریخ نبیل ضمن شرح احوال جناب میرزا محمد  
باقر قائنی معروف بهراتی در سطر ۱۳ نوشته  
شده که ( ریاست لشکر بعد از ملاحسین از طرف  
جناب قدوس بایشان واگذار شد )

۱۹- در صفحه ۱۴۸ ظهور الحق سطر ۱۷ تا  
سطر ۳ صفحه ۴۹ راجع بجناب مقدس و  
حضرت قدوس حکایتی نقل شده که حاصلش این  
است که اولاً تاجری آن دو نفر را مجبور کرد که  
چوبی بر دوش گرفتند تا هشتاد لنگه شکر را  
وزن کرد و ثانیاً چون ایشان را از شیراز بیرون  
کردند در سعدیه بزیارت حضرت اعلی که از حج  
بازگشته بودند فائز شدند و همگی بشهر آمدند و  
چند روز از نعمت لقا مرزوق بودند ولی از  
صفحه ۱۲۵ و ۱۲۶ تلخیص تاریخ نبیل مستفاد

میشود که حضرت اعلی از بوشهر قدوس را بشیراز روانه کرده و فرمودند که در این دنیا دیگر من و تو ملاقات نخواهیم کرد و این فقره با تشرف بعدی جناب قدوس با حضرت اعلی در شیراز که در ظهور الحق نوشته شده منافات دارد و نیز در صفحه ۱۶۵ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۸ چنین مرقوم است که ( سابقا گفتیم که حسین خان حاکم فارس جناب قدوس و ملا صادق را پس از زجر بسیار و اذیت بی‌شمار از شیراز بیرون کرد جناب قدوس از ملا صادق جدا شده بطرف کرمان رفتند تا امر مبارک را بحاجی کریمخان ابلاغ کنند و ملا صادق مقدس برای تبلیغ امر و اعلای کلمه الله بیزد مسافرت نمود ) و این هم با معیت مقدس با جناب قدوس منافی است .

۲۰- در صفحه ۱۵۳ سطر ۱۵ ظهور الحق راجع بمیرزا محمد حسن برادر جناب مقدس نوشته شده که ( در ظلمت شب بدست سواران خسرو

قادیکلانی بشهادت رسید.) ولی در تلخیص تاریخ  
نبیل صفحه ۳۳۴ از سطر ۴ تا اواخر صفحه  
۳۳۵ مستفاد میشود که قتل ایشان و برخی دیگر  
از اصحاب در روز بوده است .

۲۱- در صفحه ۱۵۴ ظهور الحق سطر ۱۶  
ضمن شرح احوال میرزا احمد از غندی مرقوم  
است که ( ملا صادق مقدس از طرف کرمان  
وارد یزد شد ) این فقره هم با صفحه ۱۷۴ سطر  
۱۱ تاریخ نبیل و هم با صفحه ۱۵۱ سطر ۴  
ظهور الحق اختلاف دارد زیرا جناب مقدس  
بموجب نوشته هر دو کتاب اول بیزد و بعد  
بکرمان رفته اند .

۲۲- در صفحه ۱۷۸ ظهور الحق سطر ۱۱ راجع  
بجناب حجت مرقوم است که ( بدین نوع صیئتش  
را همه کس در همه جا شنید و از طهران از  
جانب شاهی خلعت و لقب حجة الاسلامی برایش  
رسید و لذا نزد اهالی بعنوان حجت معروف

گردید ( ولی در صفحه ۵۵۰ تلخیص تاریخ نبیل  
سطر اول چنین است که ( یکروز جناب حجت با  
شاگردان خود مشغول صحبت بودند در این بین  
مشهدی احمد از شیراز مراجعت کرد نامه سر  
بمهری از حضرت اعلی بحجت داد لوحی از  
حضرت اعلی بحجت داد لوحی از حضرت اعلی  
بود که در ضمن آن ایشانرا ملقب بحجت فرموده  
بودند عبارت جناب نبیل هم بظهور الحق اضافه  
شود .

۲۳- در صفحه ۱۸۱ ظهور الحق سطر ۲ راجع  
بواقعه زنجان مرقوم است که احباءالله نوزده  
سنگر داشته اند ولی در صفحه ۵۷۰ تلخیص  
تاریخ نبیل سطر ۱۹ نوشته شده که ( بیست و  
هشت سنگر در قلعه ساختند )

۲۴- در صفحه ۱۸۲ ظهور الحق سطر ۲ نوشته  
شده که ( شجاعت و شهامت دو خواهر که یکی  
شاه صنم ملقب به رستمعلی بود زیب تاریخ

محاربات مذکوره است) ولی در صفحه ۵۷۱  
تلخیص تاریخ نبیل سطر ۹ مرقوم است که (در  
ضمن زنهائی که در قلعه بودند زنی دهاتی  
موسوم به زینب بود) تا اینکه در صفحه ۵۷۳  
سطر ۶ نوشته شده که (به واسطه شجاعت و  
قوت قلبی که داشت زینب را رستمعلی نام نهادند  
( اینجا اختلاف در اسم اصلی رستمعلی است .

۲۵- در صفحه ۱۸۶ ظهور الحق سطر آخر  
ضمن بیان احوال آقا میر محمد علی مذکور است  
که ( بالاخره در سن کهولت و آخر ایام حیات با  
برادرش آقا میر مهدی و سه پسرش آقا سید احمد  
و آقا سید ابوالقاسم و آقا میر ابو طالب بعزم اقامت  
عراق و مجاورت مشاهد منبر که ائمه اطهار  
بکربلا رفت و قریب سی نفر از تلامذه و  
مخلصینش نیز همسفر شدند و با برادر و پسران  
در کربلا سکنی گزید و چون در همان سنین  
ظهور حضرت باب الله الاعظم شد و علمای

اصحاب در عراق برای نشر امر بدیع میدان  
وسیع بیان و عرفان و اقامه دلیل و برهان باز  
کرده ارائه آیات و اشاعه بینات نمودند و لا سیما  
ملا علی بسطامی حسب الامر کتاب تفسیر یوسف و  
صحیفه مکنونه بکر بلا آورده با علماء مذاکره و  
مناظره کرد در سال ۱۲۶۲ با پسرش سید احمد و  
بعضی دیگر از علماء صحیفه و خطب و مناجات  
بواسطه ملا ولی الله آملی مطالعه و تلاوت نمود و  
چنان متأثر و منجذب شد که همی گریسته چنین  
گفت صاحب این کلمات از سر چشمه نوشید و بر  
هر مکلفی واجب است در طلبش بر آید و من  
افسوس که عمرم بآخر رسید و مقراض پیری  
رشته سعی و حرکت را قطع نمود و از وصول  
باین سعادت محروم آنگاه در حق فرزند ارشدش  
آقا سید احمد مذکور بشارت داد که درک ظهور  
نموده فائز بشهادت و سعادت موفور میگردد و  
دستها ببالا برافراشته در باره وی دعا کرد که در



این مدعاء بداء نشده وقوع و تحقق یابد و در آن  
شهور اخیره حیاتش همی بدوستان و آشنایان مزده  
حلول میقات ظهور موعود داد و موافق آنچه  
بهفت ماه قبل از وفاتش در عالم رؤیا دید پسران و  
دوستانش را بکوتاهی ایام باقیه عمرش آگاه نمود  
حتی یوم وفات خود را معین داشت و چنانچه گفته  
بود بسال ۱۲۶۳ از اینعالم در گذشت) ولی در  
صفحه ۴۰۹ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۹ مرقوم  
است که (میر محمد علی یکی از شاگردان  
جناب شیخ احمد احسانی بود نهایت ارادت را  
بشیخ داشت و از علماء معروف محسوب بود  
یکسال قبل از ظهور بکر بلا عزیمت نمود سید  
احمد و میرزا ابوالقاسم پسران او نیز همراهش  
بودند ... باری میر محمد علی مقصودش این بود  
که بکر بلا برود و دو پسر خود را به خدمت  
جناب سید کاظم بگمارد و قتیکه بکر بلا رسیدند  
جناب سید کاظم صعود فرموده بودند میر محمد

علی بجانب نجف عزیمت نمود در نجف خوابی دید که حضرت رسول علیه السلام بحضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند بمیر محمد علی بگو که سید احمد و میر ابوالقاسم دو پسر او بحضور قائم موعود مشرف خواهند شد و در راه آنحضرت شهید خواهند گردید میر محمد علی از خواب بیدار شد و فرزندش سید احمد را طلب کرد و آنچه را در نظر داشت باو وصیت نمود و یک هفته بعد از این خواب وفات یافت ( اختلاف اینجا اولاد در تاریخ ورود میر محمد علی بعثبات و ثنیا در رفتن و اقامت گزیدن او در نجف است که در ظهور الحق ذکری از آن نیست و ثنیا در عده پسرانش است که همراه خود برده زیرا در ظهور الحق سه پسر و در تخلیص تاریخ نبیل دو پسر ذکر کرده و رابعاً در ایمان اوست که در ظهور الحق نوشته شده آیات حضرت اعلی باو رسید و مؤمن شد و از تاریخ نبیل بر میآید که او

قبل از ارتفاع ندای آنحضرت وفات کرده و  
خامساً در رویای اوست که صاحب ظهور الحق  
هفت ماه قبل از وفات و نبیل یک هفته قبل از  
وفات تعیین نموده است باری مندرجات کتاب  
ظهور الحق مستند بنوشته آقا سید محمد رضا ست  
که قسمتی از آن در حواشی صفحات ۱۹۱ و ۱۹۲  
و ۱۹۳ نقل شده است .

۲۶- در صفحه ۱۸۷ ظهور الحق سطر آخر  
نوشته که ( عمر کربلانی ابو محمد نیز وفا نکرده  
قبل از ارتفاع صیت امر بدیع بجهان دیگر رفت )  
و نیز در صفحه ۱۸۸ ظهور الحق سطر ۴ راجع  
ببرادرش کربلانی علی نوشته شده که ( بتشویق و  
تأکید کربلانی علی مذکور که در غایت ضعف  
پیری حیات داشت پسرش صفر علی با بستگانش  
بدان سو رفتند ) یعنی به قلعه رفتند و چنان مؤمن  
و مخلص بود که بعداً چون خبر شهادت پسر  
جوان شنید بحمام رفته دست و پا و محاسن

خضاب نموده گفت الحمدالله برای پسر م عروسی  
گرفتم ) ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۴۱۰  
سطر ۱۷ مرقوم است که ( در سال ۱۲۶۱  
هجری این دو برادر بمردم اعلان کردند که  
در این سال مردی موسوم بسید علی ظاهر میشود  
و با علم سیاه از خراسان بمازندران تشریف  
میآورد... کربلانی ابو محمد و کربلانی علی هر  
دو در بهار همان سال وفات یافتند ) اختلاف این  
دو تاریخ یکی در این است که ظهور الحق  
میرساند که کربلانی ابو محمد قبل از سال ظهور  
وفات کرده و تلخیص تاریخ نبیل می فهماند که او  
تا بهار سال ۱۲۶۱ که یکسال بعد از ظهور است  
زنده بوده - اختلاف دیگر در این است که  
صاحب ظهور الحق کربلانی علی را تا سال  
۱۲۶۵ که جنگ در قلعه پایدار بوده زنده میدانند و  
نبیل وفات او را با برادرش در سال ۱۲۶۱ ذکر  
نموده است ولی باز در جای دیگر از تلخیص

تاریخ نبیل یعنی صفحه ۴۲۷ سطر ۱۷ نوشته شده  
که (کربلایی علی و کربلایی ابو محمد نتوانستند  
خود را بقلعه برسانند زیرا مریض بودند )

۲۷- در صفحه ۱۹۵ ظهور الحق سطر ۲ مرقوم  
است که ( آقا میر ابوطالب جناب باب را چون  
هدف گلوله شدند بمساعدت چند تن دیگر از  
اصحاب بقلعه برد ) ولی در صفحه ۳۸۰ تلخیص  
تاریخ نبیل سطر ۱ نوشته که ( دو نفر جوان  
خراسانی از اصحاب باب الیاب که یکی موسوم  
بقلی و دیگری موسوم بحسن بود پیش آمدند و  
جناب باب الیاب را برداشته بقلعه بردند ) و نیز  
در صفحه ۴۲۵ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۵ در  
ضمن ذکر اسامی شهدای قلعه مرقوم است :  
(دهم و یازدهم و حسن و قلی این دو نفر بودند  
که با کمک اسکندر زنجانی بدن جناب ملاحسین  
را پس از گلوله خوردن بقلعه بردند . )

۲۸- در صفحه ۲۲۵ ظهور الحق سطر ۱۹ در  
ضمن شرح احوال میرزا قربانعلی بار فروشی و  
شرح شهادتش مرقوم گشته که (چون حضرت  
ذکرالله را سواران دولتی بقریه کلین رساندند در  
آنجا بزیارت فائز گشت) ولی در صفحه ۴۶۳  
تلخیص تاریخ نبیل که از سطر ۶ شرح احوال آن  
شهید مجید شروع و در سطر ۱۸ صفحه ۴۶۸  
پایان میرسد ذکری از تشریف او بمحضر مبارک  
حضرت اعلی نیست بلکه در اواخر صفحه ۴۶۵  
از قول او نقل شده که (او - یعنی حضرت اعلی  
هزاران نفر مثل مرا که بحضورش مشرف نشده  
اند مورد تأثیر خود قرار داده) و نیز در  
مجاوراتی که ما بین آن شهید سعید و امیر کبیر  
در دو کتاب وارد شده اختلاف است .

۲۹- در صفحه ۲۴۴ ظهور الحق سطر ۸ مرقوم  
است که (دیگر شیخ سلطان کربلایی آباء و  
اسلافش از علماء و مشایخ کربلا و خود از تلامذه

جانفشان سید رشتی بود و بواسطه ملا علی بسطامی مطلع و منجذب بظهور حضرت باب گردید ( ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۲۵۴ سطر ۸ چنین است که ) از جمله نفوسیکه حضرت طاهره در کربلا تبلیغ فرمود شیخ سلطان کربلائی بود ) اختلاف اینجا در این است که صاحب ظهور الحق واسطه ایمان شیخ سلطان را جناب ملا علی بسطامی شمرده و نبیل مبلغ شیخ سلطان را حضرت طاهره ذکر کرده .

۳۰- در صفحه ۲۵۹ ظهور الحق سطر آخر در ضمن شرح احوال شیخ محمد شبل نوشته شده است که ( با فرزند رشید خود آقا محمد مصطفی در موکب آنجناب و اصحابش مجددا قدم ببلاد ایران گذاشته تا قزوین مهیای اعانت و نصرت شد و از آنجا بیغداد عودت کرد ) ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۲۵۶ سطر ۹ مرقوم است که ( حضرت طاهره در همدان بود که

جمعی از قزوین از طرف پدرش حاجی ملا صالح برای پیشبازی او آمدند و مقدم او را تهنیت گفتند و از او درخواست نمودند که هر چه زودتر بقزوین برود و مدتی را در آنجا اقامت فرماید حضرت طاهره پس از تأمل گفتار آنانرا قبول کرد و جمعی از همراهان خود را از قبیل شیخ سلطان و شیخ محمد شیل پسر کوچکش محمد مصطفی عابد و پسرش ناصر که بعدا بحاجی عباس معروف شد همه را فرمود بعراق عرب مراجعت کنند و جمعی را اجازه داد که با او باشند مانند شیخ صالح عرب و ملا ابراهیم گلپایگانی... و میرزا محمد علی حرف حی که شوهر خواهر طاهره بود و داماد طاهره سید عبدالهادی این دو نفر از کربلا تا قزوین با حضرت طاهره بودند ( اختلاف اینجا در این است که در ظهور الحق مرقوم است که شیخ محمد شیل و آقا محمد مصطفی با جناب طاهره تا



قزوین همراه بودند و نبیل مینویسد که آندو نفر با  
سایر اصحابیکه اسم برده است از همدان بعراق  
عرب مراجعت نمودند .

۳۱- در صفحه ۲۶۱۰ ظهور الحق سطر ۳  
مرقوم است که ( دیگر از مشاهیر بابیه عراق  
شیخ صالح کریمی بواسطه جناب بسطامی ایمان  
بامریدیع آورده از اصحاب خاص و فدائیان با  
اخلاص قره العین شد ) ولی در صفحه ۲۵۴ سطر  
۲ تلخیص تاریخ نبیل مسطور است که ( از جمله  
نفوسیکه در کزبلا بواسطه جناب طاهره بامر  
مبارک مؤمن شد جناب شیخ صالح بود ) در اینجا  
اختلاف راجع بمبلغ جناب شیخ صالح کریمی  
است که در ظهور الحق جناب بسطامی و در تاریخ  
نبیل جناب طاهره ذکر شده .

۳۲- در صفحه ۳۶۹ ظهور الحق سطر ۱۷  
راجع بملا عبدالکریم قزوینی مسطور است که  
( بواسطه ملا تقی شیخی قزوینی در سلک علماء

شیخیه منسلک گشت ) ولی در صفحه ۱۴۹  
تلخیص تاریخ نبیل چهار سطر بآخر مانده مشعر  
است که ایشان بواسطه حاج الله وردی پدر آقا  
محمد جواد فرهادی معرفت بحال جناب سید پیدا  
کرده و بمحضرش شتافته اند .

۳۳- در صفحه ۳۸۶ ظهور الحق سطر ۱۶  
مسطور است که ( در بخش سابق ضمن اوضاع  
قلعه مازندران نوشتیم که پنج تن از مؤمنین  
قزوین در قلعه طبرسی مازندران بشهادت رسیدند  
ولی در صفحه ۴۳۱ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۹  
تا سطر ۶ صفحه ۴۳۲ از شهدای قزوین شش نفر  
شمرده شد .

۳۴- در صفحه ۴۵۴ ظهور الحق سطر ۱۳  
راجع به احوال سید بصیر هندی مسطور است  
که ( طولی نکشید که در بمبئی از شیخ سعید  
مذکور خبر ظهور باب مدینه علم و معرفت و  
واسطه قربیت الهیه شنیده و بیدرنگ بایران باز

گشت و چون حضرت باب اعظم بسفر مکه رفت  
لاجرم بدانسو شتافت و در مسجد الحرام بفیض لقا  
فائز گردید حلقه اخلاص و ارادت کامله بگوش و  
پس از آن بعزم شیراز رفت و ایامی رسید که  
حضرت مهاجرت کردند لاجرم بنا بر سیر و  
هدایت نهاد و در بلاد و معمورات همی سفر کرد  
ولی در صفحه ۶۱۹ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۱  
مرقوم است که ( شیخ سعید هندی که از حروف  
حی بود بامر مبارک بهندوستان مسافرت نمود و  
چون بشهر مولتان رسید سید بصیر هندی که  
مردی دانشمند بود ندای ظهور جدید را از وی  
شنید و بدلالت فطرت اصلیه بامر مبارک مؤمن  
شد ... اول قدمی که برداشت این بود که بشیراز  
عزیمت کرد و با آنکه نابینا بود تحمل صدمات  
نمود و چون بشیراز رسید دانست که حضرت  
اعلی بامر شاه در کوه آذربایجان محبوس است  
فوراً از شیراز بطهران و از آنجا بنور سفر کرد

و بملاقات حضرت بهاء الله فائز گردید این ملاقات  
تلافی مافات کرد ( در اینجا ما بین دو تاریخ دو  
اختلاف است اول اینکه در ظهور الحق مذکور  
است که در بمبئی خبر ظهور سید بصیر رسیده و  
در تاریخ نبیل در مولتان قید شده دویم آنکه در  
ظهور الحق مذکور است که پس از ایمان بایران  
و از آنجا بمکه رفت و بشرف لقای حضرت اعلی  
نائل شد و در تاریخ نبیل مرقوم است که از  
شیراز بطهران و نور رفت و بزیارت جمال قدم  
فائز گردید .

۳۵- در حاشیه ۱۲۴ ظهور الحق نقل از وقایع  
المیمیه آقا سید حسین مهجور زواره راجع  
بحرکت جناب باب الباب بسوی مازندران چنین  
است که (خروج ملاحسین را با جمعیت اصحاب  
از مشهد یوم ۱۹ شعبان ۱۲۶۴ و ورود کربلائی  
اصغر بناء قائینی با توقیعی از حضرت قدوس و  
عمامه خضراء و نام سید علی را در قریه مزینان

و ورود کربلائی قنبر علی را با توقیعی دیگر و  
با لقب سلطان منصور و فرمان ورود بیار فروش  
بعد از حرکتشان از منزل فولاد محله نوشته ( ولی در صفحه ۳۱۶ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۴  
چنین است که (جناب ملاحسین هنوز در مشهد  
بودند که شخصی از جانب حضرت باب بمشهد  
وارد شد و عمامه حضرت باب را که مخصوص  
جناب ملاحسین عنایت فرموده بودند بایشان داد و  
گفت حضرت اعلی بشما فرمودند که این عمامه  
سبز را بر سر خود بگذارید و رایت سیاه را در  
مقابل و پیشاپیش موکب خود برافراشته برای  
مساعدت و همراهی با جناب قدوس بجریره  
الخضراء توجه کنید و از این بیعد بنام جدید سید  
علی خوانده خواهید شد جناب ملاحسین چون پیام  
مبارک را از آن قاصد امین شنید بفوریت امر  
مبارک را انجام داد و یکفرسخ از شهر دور شده  
عمامه حضرت اعلی را بر سر گذاشت و علم

سیاه را برافراشت ... وقوع این مطلب مهم تاریخی در روز نوزدهم شعبان سال هزار و دوویست و چهار هجری بود ( اختلاف اولاً در این است که در ظهور الحق نوشته شده که دو نفر دو توفیق از حضرت قدوس آوردند و در تاریخ نبیل نامی از توفیق نیست بلکه ذکر پیغام شده است آنهم از حضرت اعلی - ثانیاً در ظهور الحق از سیاق کلام پیدا است که فرستادن عمامه خضراء هم بجناب قدوس نسبت داده شده در صورتیکه در تاریخ نبیل فرستادن عمامه را از جانب حضرت اعلی مینویسد ثالثاً در ظهور الحق ورود عمامه در مزینان ذکر شده و در تاریخ نبیل در شهر مشهد .

۳۶- در ذیل صفحه ۲۳۴ ظهور الحق اشعاری از مثنوی ذبیح کاشانی نقل شده که در بیت چهارم آن شیخ ابوتراب اشتهاودی را از حروف حی قلمداد کرده و حال آنکه بنا بمندرجات تلخیص تاریخ

نبیل صفحه ۶۹ که اسامی جروف حی در آن ذکر شده شیخ ابوتراب جزء آنها نیست .

۳۷- در هامش صفحه ۴۶۶ ظهور الحق منقول از نوشته ملا عبدالرحیم قزوینی در کیفیت ایمان جناب سید یحیی دارابی حکایتی است که با مندرجات تلخیص تاریخ نبیل که از سطر ۱۵ صفحه ۱۵۵ شروع و در سطر ۲ صفحه ۱۶۱ ختم میشود اختلاف دارد .

اگر خود آنجناب موارد مزبوره را اصلاح و شرحی خطاب بدارندگان کتاب مرقوم خواهند فرمود که بهمان قرار رفتار کنند فیها المطلوب والا مرقوم فرمایند تا اینمحل موضوع را به احباء ابلاغ نماید متمنی است نظر خود را سریعاً باینمحل مرقوم دارند تا این موضوع هر چه زودتر انجام پذیرد .

صورت مرقومه جناب فاضل مازندرانی علیه

بهاء الله

این اصغر و احقر منتسبین بسده سنیه الهیه  
معروف به فاضل مازندرانی که بالاولی بایستی  
شرط قبول هر عمل و خدمتی را رضاء مولی  
العالمین و انطباق با دستور محفل روحانی بداند  
از عموم اهل بها که نسخه از مجلد سوم تاریخ  
مسلسل ظهور الحق را مالک اند استدعا دارم که  
موارد ۳۷ گانه مسطوره در رقیمه مطالعه محفل  
مقدس روحانی ملی بهائیان ایران زادالله تأییداتهم  
را هر یک در محلش از کتاب مذکور نگهدارند و  
در موقع قرائت یا مطالعه بنظر گیرند و اگر هم  
بخوانند ورقه جداگانه نقل از کتاب تاریخ نبیل  
زرندی بآن مورد از کتاب الحاق نمایند و یا  
در هاشم صفحه بنگارند که در تاریخ نبیل  
زرندی چنین مسطور است و هو الحق و الصواب  
بسیار مناسب و بجا میباشد تا در موقع طبع دیگر



اگر خدا خواست و تقدیر با تدبیر موافق شد  
بنوعی مناسب اصلاح گردد .

جناب حسام نقبائی که خود از علمای فی البهائ  
محسوبند و مؤلف کتابهای بشارات کتب آسمانی و  
طاهره و معرفی منابع تاریخ امر و چند کتاب  
دیگر هستند در معرفی این اثر نفیس می نویسند :

در اوایل دوره ولایت امر بر طبق تصمیم محفل  
مقدس روحانی مرکزی طهران و تصویب هیکل  
انور حضرت ولی امرالله ، متحد المالی بمحافل  
روحانیه شهرستانها صادر گردید که تاریخ امری  
شهرستان خود را بوسیله اشخاص خبیر و بصیر  
و با اسناد و مدارک لازم مرقوم و پس از تدوین  
و تصویب ، کتب مزبور را بطهران ارسال دارند  
این امر انجام گرفت و تواریخ امری مانند تاریخ  
امرئ خراسان کاشان ، طهران ، شیراز و غیره  
نوشته شد که در موقع خود از آنها یاد خواهد شد

محققى بی نظیر جناب میرزا اسدالله فاضل  
مازندرانی که در زمینه تألیف تاریخ امر مطالعات  
و تحقیقاتی نموده بودند کتب امری تاریخی  
شهرستانها نیز در اختیار ایشان قرار گرفت و  
با استفاده از آنها و سایر مأخذ و مدارک و  
مطالعات و تحقیقات شخصی از کتب امری و  
غیر امری و مسافرتهاى ممتد و طولانى بنقاط  
مختلفه سرانجام موفق شد پس از سالیان دراز  
تاریخ مفصل این امر را از بدو پیدایش آن تا  
حدود سنه ۱۳۲۲ شمسی ( تاریخ اتمام تاریخ ) در  
نه مجلد بنام " ظهور الحق " برشته تحریر در آورد  
که در نوع خود بی نظیر میباشد جلد سوم کتاب  
مذبور در سال ۱۳۲۰ شمسی بدون ذکر نام  
مؤلف در طهران بچاپ رسید بقیه مجلدات آن در  
محقله آثار موجود است و تا این تاریخ که مطابق  
سال ۱۳۵۲ شمسی است جز همان جلد سوم هیچ  
کدام از مجلدات دیگر آن منتشر نشده است الحق

کتاب مزبور بی مثل و نظیر و محققانه و ادیبانه  
نوشته شده است بسیاری از خطوط و اسناد اصیل  
و عکسهای مختلف در کتاب گراور شده است .

## ۹۳- منظور از لوح قرن احبای غرب کتاب

قرن بدیع است .

این کتاب نفیس که به تاریخ امر مبارک اُبّهتی خاص داده و چون خورشیدی تابان زوایای تاریک تاریخ را روشن می نماید هدیه گرانبھائی است که هیکل مبارک حضرت ولی امرالله به احبای غرب بمناسبت خاتمه قرن اول بهائی و شروع جشنهای صد ساله شدن امر دسر اسر عالم بهائی تقدیم می نمایند نام

اصلی این کتاب GoD pASSES By بمعنی

میباشد ولی در ترجمه فارسی نام قرن بدیع بر آن گذاشته شده و با ترجمه مرحوم نصرالله مودت در ۴ جلد توسط موسسه ملی مطبوعات امری تهران بین سالهای ۱۲۳ تا ۱۲۵ بدیع طبع و نشر گردیده است .

عنوان کتاب قرن بدیع به GoD pASSES By را جناب جرج تاونزند انتخاب کرده اند و گرنه اسم اصلی آن لوح قرن خطاب به احبای آمریکا است .

این کتاب تاریخ صد ساله امر است مقدمه به قلم ایادی امرالله جناب جرج تاونزند عنوان و مقدمه از

جناب ایادی است و ایشان مقدمه را نوشته در مورد عنوان آن در فکر بودند که بقرار مسموع از پنجره بیرون را می نگریستند و متوجه پرنده ای میشوند که می گذرد یا نسیمی مرور می کند در آن حال برای ایشان احساسی شبیه اینکه خداوند مرور می کند دست میدهد و لذا نام کتاب را گادپاسزیای انتخاب می کنند .

اولین نوروز پس از پایان جشنهای مئوی از یراعه مبارک حضرت ولی عزیز امرالله دو اثر صادر شد :

۱- لوح قرن به افتخار احبای شرق به زبان

فارسی

۲- گاد پاسزیای بافتخار احبای غرب به زبان

انگلیسی.

اثر دوم که به زبان انگلیسی صادر شده بود به

همت جناب نصرالله مودت بفارسی ترجمه گردید

و مورد تشویق معهد اعلی قرار گرفت . این لوح

مبارک در ترجمه فارسی قرن بدیع نامیده شد .

این اثر گرانبها که در چهار جلد تدوین یافته به شرح وقایع عهد اعلی ( ۱۸۵۳ - ۱۸۴۴ ) میلادی پرداخته است .

مقصود مبارک حضرت ولی عزیز امرالله از صدور این اثر شرح وقایع نبود بلکه در ضمن آن بشرح علل وقایع می پردازند و تشریح تعالیم مبارکه همچنین به تطبیق بشارات ادیان قبل از این ظهور مقدس میبادرت می ورزند کتاب قرن بدیع جلد اول شامل فصول ذیل می باشد .

۱- شرحی در باره کتاب بقلم جرج تاوزند ایادی امرالله .

۲- فصل اول ولادت امر بابی

۳- فصل دوم سجن حضرت اعلی در آذربایجان

۴- فصل سوم حوادث نی ریز و زنجان و

مازندران

۵- فصل چهارم شهادت حضرت باب

۶- فصل پنجم رمی شاه و عواقب آن

کتاب قرن بدیع شامل مقدمه از جرج تاوونزند و حضرت ولی امر الله است تاریخ امر و وضعیت پیشرفتها و شامل نفوذ امر و قسمتی شامل نظری گذشته و آینده امر الله است اصطلاح کور و دور و عود عهد برای اولین بار در این توفیق انگلیسی است و در فارسی اولین بار در توفیق ۱۰۵ نگاشته شده قرن بدیع باتمام اهمیت و غروبتی دارد اولاً یک اثر تاریخی بمعنای اخص آن نیست بلکه شرح تحول امر مبارک از آغاز تا دوره میثاق است و مخاطبان آن احبای غرب بوده و بنام لوح قرن معروف است و از لحن حماسی کتاب و استخوان بندی و ساختمان آن چنین بر می آید که هدفی دیگر در نظر بوده که سریان سریع امر الهی در عالم می باشد مخصوصاً ترجمه نه چندان سهل آن با بکار بردن کلمات ثقیل و نامأنوس که برای نسل جوان آشنا نیست با همه توانائی مترجم باز هم نتوانسته است عین کلام مبارک را القاء نماید و کسانیکه با لسان انگلیسی آشنائی

داشته و اصل کتاب گادپاسزیبای GO pASSES By را در متن اصلی زیارت نموده باشند بنحوی به تفاوت فاحش اصل و ترجمه پی میبردند .

(دکتر فریدون فرهمن در مقاله محققانه ای زیر عنوان شرق شناسان و دیانت بهائی که در خوشه هائی از خرمن و ادب شماره ۵ ص ۱۶۹ درج شده چنین می نویسد .

تاریخ قرن بدیع ترجمه شده ولی افسوس که ترجمه آن مثل اغلب مطالب امری که از انگلیسی به فارسی ترجمه می شود آنچنان از لغات عربی آکنده است و حملات طویل چند صفحه ای بقدری دنیال نمودن مطلب را مشکل ساخته که این ترجمه قابل درک برای عموم نیست و کمتر کسی از احبای فارسی زبان هست که این کتاب را که طبع جدید آن دوباره عیناً در آمده از اول تا آخر خوانده باشد و یا اگر خوانده باشد لذت یک کتاب تاریخ را از آن برده باشد بعد از نقل نظرات صائب دکتر و همن رشته کلام را



بدست امه‌الله البهاء روحیه خانم میدهیم که شرح تألیف  
و تدوین این کتاب چنین می نویسد .  
مدت دو سال یا بیشتر حضرت ولی امرالله غالباً کمینه  
را خطاب فرموده "کتاب" بحث میفرمودند و  
مقصودشان از این کلمه "کتاب" همان گادپاسزبای بود  
که برای نوشتن آن تمام وقت و قوای هیکل مبارک  
صرف گردید .

داستان یک قرن را در نهایت جمال و اتقان و در  
کمال فصاحت و اختصار بیان فرمودند برآستی  
امّ الکتاب خواهد شد و در مستقبل ایام مورخین هر  
کلمه ای از آن را مهم دانسته و هر کلمه ای را جوامع  
الکلم می یابند که بافکاری آبیستن است و هر فکری  
را طریقی بسوی اهداف مخصوص خود اتخاذ  
مینمایند این کتاب مملو است از حقایق مأثوره که  
چون دانه های بلورین برف با شکل و زینت  
مخصوصی در پهلوی هم جا گرفته و هردانه ای در  
کمال اتقان در جای خود جلوه و نقش مخصوص

بخود میگیرد هر مطلبی در قالب محصور ریخته شده  
و تمامیت وجودی یافته است و این ترکیب بنحوی  
صورت گرفته که هیچکدام استقلال ذاتی خویش را  
هرگز از دست نمیدهند و چنان جمع این مباحث  
بیکدیگر آمیخته شدند که هر یک انوار هدایتی  
گردیدند و طالبین را دلیل و محققین را راهنمای جلیل  
گشته اند یعنی هر کس اراده نماید که در رسالت  
حضرت بهاءالله تفکری بدیع و در نظم جهانی ظهور  
الهی تدبیری شایسته بنماید باین کتاب که از اعظم  
واتقن کتب حضرت ولی امرالله است مراجعه مینمایند  
و فی الحقیقه تنها نوشته ایست که آنرا کتاب نامیدند  
زیرا جمیع رسائل الهی و مکاتیب جهانی خود را که  
بمجامع امری در سراسر عالم بهائی مرقوم فرمودند  
از روی نهایت تواضع "نامه" خواندند نه کتاب  
طریقه عمل در نگارش این سفر جلیل آن بود که مدت  
یکسال حضرت شوقی افتدی نسخه های خطی و  
چاپی حتی کتبی را که نویسندگان غیر بهائی درباره

امراالله نوشته بودند با نهایت دقت مطالعه فرموده و یادداشتهای لازمه برداشتند .

گمان میکنم در حدود اقلأ دویست کتاب از نظر مبارک گذشت . آنانیکه با این قبیل رسائل تاریخی سرو کار دارند میدانند که در هر مطلبی چقدر تحقیق لازم است تا تصمیم بگیرند که از تواریخ موجوده در نسخ مختلفه کدام را ثبت نمایند با در نظر گرفتن این نکته که در عین انجام چنین اقدام مبروری بایستی شخصی مانند حضرت ایشان مکاتیب یاران را نیز جواب گویند و برای جشنهای صد ساله حضرت باب طرح ریزی های شایسته بفرمایند ، ابلاغیه ها مرقوم دارند و تصمیم های جدیده بگیرند تا جمیع امور مرتب و منظم گردد و نیز برای ساختمان مقام اعلی بایستی صرف اوقات وقوا فرمایند آنوقت میدانیم که چه مسئولیت کمرشکنی را بر عهده گرفتند .

در هر حال وقتی تمام مواد لازم جمع شد ، حضرت ولی امرالله بآن دستهای هنر مند خود مشغول

طرح ریزی این کتاب عظیم و بکار بردن این مواد گردیدند و این عمل را چون هنر تذهیب در نگارش خود مجری داشتند تا تاریخ یک قرن را با تمام رساندند ، فرمودند مقصد مبارک آن نبود که تاریخ مفصل یک قرن را مرقوم دارند بلکه هدف آن بود که حقایق مسلمه ظهور الهی و اعتلای امر را در این مدت نشان داده تأسیس نظم بدیع را گوشزد فرمایند و بحرانهای عظیمه و قوای سریه الهیه را که برای تقدم و تعالی امر از منابع غیبیه جاری است در برابر چشم یاران عیان فرمایند تا خود مشاهده نمایند که چگونه امر الهی را از فتحی به فتح دیگر واصل میگردد . فی الحقیقه با قلم مبارک منظره ای شگرف از جمیع سوانح عظیمه امریه ترسیم فرمودند و پرده از روی حوادث کلیه برای مشاهده یاران برداشتند و چون پرده را از صفحه اول این نمایش عظیم به یک سو زدند بفرموده مبارک کل آن را "اعظم واعلی نمایش روحانی جهان دانسته که اسرار مودعه الهیه

را فکر بشری ادراک نتواند و اندیشه آدمی بعمق حقائقش هرگز نرسد و هیچ چشمی بزیارت ذروه اعلایش فائز نگردد و غایت قصوی و پایان این نمایش بی همتا را کما ینبغی احدی ادراک نکند و پیش بینی نتواند."

صدها ساعت صرف شد تا مواد لازمه این کتاب جمع آوری گردید. صدها روز و ماههای متتابع گذشت تا همه را با دست خود مرقوم فرمودند و چه بسا که برخی فصول را مجبور میشدند برای بار دوم مرقوم دارند. چه روزها که با دو انگشت خود تمام کتاب را با ماشین تحریر نسخه برداشته گاهی اوقات ده ساعت تمام مشغول بودند و آنقدر مستمر آ کوشیدند تا نسخه کامل اخیر تهیه گردید.

بعد ساعتهای بسیار صرف کردیم و اکثر تا نیمه شب سرمیز اطاق خواب پهلوی هیکل مبارک می نشستیم ایشان سه نسخه و من سه نسخه در برابر داشتیم و تمام آن نسخه ها را برای غلط گیری از اول

میخواندیم . اسمهای فارسی و عربی را که باید با  
علامتهای مخصوص بحروف لاتین نوشت دقیقاً  
مرقوم میداشتیم . چقدر طول میکشید که علامتها را  
سر جای خود بگذاریم . هیکل مبارک بلند میخواندند  
و گاهی آنقدر میخواندند که دیگر چشمهای سرخ و  
ناتوان میگردید کمر مبارک و دستها از خستگی  
خشک میشد ولی کار همچنان ادامه داشت تا روزها و  
شبها به پایان رسید این کاری بود که باید بشود چاره  
دیگری نبود و آهسته تر محال بود بتوان این ثقل  
عظیم را حمل کرد فی الحقیقه بر خلاف جریان وقت  
و فشار زمان میکوشیدند اراده مبارک آن بود که این  
کتاب را بعنوان هدیه جشن قرن حضرت اعلیٰ به  
احبای غرب بفرستند لذا هر قسمتی که کاملاً بیابان  
میرسید آنرا به آمریکا میفرستادند تا وضع طوری شد  
که در ماه نوامبر سال ۱۹۴۴ کتاب برای چاپ  
حاضر و آماده گردید .

## ۹۴- منظور از توقیع قهریه توقیع خطاب به حاجی میرزا آقاسی است .

در معرفی توقیع اخیر در کتاب شرح و آثار حضرت باب چنین می خوانیم :

در چهریق همانطور که از پیش آمد توقیع دیگری از قلم حضرت باب خطاب به حاج میرزا آقاسی نازل گشته است . نزول این توقیع مبارک در روزهای نخست مراجعت حضرت باب از تبریز به چهریق ( اقامت مجدد در چهریق ) بوده است . این توقیع به توقیع قهریه در مفهوم خاص معروف است . حضرت باب توقیع قهریه را به طهران نزد جناب حجت زنجانی ارسال فرمودند تا با دست خویش به صدر اعظم ابلاغ نماید و او نیز چنین نمود .

نبیل زرندي از لسان حضرت بها الله در سجن عکا شنیده است که فرموده اند جناب حجت در حضور آن حضرت و میرزا مسیح نوری و گروهی دیگر از اصحاب ابراز نموده که توقیع قهریه را به شخص حاج میرزا آقاسی داده است .

حضرت بها الله فر موده اند که حجت تمام توقيح را از حفظ داشته و براي حضرتشان و ديگر اصحاب حاضر قرائت کرده است. از بيان مبارك حضرت بها الله که مي فر مايند " خيلي مفصل بود . سه صفحه مي شد . همه را حفظ کرده بود" (مضمون بيان مبارك) نبايد استنباط نمود که توقيح مبارك در سه صفحه بخط و قطع معمول بوده است . زيرا نسخه موجود نزد نگارنده تقريبا بيست و چهار صفحه بقطع معمول است . لذا تعداد صفحات منقول از بيان مبارك حضرت بها الله شايد ناظر به صفحات بزرگ و با خط بسيار ريز ( خود هيکل مبارك حضرت باب و يا کاتب حضرتشان ) باشد.

اين توقيح مبارك که بعربي است با عبارت " بسم الله الرحمن الرحيم " آغاز مي شود و ضمن تحميد الهي به قهاريت و عظمت و جباريت و اقتدار حضرت ربوبيت با نزول اشتقاقات متعدده از مصادر الفاظ مذکوره اشاره دارد . هيمنه بيانات مبارکه خود مبين کمال قهر الهي بر حاج ميرزا آقاسي صدر اعظم ايران است سپس بتفصيل عذاب و سخط و غضب



الهي فرموده تصريح مي فرمايند كه اشد عذاب  
براي اهل ملك كه از مظهر الهي اعراض مي نمايند  
مقرر است. پس از اين توضيح خطابات قهريه به  
حاج ميرزا اغاسي آغاز مي شود . با شهادت به وي  
مي فرمايند كه چگونه اموال ناس را بباطل اخذ  
مي كند و چگونه مستحق نار دوزخ است . به او  
مي فرمايند كه به حكومت دنيوي خود مغرور نباشد  
زيرا نفوس اعظم از او چون سليمان و اسكندر با همه  
حشمت و شوكتشان بفنا گرائيده اند . مي فرمايند  
كجايند نمرود و شداد . آن دو در دوزخند در عذاب  
جاودانند و از آن هرگز رهائي ندارند . به او مي  
فرمايند از نخستين روزي كه به وي خطاب  
كرده اند چهل ماه ميگذرد . مي فرمايند اگر از خدا  
مي ترسيدي و به مظهر حق محبت مي ورزيدي بقدر  
خردلي از اقتدارت كاهش نمي يافت و حكومت تو  
پايدار مي گرديد ولكن چون از حق اعراض کرده اي  
بفنا راجع مي شوي گمان مي كني از تو طمع مال  
دنيوي دارم هيهات مال دنيا چون كفي از خاکستر نيز  
نزد من ارزش ندارد .

سپس به حاکم فارس که بحکم وی صاحب اختیار آن ولایت گشته بود و مظالم وارده از سوی او بر حضرتشان و اصحاب بزرگوارشان به بی دینی و انهماک حسین خان در دریای معاصی به شرب خمر دائم وی و قتل نفوس کثیر بی گناه بامر او اشاره می فرمایند . پس از آن حسین خان را لعنت نموده می فرمایند بزودی انتقام الهی در نهایت عدالت او را احاطه خواهد نمود . پس از بیان مظالم حسین خان به خروج حضرتشان از فارس و ورود بر بساط منوچهر خان در اصفهان و توقیر و تعزیز و استقرارشان در آن بساط اشاره می نمایند و برای جناب معتمد جزا جزیل در آخرت رجا می فرمایند . بعد خطاب به حاج میرزا آقاسی می فرمایند تو که مصدر معصیت و خطائی در پهنه ایران زمین و در دریای اموال کثیره تعیش می کنی و مرا که گناهی نکرده ام در دورترین نقاط کشور مسجون می سازی . مراقب سجن مرا مرد نادانی قرار می دهی و به او می نویسی " روحی فداک " بحق شایسته است که روح تو فدای چنین مرد نادانی شود .

به او مي فر مايند كه تو اموال شاهي را به نفوسي مي دهی كه به آل رسول اكرم ( به هيكل مبارك ) محبتي ندارند و هر چه اخذ مي كنند صرف شرب خمر مي نمايند و در پنهان نيز بر تو لعنت مي فرستند . تو از اين وقايع غافلي و با آنكه سالهاي زندگيت رو به هفتاد مي رود از جواني بيست و هشت ساله ( خود هيكل مبارك ) خائفي و او را به ديار غربت تبعيد مي نمائي جواني كه از اولاد رسول اكرم و در شرافت نسبت در ميان مردم فارس بي نظير است .

همين شرافت مرا بس كه از قریش اشرف قبائل عرب و از اهل ولايت فارس اعز مردم ايرانم . مردمي كه رسول اكرم در باب آنان فر موده است اگر علم در ثريا باشد مردان فارس بر آن دست يابند .

مجددا به او مي فر مايند آنچه ظلم كني بنفس خودت راجع مي شود و آنچه از اموال دنيوي جمع نمائي نصيب ديگران مي گردد . مي فر مايند بدان با آنكه بظاهر در سجنم گوني بحقيقت در فردوس جنان و نزد پروردگار منانم . زيرا لذت و راحت و سرور واقعي در قرب و رضاي الهي است . من آنچه شرط بلاغ

بوده بتو گفته ام و حجت و نعمت مدارا را با تو تمام کرده ام ولكن تو لياقت اين مماشات را نداشته اي . جزاي تو بواقع سقوط در ناردوزخ است . اي مرد مكار متظاهر تو قبور مردگان را تعمير مي كني ولي قلوب مطالع فيض و الهام رباني را محزون و دلخون مي نمائي . نه اولادي بجاي نهادي و نه دوست و يار صادق داري احدي از اهل حقيقت با تو همراه نيست . تنهائي و ملعون بندگان خدائي . زود است كه اجل تو فرا رسد زيرا خداوند از اعمال ظالمان غافل نيست . و سرانجام مي فرمايند : “ و سيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون و سبحان ربك رب العزه عما يصفون و سلام علي المرسلين و الحمد لله رب العالمين ” .

در توقيع قهريه پس از توبيخ حاجي ميرزا آقاسي بعلت تعين حسينخان بحكومت فارس و بيان نسب و حسب پست حاكم مزبور و ترك صلوه و شرب خمر و قتل نفس و ساير معاصي كبيره و صغيره او انذار مي فر مايند كه بزودي انتقام الهي او را فرا خواهد گرفت .

در این توقیع خطاب بحاجی میرزا آغاسی می  
فرمایند: " فو الذی نفسی بیده ان غفلتک عن ذکری و  
عصیانک فی حکمی و اعراضک عن طلعتی لک اشد  
من نار جهنم بل انها هی تظهر لنفسک فی یوم  
القیامه ... "

این توقیع مبارک در کتاب عهد اعلی ص ۳۵۹ الی  
۳۶۴ مندرج است.

۹۵- منظور از صحیفه حمرا لوح میثاق است

ماخذ یادنامه مصباح منیر ص ۳۰۱

در کتاب یادنامه مصباح منیر این لوح از حضرت  
عبدالبهاء نقل شده است .

ای عزى نامه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۰۹ وصول یافت  
... و اما سوال از عبارتی که در کتاب خطاب به این  
ذئب است نموده بودی . اصل مقصود از صحیفه  
حمرا لوح میثاق است و آن کلمه امر به اتحاد است که  
وحدت انسانی و اتحاد و اتفاق سبب ظهور آن قوت  
کلیه ای است که در کینونت انسانی ودیعه گذاشته شده  
است ، بلکه مثل آن بر آن بیفزاید . به کتاب عهد  
مراجعت نمائید ، واضح و مشهود شود و علیک  
البهاء الابهی ع ع

۹۶- منظور از کتاب تدوین کتب آسمانی است  
که بر انبیای الهی نازل می شود .

ماخذ یادنامه مصباح منیر ص ۳۶۱  
در لوحی از حضرت عبدالبهاء که در کتاب یادنامه  
مصباح منیر صفحه ۳۶۱ درج شده می فرمایند :  
کتاب تدوین کتب آسمانی است که بر انبیای الهی نازل  
و از فم مطهر حق صادر گشته در کتاب تدوین صور  
و آیات و کلمات و حروف موجود و حقائق و معانی  
در آن مندمج و مندرج است (...)  
این لوح مبارک در جواب سائلی که از یکی از ابیات  
مثنوی پرسش کرده بود نازل شده و طالبین برای  
اطلاع بیشتر باید به اصل لوح مراجعه نمایند .

## ۹۷- منظور از کتاب تکوین لوح محفوظ است

ماخذ یادنامه مصباح منیر

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه در جواب سائلی که از معنی یکی از ابیات مثنوی مولانا پرسش کرده بود می فرمایند :

کتاب تکوین این لوح محفوظ امکان است ورق منشور اکوان و تکوین طبق تدوین است ...

کتاب تکوین منشور الهی است و صحیفه اسرار ربانی آیات عظیمه موجود و صور کلیه مشهود و کلمات تامه مثبتوت و حروفات عالییه منظور و اسرار ماکان و مایکون در آن موجود ، چون در کتاب تکوین نظر نمائی آثار و روز و حقائق و شئون و تجلیات سر مکنون حضرت بیچون مشاهده کنی .

نقل از صفحه ۳۶۱ یادنامه مصباح منیر



۹۸- منظور از ورقه مبارکه نازل در توقیع

ملا عبدالخالق یزدی تفسیر یوسف است .

ماخذ ظهور الحق جلد ۳

## ۹۹- منظور از لوح حبیب سوره الاصحاب

است .

سوره اصحاب که بنام لوح حبیب نیز معروف است از آثار نازلہ در ادرنہ و باعزاز میرزا حبیب اللہ مراغہ ای نازل شدہ و حاوی شرحی دربارہ عظمت امر الہی و نہی از پیروی معرضین و معاشرت با ظالمین است . بعضی ہم معتقدند این لوح بافتخار اسم اللہ المنیب نازل شدہ است این لوح مبارک در آثار قلم اعلی جلد ۴ مندرج است .

برای اطلاع بیشتر بمنابع ذیل مراجعه شود :

گنج شایگان صفحه ۷۵

محاضرات جلد اول ص ۲۶

حضرت بہاء اللہ ص ۲۷۳

بہجت الصدور چاپ اول ص ۵۱

نفحات ظہور حضرت بہاء اللہ جلد اول ص ۳۰۲

آل اللہ ص ۴۰۶

نوزدہ ہزار لغت ص ۴۰۱ ص ۶۸

سفینہ عرفان جلد ۳ ص ۲۱۳

قاموس لوح ۱۰۵ جلد ۱ ( اسرار ربانی ) ص

۱۰۰- منظور از قیوم الکتب تفسیر سوره  
یوسف است .

برای اطلاع بیشتر به صفحات ( ) و ( ) تحت  
عنوان قیوم الاسماء و احسن القصص مراجعه شود .

## سایر تألیفات مؤلف

- ۱- آیا میدانید (دانستنیهای امری)
- ۲- منابع مطالعه غیر امری (نایاب)
- ۳- فن فراگیری انشا و نامه‌نویسی غیر امری (چاپ سوم)
- ۴- الواح مزاح آمیز
- ۵- بهائی را به صفت شناسند
- ۶- از عجایب روزگار
- ۷- آل الله
- ۸- نامه‌های تاریخی
- ۹- امتیاز تقویم بدیع بر سایر تقاویم
- ۱۰- خواندنیهای امری
- ۱۱- منابع مطالعه امری جلد اول  
موضوعات
- ۱۲- منابع مطالعه امری جلد دوم اشخاص
- ۱۳- منابع مطالعه امری جلد سوم آثار  
امرئ
- ۱۴- معرفی آثار مبارکه جلد اول آثار  
حضرت اعلی
- ۱۵- معرفی آثار مبارکه جلد دوم آثار  
حضرت به‌الله

- ۱۶- معرفي آثار مبارکه جلد سوم آثار  
حضرت عبدالبها
- ۱۷- سير تکاملي اخبار امري
- ۱۸- سير تکاملي تقويم (غير امري)
- ۱۹- چگونه بهائي شدم در شرح حال  
مصدقين جلد ۱
- ۲۰- چگونه بهائي شدم در شرح حال  
مصدقين جلد ۲
- ۲۱- چگونه بهائي شدم در شرح حال  
مصدقين جلد ۳
- ۲۲- چگونه بهائي شدم در شرح حال  
مصدقين جلد ۴
- ۲۳- تاريخ امري نيريز جلد اول شرح  
وقايع اوليه در نيريز
- ۲۴- تاريخ امري نيريز جلد دوم نيريز  
در آثار ديگران
- ۲۵- تاريخ امري نيريز جلد سوم شعراي  
بهائي نيريز
- ۲۶- خاطرات سفر به کانادا و آمريکا
- ۲۷- زيارت و سياحت خاطرات سفر به  
ترکيه

- ۲۸- تور روحاني
- ۲۹- تاريخچه مختصر امر در جنوب
- ۳۰- اغصان سدره مبارکه
- ۳۱- معرفي آثار امري جلد ۱ کتب  
تاريخي
- ۳۲- تدوين و معرفي اشعار طاهره قره  
العين
- ۳۳- تدوين خاطرات امراله رفاهي
- ۳۴- تدوين خاطرات رحمت اله اعلائي
- ۳۵- خاطرات زائرین ارض اقدس جلد ۱
- ۳۶- از طبيعت بياموزيم غير امري
- ۳۷- زنان برتر از مردان غير امري
- ۳۸- شهيد بزرگوار شرح حال و شهادت  
رحمن کليني
- ۳۹- مقام امام حسين (ع) ار نظر بهائيان
- ۴۰- نيلوفر آبي خاطرات سفر به هنر
- ۴۱- شرح حال و خاطرات نظام الممالک
- ۴۲- شرح حال و خاطرات شهيد اوجي
- ۴۳- شرح حال و خاطرات جلال ميثاقي
- ۴۴- شرح حال و خاطرات فرنوش  
حسامي

- ۴۵- اسامي متشابه جلد اول اشخاص  
۴۶- اسامي متشابه جلد دوم الواح  
۴۷- ماجرای يك بوسه  
۴۸- معرفي لوح احمد و شرح حال  
مخاطبش ۴۹- شرح نگین اسم اعظم  
۵۰- مقالات و مقولات مجموعه سخنرانیها  
۵۱- شجره نامه فامیل  
۵۲- راهنمای حل جدول

## آثار در دست تألیف

خاطرات زائرین ارض اقدس جلد ۲

چگونه بهائی شدم جلد ۵

معرفی آثار امری جلد ۲ کتب استدلالی

معرفی آثار امری جلد ۳ قاموس‌های

امری

شرح حال ماری ملکه رومانیا

تاریخ امری نیریز جلد ۴ قدمای نیریز

تاریخ امری نیریز جلد ۵ شهدای نیریز

تقویم تاریخ

بهائی ستیزی در ۳ رژیم استبداد -

مشروطه - جمهوری

نظم اداری

مولفین بهائی



خانه بدین نظم که آراستی  
آب و گلش از دگران خواستی  
سقف منقش که در این خانه است  
رنگ وی از خاوه بیگانه است  
طبع تو دارد روش باغبان  
ساخته باغی زنهال کسان  
تازگی آن نه زباران تست  
از خوی پیشانی یاران تست